



HABLULLAH

حبل الله

(واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا)

شماره (۳۶)



ظاهر خائن، دلال شرق و غرب
عامل فقر... دیروز افغانستان
وراهگشای تجاوز ارتش سرخ ...



راجیو، دلال شرق و غرب
عامل قتل عام مسلمانان مظلوم
هندو ...





امام و مسائل حجاب



و در عالم بعد از مثال ، ترك شهوات عقلانی است ، روحانی است ، شهوت در هر جا به يك صورت تحقق دارد . در این عالم به همین طوری که میدانید و در عالم بعد از این عالم (عالم مثال) شهواتی که انسان در عالم مثال دارد بالا تر از شهواتی است که در عالم طبیعت دارد و جلوگیری از آن هم مشکلتر است . و ضیافت ۰۰۰۱ در انجا این است که از آن شهوات انسان منصرف بشود . از شهوات نفسانی که الان عالم گرفتار است . شهوات عقلانی هم که بالاتر از این شهوات است ضیافت ۰۰۰۱ در آنجا باز این است که از آن شهوات عقلانی هم باید دست برداشت و در همه این ضیافت هم شیطان وارد است که نگذارد شما در این ضیافت ۰۰۰۱ استفاده کنید . در عالم طبیعت نگذارد ، در عالم خیال نگذارد . در عالم عقل هم نگذارد و دست برداختن از این آمال عقلانی نیز مشکل تر از دست برداختن از این آمال دیگر است . آمال نفسانی که پایین تر از آمال

عائله ، تمام اینها از همین سرکشی نفس است و ضیافت ۰۰۰۱ در آنجا که ما دعوت بر آن هم شدیم این است که وارد بشویم در آنجا و ترك کنیم آن شهوات نفسانی را و این بسیار مشکل است . شهوات جسمانی آسانتر است تركش ، تا شهوات بالاتر تا برسد به شهوات نفسانی تا آن آخر انسان مبتلاست به این شهوات نفسانی و ضیافت ۰۰۰۱ هم در آن عالم این است که ما دعوت شدیم که ترك کنیم اینها را اینجا صل و انجا است و اونجا روح اینجاست و شهوات عقلانی هم که در بسیاری ، در تمام عالم پرتو انداخته است آن بالاتر از شهوات روحانی و نفسانی است و ضیافت ۰۰۰۱ هم در آنجاست که این هم ترك بشود . ضیافت الله به این چیزهاست که برای اینکه ضیافت رفتن در حضور آنکسی است که انسان را دعوت کرده است . خدا دعوت کرده است ما هم در دنبال این دعوت وارد می شویم در ضیافت . آیاما هم در این ماه رمضان در این ضیافت وارد

به مناسبت عید سعید فطر ۶۶/۳/۸
امام خمینی بیاناتی بدین شرح ایراد فرمودند :

بسم الله الرحمن الرحيم
انشاء الله امیدوارم که این عید سعید به همه مسلمین و همه مظلومان جهان خصوصا " ملت شریف ایران مبارک باشد .

من فکر میکردم که این ضیافتی که شما مومنین دعوت بآن شدید که ضیافت ۰۰۰۱ است . این چی است ؟ دعوت شدیم به ضیافت ۰۰۰۱ و ضیافت ۰۰۰۱ در عالم ماده عمارت از این است که مارا پرهیز بدهد از تمام شهوات دنیوی . این مرتبه ، مادی ضیافت ۰۰۰۱ است که همه کسانی که دعوت شدند به این ضیافت بدانند که ضیافت خدا در این نشئه ، چشم پوشی از شهوات است و ترك آن چیزی که قلب انسان یعنی روح طبیعی انسان به او مایل است . آنها را باید ترك کند . این ضیافت خداست و این ضیافت سایه ضیافت هائی است که در طول عالم وجود تحقق دارد منتهی در عالم ماده به این صورت است که ترك شهوات طبیعی است . شهوات جسمانی است و در عالم مثال ترك شهوات خیالی است .

عقلانی است . عالم را به آتش کشیده تمام این جنگها و تمام این نزاعهایی که در عالم واقع میشود چه در يك عائله واقع بشود وجه در همه عالم که آنهم يك

فهم و ترك كرم شهوات جسمانی را ،
فملا از شهوات خیالی ، شهوات
نفسانی و شهوات عقلانی ؟ این دیگر
هرکسی دست خودش است که خیال کند
بینند چه کرده است .

آیا در محضر حق تعالی که دعوت کرده
است مارا ، ما رفتیم در این محضر ، وارد
شدیم در این محضر که استفاده بکنیم یا
و این محضر ؟ در مسایل بالاتر از اینجاست
هست . اینجا مراتبی است از آن ضیافت
فوق این ضیافت که آن ضیافت اهل
معرفت است . خدا هم رادعوت کرده
است به این ضیافت و اهل معرفت و
کمال از اولیا ، در آن ضیافت وارد میشوند
و می توانند البته نادری می توانند از
عهده برآید و فوق این همه مقامات
آنجاست که دیگر ضیافتی در کار نیست
مضیفی و میهمانی و میهماننداری و
ضیافتی در کار نیست . آنچه دروهم تو
ناید اون است که اصل مسئله دیگر
میرسد بجایی که ضیافتی در کار نیست .
از جمله چیزهایی که در ماه مبارک
هست قضیه ادعیه ماه مبارک است .

انسان وقتی ادعیه ائمه علیهم السلام
را می بیند چه در ماه مبارک و چه در غیر
ماه مبارک ، خوب در ماه مبارک زیاد
است .

اگر نبود اینکه نهی شدیم از مایوس
شدن از رحمت خدا ، ما باید وقتی آن
هارا می بینیم بکلی مایوس بشویم .
این امام سجاد است که مناجات هایش
را شما می بینید و می بینید چطور از
معاضی می ترسد .

مسئله ، مسئله بزرگتر از این مسایلی
است که ما فکر می کنیم مسئله غیر از

این مسایلی است که در فکر ما یاد عقل
عقلا یاد عرفان عرفا بیاید .

مسئله ای است که اولیا می دانند چه
است قضیه ، آنها فهمیدند تا آن اندازه ،
که بشرباید بفهمد که قضیه چه بزرگ
است و در مقابل چه عظمتی ما هستیم و
سرکار ما با کیست اینها به ما تعلیم
میدادند و اینطور نیست که دعا برای
تعلیم ما باشد دعا برای خودشان بوده
است خودشان می ترسیدند . از گناهان
خودشان گریه می کردند تا صبح از
پیغمبر گرفته تا امام عصر سلام الله
همه از گناه می ترسیدند گناه آنها غیر
این است که من و شما داریم آنها يك
عظمتی را ادراك میکردند که توجه به
کثرت از گناهان کبیره است پیش آنها ،
حضرت سجاد در يك شب بر حسب آن
چیزی که وارد شده است تا صبح
" اللهم ارزقنا التجافی عن دار الغرور
والثنا به الی دار السرور والاستعداد
للموت قبل حلول الفوت "

مسئله ، مسئله بزرگی است آنها در
مقابل عظمت خدا وقتی که خودشان را
حساب میکنند می بینند که هیچ
نیستند ، هیچ ندارند واقع مطلب همین
است جزا و کسی نیست و چیزی نیست
وقتی که توجه کنند به عالم کثرت ولو
به امر خدا آن است که نسبت میدهند
به رسول خدا که فرمود " لیقان علی قلی
وانی لا استغفر الله فی کل الامور
سبعین مره " آنها غیر از این مسایل
بوده است که پیش ما هاست .

اگر يك کسی يك قدم بالاتر بگذارد ولو
لفظا " ، این از دیانت به نظر آنها خارج
شده است . این سدا راه است قدم اول
یقفه " الناس نیام " وقتی اگر موت

حاصل بشود عمده این است که انسان
این مسایلی که وارد شده است ملاحظه
کند که تمام آن چیزی که در گفتار اهل
معرفت علمی است در ادعیه ما فوق
اوست اگر انکار کردید ، انکار آنها هم
کردید ، انکار اقوال ائمه علیهم السلام
هم کردید و لونمیدانید .

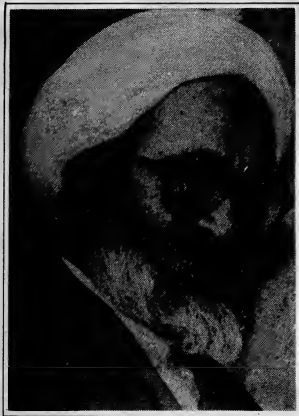
و این کار سدا راه انسان است نمیکذارد
انسان یک قدم بالا برود و این ما رب نفسا
و هواهای نفسانی سرچشمه تمام مفاسدی
است که در عالم هست این مفاسدی که
دنیا را با آتش زده است و دنیا در آتش از
دست آنها می سوزد .

امروز وقت مناقشات نیست ، امروز
وقت این نیست که یکدسته ای یکطرف
را بگیرند و يك دست يك طرف را بگیرند
یکدسته نصیحت کنند ما را که شما باید
صلح کنید . این مال ضعفا است آن
اشخاص ضعیفی که همیشه بردام امریکا
بودند یا امثال اینها از این مسایل
میگویند لکن ماتازه خارج شدیم از این
دام . دوباره حاضر نیستیم وارد شویم
ملت ما حاضر نیست به اینکه دوباره در
این دام وارد بشود . دوباره مستشارهای
آمریکا بیاد هر حکومتی میخواهد بکند .
تا حالا ما را عقب نگه داشتند بس است .
این میخواهند باز هم نگه دارند عقبتر
ببرند .

من دعا میکنم از خدای متعال میخواهم
که خداوند ما را ایستاد کند و خداوند دشمن
های اسلام را اگر قابل اصلاح نیستند از بین
ببرد و ما را آشنا کند به وظایف همین
عالم و به وظایف عالم های دیگر و ما را
از این ضیافت يك حظی بقدرت خودش
عنایت بکند .

والسلام علیکم ورحمة الله

پیرامون سخنان فقیه عاقلیدر آیت الله العظمی منتظری



با اینکه اسلام مسلمان به فرهنگ و تمدن هند خدمات ارزنده ای انجام داده اند و نقش اساسی را در نجات هند از دست استعمارگران داشتند و استقلال و رشد فرهنگی آنها غالباً "مروهون تلاش ها و فداکاری های مسلمانان است، اینگونه برخورد می کنند و مسلمان کشی راه انداخته اند و با این وضع اسف بار خون افرادی گناه را می ریزند و خانه ها و سرمایه های آنان را به آتش می کشند و آن هم در جایی که مسلمانان از مساجد و عقاید خود دفاع می کنند و تعجب بیشتر از آن سران کشورهای اسلامی و آنهایی است که خود را متولی اسلام می دانند. چگونه سکوت کرده و در مقابل این همه کشتارها و اهانت به مقدسات اسلامی دم فرو بستند و به نظر شان تمام مشکلات جهان اسلام انقلاب اسلامی ایران است که همه نیرو ها را ضد آن بسیج کرده اند و می خواهند با سازش با صهیونیستها و آوردن قدرت های بزرگ غارتگر به خلیج فارس به خیال خام خودشان انقلاب اسلامی را مهار کنند و آنرا منزوی سازند. پول نفت و سرمایه های مسلمانان را ثبت می کنند تا اسلام واقعی را بکوبند، علیه تشیع کتساب

جمعی از طلاب و فضلا ی هندی و پاکستانی مقیم حوزه علمیه قم بتاريخ ۱۳۶۶/۳/۸ با آیت ۰۰۰۱ العظمی منتظری دیدار کردند.

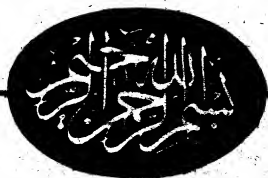
در این دیدار که همزمان با عید سعید فطر انجام شد و جمعی از اقشار مختلف مردم نیز در آن حضور داشتند قائم مقام رهبری طی سخنانی ضمن تبریک عید سعید فطر به همه مسلمانان جهان ضمن تقدیر از آقایانی که با ابراز احساسات از مسلمانان کشی در هند و استان تبری می جویند، با استناد به چند روایت از اصول کافی اظهار داشتند: تمامی مسلمانان یک پیکرو واحد هستند و اگر کسی بشنود فریاد انسانی را که از مسلمانان استمداد میجوید و جواب نگوید مسلمان نیست، وزمانی که ما بشنویم برادران و خواهران ما در هندوستان و لبنان و افغانستان و دیگر کشورهای رفتار هندوها، امریکائی ها، صهیونیستها، روسها و احیاناً مسلمانان بدتر از کفار هستند. ما باید از خود حرکتی نشان دهیم و این یک وظیفه انسانی و اسلامی است.

هم از دولت هند جای تعجب است و هم از سران کشور، همه افرادی که خود را زمامدار مسلمانان می دانند، چگونه است

بنویسند و مثنی اتهامات و اکاذیب را نثار دهند و جیره خواران مزدوری را در گذشته تقویت کنند که جلونیروهای مخلص و بینشهای اصیل را بگیرند و دست کفار و غارتگران شرق و غرب را باز بگذارند.

به فرمایش پیامبر بزرگ اسلام تمام مظلومی که بر مسلمانان می رود بر اثر حکام جائز و جابر و علمای سوئی است که توجیه گر جنایات آنها هستند.

حضرت علی ابن الحسین (ع) به زهری می گویند: خدمتی که توبه این خلفای جور می کنی از خدمت هروزی سوئی بدتر است، چون به آنها آبرو می دهی و جنایات آنها را توجیه می کنی. دفاع از اسلام و مسلمانان از وظائف الهی است و مادر هر کجا باشیم باید از مسلمانان مظلومینی که به آنها ظلم و تعدی میشود دفاع کنیم، و لازم است مسئولین جمهوری اسلامی بیشتر به آن اهمیت داده و برخورد جدی و قاطع نمایند. والسلام.



سال سوم شماره (۳۶) جوزا (خرداد) ۱۳۶۶ مطابق با می - جون ۱۹۸۷

فهرست

۲	امام و مسائل جهانی
۴	پیرامون سخنان فقیه عالیقدر آیت الله العظمی منتظری
۵	فهرست
	سیاسی:

۶	گشتار مسلمانان هند طرح تازه استعمار
۸	افغانستان در ماهی که گذشت
۱۴	انقلاب اسلامی افغانستان و ملکفیت ما (قسمت هفتم)
۱۶	روز قدس روز اسلام
۱۹	مباحثه با برادر شیوا
۲۲	اخبار نهضت جهانی اسلام

عقیدتی:

۲۴	تشکیلات اسلامی (قسمت دوم)
۲۶	اخلاق و معارف اسلامی (قسمت ششم)
۲۸	جهاد (قسمت سوم)
۳۰	عکس شهدا

فرهنگی:

۳۱	شعر
۳۴	داستان تا آخرین نفر مقاومت (قسمت آخر)
۳۶	ما لگورد حبل الله

تاریخی:

۵۸	با ترکستان اسلامی آشنا شویم
----	-----------------------------

اجتماعی:

۶۰	حبل الله و مردم
۶۵	پاسخ به نامه ها

تذکر:

از کلیه هموطنان مهاجر و دور از وطن و انسانهای خیر تقاضا داریم جهت بهبودی وضع نابسامان مجله حبل الله کمک های نقدی شانرا به شماره حساب جاری ۸۶۴۲ بانک ملی ایران شعبه ۲۷۰۱ قم واریز نمایند. (صاحب شماره حساب سید شهاب الدین شهاب)

تذکر:

خوانندگان کرامی و علاقمند زندگینامه و خاطرات مورخ و شهیر کشور مرحوم ملا فیض محمد "کاتب را" می توانید از زبان و قلم نواسه اش فدا محمد "فیضی" در شماره آینده مطالعه کنید.

شماره بانکی:

قم - بانک ملی ایران - خیابان ارم - مقابل شهرداری قم شعبه ۲۷۰۱ - شماره حساب جاری ۸۶۴۲

قیمت:

ایران: (۱۰۰) ریال معادل (۲۰) افغانی

پاکستان: (۱۰) روپیه

هند: (۱۰) روپیه

سایر کشورها: معادل قیمت

اشترک سالانه در ایران: (۱۲۰۰) ریال

= طلاب و دانشجویان نصف قیمت

آدرس: تهران - منطقه پستی ۱۹ - صندوق پستی شماره ۱۹۳۹۵/۳۴۵۱

اجرا گذارده، همواره اختلافات را دامن می‌زد و در کشاکش‌های مذهبی هندو ها را در مقابل مسلمانان حمایت می‌نمود. برای اینکه ارتباط مسلمانان هند کاملاً از سایر ملل اسلامی قطع گردد زبان و خط آنان را تغییر داد، زیرا قبل از ورود انگلیسی‌ها زبان و خط اداری مردم هند، فارسی و زبان و خط مذهبی شان عربی بود، انگلیسی‌ها این زبان و خط را به انگلیسی تغییر دادند. بدین ترتیب در طول سلطه ۱۹۱ ساله خود در هند توانستند زبان مردم هند را تغییر دهند و آنها را از دیگر مسلمانان از نگاه زبانی و خطی بیگانه سازند در طول دوران سلطه شوم انگلیس بر شبه قاره هند قیام‌ها و حرکت‌های آزادیخواهانه از سوی مسلمانان هند بوجود آمده انگلیسی‌ها با زرنگی خاصی این حرکت‌ها را سرکوب می‌نمودند و در عوض همواره میکوشیدند تا بین هندو ها و مسلمانان درگیری وجود داشته باشد لذا گاو ها را که برای هندو ها مقدس اند کشته به درمسال‌ها (مکان مقدس و مذهبی هندو ها) می‌انداختند و در عوض بخاطر تحریک مسلمانان مساجد را به آتش می‌زدند. بدین ترتیب آتش جنگ و درگیری‌ها را برای همیشه در هند گرم نگه میداشتند.

این درگیری‌های مداوم و فرسایشی پیش‌تازان مسلمان هند را ب فکر تشکیل حزب سیاسی مسلم لیک در سال ۱۹۰۶ م انداخت و پس از آن طرح ایجاد پاکستان از سوی این حزب ریخته شد. حزب ملی کنگره هند که در سال ۱۸۸۵ م تاسیس شده بود، همگام با حزب مسلم لیک جهت آزادی هند از چنگال استعمار

انگلیس بخالد هند ادامه داشت. اما علیرغم پیشرفت‌ها و ترقیاتی که درین دوره نصیب هند شد ولی درگیری و خشونت به هیچ وجه از این سرزمین بیرون نرفت تا اینکه در سال ۱۶۰۰ م کمپانی هند شرقی بدنبال کشف و اسکودوگاما و دیگر سیاحان اروپائی در انگلیس ظاهراً به منظور تجارت و روابط تجاری تشکیل شد. و اولین سهام داران انگلیسی در سال ۱۶۰۶ م در زمان سلطنت جهانگیر امپراطور مغول‌ها به

سرزمین پهناور شبه قاره هند نظر به تراکم جمعیت و ترکیب نژاد ها و اقوام گوناگون با مذاهب مختلف همواره گریبانگیر درگیری‌ها و خشونت‌های قومی و مذهبی بوده و هست. قبل از آنکه اسلام در این سرزمین پا گذارد، درگیری شدیدی بین پیروان هندو مذهب و بودائی مذهب جریان داشت. کشت و کشتار تقریباً پیشه این مردم به ظاهر آرام و عاری از خشونت، به حساب میرفت. هرگاه حکومت و قدرت بدست

کشتار مسلمانان هند طرح تازه استعمار

سرزمین هند نهاد، شهر بندری مدراس و بنگال را پایگاه خویش قرار دادند. از آنجائیکه اهداف اروپائی‌ها صرفاً تجارت نبود لذا با درک اختلافات موجود بین اقوام و مذاهب، دست به توطئه زده با تشدید اختلافات به بهره برداری پرداختند و با استقرار و کسب اقتدار در یک توطئه حساب شده ابتدا به جان حکمران بنگال افتادند و با از پا درآوردن او در سال ۱۷۵۷ م به مدت کمتر از ۱۰۰ سال تمامی شبه قاره هند را تحت سلطه خود درآوردند. و در طول این مدت انگلیسی‌ها رقبای دیگر اروپائی خود مثل پرتغال و فرانسه را از هند اخراج کردند و خود یکه تاز میدان شدند.

استعمار انگلیس برای بقای سلطه و اقتدار خود طرح‌ها و نقشه‌های کوتاه مدت و دراز مدت را در هند به مرحله

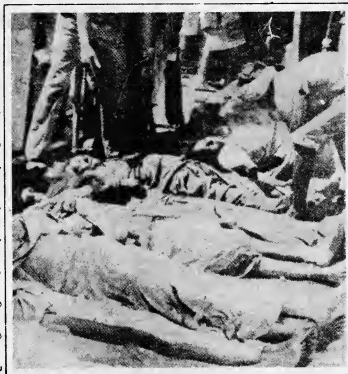
هندو ها می‌افتاد، بودائی‌ها را سرکوب میکردند و هرگاه قدرت بدست بودائی‌ها می‌افتاد برعکس هندو ها را نابود می‌ساختند. وقتی اسلام ظهور کرد و دامنه فتوحات آن گسترش یافت در سال ۷۱۲ م مسلمانان به دستیاری بودائی‌ها که از هندو ها به تنگ آمده بودند قسمت هائی از نواحی گجرات در اطراف رود سند را تصرف کردند. گرچه مردم هند در برابر ارتش مسلمانان مقاومت کردند ولی سرانجام رفته رفته سرزمین پهناور هند جزو سرزمین‌های اسلامی گردید و تعداد زیادی از مردم آن به دین اسلام گرویدند.

با اینکه در ابتدا با مسلمانان هند از سوی دیگر مذاهب بدرفتاری هائی صورت می‌گرفت ولی سرانجام مسلمین در سال ۱۱۹۲ بر کل شبه قاره حاکم شدند و این حاکمیت تا تجاوز استعمار

انداخته، خانه ها و مزارع مسلمانان را به آتش می‌کشند و برای تضعیف روحیه مسلمانان مساجد آنها را به هندو ها می‌سپارند . کر چه چنگ هندو مسلمانان را هند چیزی تازه نیست ولی درگیری اخیر کاملاً از درگیری های گذشته فرق داشت زیرا دولت هند این بار علناً خود وارد میدان شده به کشتار مسلمانان پرداخته شاید این مطلب را همگان قبول داشته باشند که مقصر اصلی کشتار مسلمانان هند دولت هند است اما با مراحت میتوان گفت که ریشه و اساس کار بدست ابرقدرت هاست، زیرا ابرقدرت ها میخواهند با ایجاد ناآرامی ها در گوشه و کنار جهان جنایات و وحشی گری خود شان را توجیه کنند . بخصوص اینکه درگیری و کشتار مردم مسلمان هند پس از روز جهانی قدس اتفاق می افتد تا خاطره روز جهانی قدس را تحت الشعاع قرار دهد، شکفتی هم در این بود که کشتار مسلمان های هند توسط دولت هند از سوی کشور های جهان هیچگونه عکس العمل جدی را به دنبال نداشت و بعنوان يك مسئله عادی و زودگذر از خاطره ها محو گردید.

درست است امروز دولت هند بخاطر این عمل جنایتکارانه و وحشیانه خود از سوی جوامع بین المللی مورد بازخواست قرار نگرفت ولی بدون شك خشم يك میلیارد مسلمان را علیه خود برانگیخت این کشتار به هیچ وجه نمیتواند مسلمانان تحت سلطه هندو ها را تخویف کند و از درخواست استحقاق حق شان باز دارد بلکه باعث خواهد شد که مسلمانان انجام بیشتر یافته جهت آزادی شان سعی و تلاش کنند تا باشد که حکومت از دست رفته شان را باز یابند . والسلام

آمد مسلمانان دیگر نواحی هند رو به پاکستان نهاند ولی امتیاز طلبی و تعضیات منطقه ای از بیین نرفتو ساکنین اصلی سرزمین کنه نام پاکستان نام گذاری شد با مهاجرین بد رفتاری میکردند و همین امر در پاکستان شرقی (بنگلادیش امروزی) حتی مسلمانان را از هجرت پشیمان ساخته بود. اینگونه برخورد ها باعث شد که تعدادی از مسلمانان از هجرت بسوی پاکستان مرف نظر کرده وطن اصلی را هر چند تحت



کشتار مظلومانه مسلمانان هند!

سلطه هندو ها باشد ترجیح دهند، هند و ها که به هیچ وجه از جدائی پاکستان از بیکره هند راضی نبودند از همان ابتدای استقلال بنای سرکوبی مسلمانان را گذاشتند و هر بار به بهانه های مختلف مسلمانان را قتل عام می کردند . با اینکه امروزه بیش از ۷۰ میلیون مسلمان در هند وجود دارد، ولی از هیچ مزایای آزادی برخوردار نیستند . سیاستمداران و سردمداران هند بدستور اربابان روسی و انگلیسی - امریکائی شان همواره هندو ها را بجان مسلمانان

انگلیس مبارزه میکرد با اینکه هدف حزب کنگره کاملاً با حزب مسلم لیگ مخالف بود زیرا حزب کنگره يك هند متحد می خواست که هندو ها و مسلمانان و پیروان ادیان دیگر یکجا تحت يك نظام در راه استقلال و تشکیل حکومت گام بردارند و مذهب در تشکیل حکومت هیچ نقش نداشته باشد در حالی که مسلم لیگ خواهان سرزمین جداگانه به نام مسلمانان بود که در آن قاننون اسلام حاکمیت داشته باشد . مبارزات مردم هند سرانجام در سال ۱۹۴۷م دولت استعماری انگلیس را مجبور ساخت که استقلال هند و پاکستان را به رسمیت بشناسد. اما نکته قابل توجه طرح بعدی و دراز مدت انگلیس است که در گوشه های از جهان بخصوص در کشور های اسلامی پس از شکست خود به یادگار گذاشته و در طول دوران پس از خروج خود از آن استفاده می کنند . مثل کردستان عراق، ایران و ترکیه، بلوچستان، ایران، پاکستان و افغانستان، پشتونستان پاکستان و افغانستان و کشمیر هند و پاکستان .

لذا در بین هند و پاکستان پراز استقلال دهند و جدائی پاکستان نقطه مورد اختلاف کشمیر بود که تا هنوز به طور درست مسئله آن بین دو کشور حل و فصل نشده و گاهگاهی درگیری های مرزی بین دو کشور و حتی جنگهایی هم بوجود آمده است که در یکی از این نبردها سرزمین پاکستان شرقی از پاکستان غربی جدا شد و بنام بنگلادیش عرض وجود نمود. با اینکه تمامی مسلمانان ندای تشکیل پاکستان و کشور مستقل را سر میدادند و وقتی هم پاکستان بوجود

و شلاق خورده هر عصر و زمان، عبرتی خواهد بود بزرگ و تجربه‌ای خواهد بود سازنده .

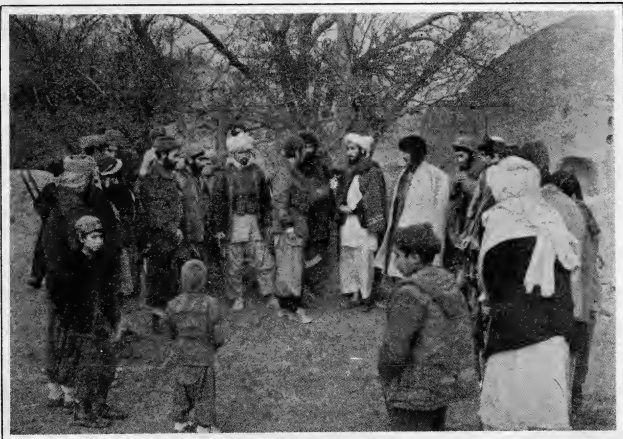
پس از این محرومان و مستضعفان جهان با این محک دوستان و دشمنان را شناخته و در آینده هم خواهند شناخت و در ضمن استکبار جهانی نیز با این ترازو، جهش‌ها و انقلاب‌های جهانی را سنجیده و راه آسیب‌پذیری خود را قبل از قبل با خریدن جریان‌های بسی پایسه و مقطعی سد نمایند. همین اینک این پالیسی خطرناک بکار افتاده تا انقلاب ما را در گردونه‌های پر پیچ و خم تاریخ امروز و فردا به سرگردانی بکشاند. متأسفانه خیلی از کسان آگاهانه و بی‌ناگاهانه در راهی گام می‌گذارند که دشمن ما ساخته و به پلان و طرحی خوشبین اند که دشمن ریخته است .

سگواران به باید گفت کشاندن و کشیده شدن احزاب و گروه‌های اسلامی هموطن بسوی معاملات و معادلات سیاسی جهان، به هیچ وجه نه به سود احزاب و گروه‌ها و نه به سود انقلاب و مردم ماست ، پس باید هوشیار تراز آن بود که ما را در يك فشار احیای تهدید و تطمیع به پای میز مذاکره بکشند و یا خشم انقلابی ما را مبدل به زهرخندهای سیاسی بنمایند که در آن صورت سرنوشت عرفات و فلسطین در انتظار ما است . منطق يك انقلابی و عمیق‌نگر در شرایط حساس مبارزه مسلحانه و قبل از پیروزی سلاح اوست و هرگاه این منطق از او گرفته شود، دیگر او انقلابی نیست و نمیتواند افکار و نظریات خود را بر دشمن تحمیل نماید بلکه بر عکس پذیرنده پلانها و خواسته‌های دشمن نیز

افغانستان در ماهی که گذشت

بزرگ تراشی‌ها ، با درک این واقعیت که پیروزی انقلاب اسلامی افغانستان بشیوه بی مرض خود ، بسود هیچکدام نبوده بلکه خاری خواهد بود که بر چشم همه شان بخلد لذا قبل از رسیدن بآن روز و پیش از آنکه انقلاب بتواند قدخود را راست بنماید ، از هر سو ، با هر وسیله‌ای کمیه مجروح ساختن آن بسته اند و با هر ترفندی می‌خواهند مسیر انقلاب اسلامی را کج سازند. زیرا پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نه تنها برای استکبار جهانی امروز ، بلکه برای تاریخ آینده جهان استکباری و در کنار آن برای بشریت مظلوم و توده‌های عذاب کشیده

بحق میتوان گفت در پروسه خونبار انقلاب ، ما به مرحله حساس و سرنوشت ساز آن رسیده ایم، زیرا پالیسی دشمن در نبرد مسلحانه و رویاروی کاملاً بشکست انجامیده و با فرار از میادین جنگ نظامی و با توسل جستن به شیوه‌های دیپلوماسی و سیاسی ، می‌خواهند آنچه را بزور اسلحه و کشت و کشتار به دست نیاورده اند ، دوباره بدست آورند. در این راستا بدون شك روسهای وحشی تنها نیستند بلکه تمامی ابر قدرت ها و درکل استکبار جهانی و حتی ایادی سرسپرده شان با کنار گذاری اختلافات ظاهری خویش و صرف نظر از رقابت‌ها و خود



اگر روحانیت پیش‌تاز جهاد باشد شکست ناپذیر است



خواهد بود .

بنا بر این با کمال تاسف باید اذعان نمود که در نبرد سیاسی امروز ، ابتکار عمل بدست دشمن ما است و سیاستمداران ما را با نقشه های از قبل طراحی شده در وادی یاس و ناامیدی کشیده و سرگرم امورات فرعی انقلاب نموده اند . تشکیل حکومت موقت ائتلافی در خارج از کشور جهت هموار سازی راه دشوار پس از پیروزی امری است ضروری و حیاتی بخش ، اما اگر همین کار هم به ابتکار دشمن شروع شود زیان بخش و کسل کننده است و باعث آن میگردد که نیرو ها از مبارزه پیکار دلسرد شده چشم به نتایج آراء و افکار و کشاکش حزبی و گروهی بدوزند . مطرح ساختن ظاهر خائن در این برهه حساس و گشادن پای او در حکومت آینده افغانستان خود بخود پشت قضیه را روشن می سازد . و با ایجاد ائتلافی که مدتها زمان ، صرف فقط و فقط تعیین تعداد اعضای شرکت کننده آن گردد ، جز دلسرد ساختن و به عاقل و باطل کشیدن نیرو های رزمنده سودی هم خواهد داشت ؟ مگر نه این است که سالهاست برای عرفات ایجاد تشکیل یک حکومت فلسطینی را وعده میدهند ، چرا تحقق نمی یابد ؟ واضح است که هدف استکبار جهانی خلع سلاح نمودن ملت فلسطین و به مسلخ فرستادن شان است نه آزادی فلسطین و تشکیل حکومت فلسطینی ، معطل و دور داشتن مبارزان فلسطینی از جنگ علیه اسرائیل بسرای تقویت اسرائیل امری است ضروری ، پس باید عرفات به این در و آن در بتنازد تا اسرائیل از مرز های فلسطین اشغالی گذشته همسایگان را ببلعد و آنگاه

برای همیشه خاطره فلسطین از اذهان همسایگان فراموش گردد و هر کدام بفکر خود بافتند .

در مورد افغانستان نیز قضیه با کمی تفاوت به همان منوال می گذرد ، روسهای وحشی با تردستی و مهارت دیپلماسی برای همسایگان افغانستان این ذهنیت را بوجود آورده که راستی میخواهند از افغانستان خارج شوند . ولی از این نگرانند که پس از خروج شان در افغانستان آدمکشی صورت می گیرد ، لذا قبل از خروج باید اطمینان پیدا کنند ، که در آینده خونریزی صورت نمیگیرد ، آنگاه بیرون خواهند رفت . کسانی که این ترند ها را پذیرفته اند و باور کرده اند میخواهند با دست پر در معادلات بعدی شرکت کنند ولی گمان نمی رود روسهای وحشی به این آسانی تن به امتیاز دادن باشند . بهر حال برای اینکه روش همیشگی حفظ شده باشد از حاشیه روی صرف نظر کرده و قایم رادرج می نمائیم .

رویداد ها جاری ماه :

همانطوریکه در مقدمه اشاره شد شیوه سیاسی کاری به عمق جان احزاب اسلامی هموطن در خارج از کشور نفوذ کرده و تعدادی به اثر تشویقات و تبلیغات باور کرده اند که راه حل افغانستان از کانال سیاسی میسر است ، لذا سخنگوی ائتلاف احزاب هفتگانه افغانستان در پشاور در اوایل ماه جوزا آمادگی شورای مذکور جهت مذاکره مستقیم با روسیه وحشی را اعلام نمود . اینگونه موضع گیری نشاندهنده اینست که سیاستمداران بر خود باورانه اند که میتوانند در شعبده بازی ، روسهای سیاست باز را شکست دهند ، در حالیکه واقعیت روشن کننده این حقیقت است سیاست بازان روسی اغلب شان بیش از عمر مبارزاتی بسیاری از سیاستمداران ما چوکی سیاست گردانی جهمان را در اختیار داشته اند ، خوب نباید مایوس شد شاید هم مدعیان مذاکره مستقیم با روسیه وحشی ، خود شان را از گرومیکوی



تا میتوانید برای قوت خود آمادگی نظامی کسب کنید !



دفاع از کشور اسلامی هیچ حد و مرز ندارد

اهداف دراز مدت تعیین کرده و به مرحله اجرا درمیآوردند. در صورتیکه تا این حد روسهای وحشی در شیوه سیاسی مہارت داشته باشند چگونه میتوان آنها

را از راه سیاسی شکست داد. روی این منظور است که پس از طرح شدن راه حل سیاسی، سیاست باز مرده افغانستان سر از ایتالیا بلند نموده، اعلام موجودیت میکند. در حالیکه در چند سال گذشته همواره جنگ و نبرد یگانه راه حل مسئله افغانستان بحساب میآمد او در لانه خویش خیزید بود و حالا که حرف از سیاست و سیاست بازی است، قد علم میکند و به ریش همگان میخندد. زیرا سالهای سال اوباروش مزدور گرایانه خود هم به ساز شرق رقصیده و هم بدهل غرب پای کوبیده است، لذا با کمال بی شرمی پا پیش میگذارد و اعلام میدارد "... چند بار گفته ام که در جستجوی اعاده سلطنت نمی‌باشم... مقصود صرف ایفای خدمت به وطن و وطنداران است به هر نام و هر مقامی که باشد". این اظهارات بدنبال گفته نجیب‌گاو صورت

که فقط ۲۰ سال سمت وزارت خارجه را بهمه داشته است، قوی تر می‌نمایند. ممکن او را به چال چپنکی افغانستان فریب داد. چون در مذاکرات سیاسی حرف از صداقت و ایمان نیست بلکه اساس قضیه بر پایه نیرنگ استوار است. ولی این نکته را نیز نباید نادیده گرفت که سیاستمداران جهان به زرنگی و چالاکای سیاسی روسهای وحشی اعتراف دارند.

در کتاب دیپلماسی نوین میخوانیم "روای جمهور امریکا و طبیعتا دولت مردانی که آنرا در سیاست خارجی کمل و مشورت میکنند، غالبا تحت تاثیر بازتابهای مثبت و منفی افکار عمومی، دست به اقداماتی می‌زنند که در دراز مدت علاوه بر اینکه منافع امریکا را تامین نمیکند، بلکه موجب خسران و زیان و بی اعتباری آن دولت میگردد. این ضعف که ناشی از ساخت و بافت اجتماعی - سیاسی در امریکاست، از خیمه های بارز جامعه مذکور است که همواره مورد نقد و نکوهش همیمانان اروپائی امریکا بوده است. برعکس، تدابیر و سیاستهای که بوسیله رهبران کرملین اتخاذ میگردد، از عمق و وسعت دید به مراتب فراتر و بیشتری برخوردار می‌باشد. افکار عمومی در روسیه شوروی (روسیه وحشی) و اقمار آن، محلی از اعراب ندارد و گردانندگان حزبی بر اساس ایدئولوژی حاکم و در چارچوبی که به قضاوت خود، سیستم حکومتی سوسیالیستی را پیاده کرده اند، بدون دغدغه از تحولات و دگرگونی های ناشی از رفت و آمد اشخاص یا ظهور و سقوط شخصیت ها، تصمیمات خود را برای

گرفت که گفته بود مقامهای حزب کمونیست افغانستان حاضرند تا برای حل مسئله افغانستان با ظاهر خائن پادشاه سابق افغانستان تماس بگیرند. گر چه سخنگوی ظاهر خائن قبل از اینکه خود وی به این پیشنهاد پاسخ مثبت و یا منفی بدهد گفته بود که ظاهر خائن با مقامات دولت تقسیم قدرت نخواهد کرد. اما خود وی تا حدودی راه آینده برای شرکت در دولت ائتلافی پیشنهادی مسکو را باز میگذارد. همزمان با این فعل و انفعالات سیاسی در پاکستان و ایران، در محافل سیاسی دنیای غرب به شدت هر چه تمامتر به مسئله ظاهر خائن دامن زده میشود، نشریه افغان نیوز چاپ امریکا در شماره اخیر خود می نویسد

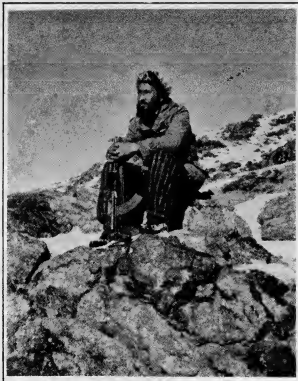
ما اکثر امیران پشاور و ایرانی را مطالعه کرده ایم، اکثر "مردمان خوب میباشند و شهادت خود را در ۹ سال گذشته به جهانیان ثابت ساخته اند در شهادت و فداکاری هایشان تردیدی وجود ندارد. ملت افغانستان محتاج به رهبری واحد و معقول میباشد، ما این رهبری را در افغانستان در پاکستان و امیران ایرانی. وزیران، ژنرالها، دیپلماتان در تبعید نیافتیم. با ارزیابی دقیق و تحقیقات علمی به این نتیجه رسیده ایم در شرایط که کشور ما قرار دارد تنها شخمت با تجربه و مردمی که قابل قبول اکثریت ملت افغانستان میباشد اعلحضرت محمد ظاهر شاه می باشد. همین نشریه از تمامی ملت درخواست میکند که از ظاهر خائن دعوت به عمل آورند تا آمده رهبری جهاد و ملت را بعهده بگیرد. با اینکه همین نشریه در شماره های قبلی خود در جواب کسیکه پرسیده



این لقمه چرب را به این آسانی از دست نمیدهند. و امریکا هم رقیب ظاهری خود را در هضم این لقمه یاری میرساند هر چند که در ظاهر طرفدار خروج نیروهای روسی از افغانستان است و دکتر رحمان خلیل زاد استاد دانشگاه کولمبیای نیویارک و یکی از اعضای مشاور وزارت خارجه امریکا سیاست امریکا را در قبال مسئله افغانستان چنین ترجیه میکند:

"من با اطمینان گفته میتوانم که حکومت امریکا ترجیح میدهد که شوروی (روسیه وحشی) عساکر خود را از افغانستان به يك مدت كم بیرون ببرد، خطر بزرگی که آمدن شوروی (روسیه وحشی) برای منافع امریکا پیش میکند و پیش کردها آمدن شوروی (روسیه وحشی) بافغانستان قدرت نسبی شوروی (روسیه وحشی) در حمله به پاکستان - ایران - خلیج (خلیج فارس) زیاد شده و با بیرون رفتن شوروی (روسیه وحشی) از افغانستان این خطر کمتر میشود همچنان ادامه جنگ در افغانستان با لای روابط امریکا و شوروی (روسیه وحشی) يك اثر منفی انداخته در بحث های مختلف که بین امریکا و شوروی (روسیه وحشی) شده همیشه امریکا به شوروی (روسیه وحشی) گفته است که ادامه جنگ در افغانستان تاثیر منفی در این روابط دارد. پس بیرون آمدن شوروی (روسیه وحشی) از افغانستان اثر مثبت در روابط بین امریکا و شوروی (روسیه وحشی) خواهد داشت .

سوم اینکه اگر شوروی (روسیه وحشی) از افغانستان برآید این بدنبال نشان خواهد داد که استفاده قدرت از



حراست از اقصی نقاط خلك اسلامی و طیفه شرعی هر مسلمان است .

که آنها آرزو دارند و حکومت مارکسیستی در کشوری مثل افغانستان کشور آزادی اسلامی ناممکن است. گمان کنم حالا به اشتباه خود متوجه شده کوشش میکنند يك راه حل پیدا کنند ... یعنی راهی که شرمیده نبرایند ... يك راه می یابند و حالا کوشش میکنند که این حکومت را جلوه دهند که حکومت ملی است و لکن این فایده نمیکند. همین افرادی که امروز به حکومت هستند همین نجیب به همین خاد و به همین کاجی بی افغانستان کلانترین و بزرگترین جنایتهار انجام داده است حالا چطور میتواند که مصالحه ملی را اینطور يك شخصی پیشنهاد کند ... " نه تنها آقای بهاء الدین مجروح که خیلی از سیاستمداران کنونی به این پندارند که روس های وحشی به اشتباه خود پی برده قصد خروج دارند، لذا برای کسب موقعیت چوکی آینده و یا پرستیژ جهانی و بین المللی سر از پا نمی شناسند، اما نباید نادیده گرفت که روسهای وحشی

بود چرا ظاهر خائن در جهاد افغانستان سهم نمیگیرد، به طنز گفته بود که ظاهر خائن میگوید از سر کل من چه میخواهید من تاج و تخت را به ملت سپردم . و حالا میگویند جز او کسی را نیافتند که کشتی طوفان زده انقلاب اسلامی افغانستان را به ساحل نجات برساند .

بطور قطع میتوان ادعا نمود که هرگاه رهبران مجاهدین و احزاب اسلامی در جبهات جنگ ابتکار عمل را از دست بدهند، بدون شك در صحنه سیاست هم شکست خواهند خورد، زیرا تنها بُرد این رهبران همان جهاد و نبردشان است گر چه گاهگاهی اظهار میدارند که روسهای وحشی اشتباه کرده و حالا به اشتباه شان پی برده میخواهند افغانستان را ترک گویند. ولی گمان میرود اگر روسهای وحشی اشتباه هم کرده باشند برای حل مسئله افغانستان اشتباه نخواهند کرد، پس بخوانیم که بهاء الدین مجروح یکی از چهره های سرشناس پشاور نشین در محابه خود با رادیو بی بی سی درین مورد چه گفته است : "به نظر ما از این طرف، ما این را (پیشنهاد نجیب گاو برای شرکت دادن سلطنت طلبان در حکومت کابل) ضعف دولت دست نشانده شوروی (روسیه وحشی) میدانیم که تا هشت سال اینها نتوانسته اند در این اساس خود را در افغانستان قاشم (محکم و استوار) کنند و به حیث يك حکومت قانونی بروز کنند تا حالا اینها ناموفق هستند. حالا فهمیده اند که هیچ امکان ندارد، گمان میکنم که اتحاد شوروی (روسیه وحشی) به این متوجه شده که حکومتی



همزمان با مانور سیاسی روسیه وحشی در کابل و عکس العمل گروههای پشاور نشین، تپشی هم در تهران به وجود آمد و طرح ائتلاف ریخته شد ولی اعلان آن آنقدر طول کشید که دیگر امیدی به تشکیل آن نمیرفت و وقتی هم اعلام شد چندان بازتاب خارجی و داخلی نداشت. رسانه های گروهی جهان بخصوص رادیو صدای استکبار بی-بی-سی که در نمک کردن رویداد ها به نفع اربابان خود گوی سبقت را از همگان ربوده، این رویداد را اصلاً نشنید یعنی نخواست بشنود و خود روسیه وحشی و کابل هم برخلاف گذشته ها که بخاطر يك مصالحه رهبران گروههای اسلامی در ایران زمین و زمان را به دشنام میگرفتند، چون طرح چهار جانبه این مسئله را نیز نادیده گرفت. گر چه گمان میرود که بی-بی-سی در فرصت مناسب آنگاه که سیاست روسیه وحشی و ایران را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد گریزی هم به این قضیه داشته باشد، ولی برخلاف تصور در بین مهاجرین مقیم ایران هم چندان شور و شوقی ایجاد نکرد. اگر شوقی هم ایجاد نموده شاید ما چشم بصیرت نداریم که درک نفیکینیم یا ممکن است اثرات آن در آینده بروز کند.

به هر حال علیرغم سردرگمی در رژیم کابل و حتی کاخ کرملین، در محافل سیاسی انقلابیون نیز مسیر روشنی برای موزگرگیری وجود ندارد و یگانه راهی که محتمل به نظر میرسد که بتوانند روس های وحشی را از پا درآورد همان جهاد است که مجاهد مردان داخل کشور نور از هیاهوی جهانی و رویداد های اطراف به آن مشغول اند. پس بدون شك نگرانی

با کمی تعمق اگر به قضایا و گفته ها و اتهامات دو ابر قدرت وحشی جهان بر همدیگر توجه نمایم درمی یابیم که با ترنند های خاصی مسئله افغانستان را به نحوی بخودشان ارتباط میدهند و روسهای وحشی امریکارا متهم میکنند که مانع خروج شان از افغانستان شده و قیام و انقلاب مردم را به امپریالیسم جهانی نسبت میدهند و از طرف دیگر امریکا طوری موضع میگیرد که گوئی قیومیت ما را به عهده دارد.



با حضور تان در همه صحنه ها مجال توطئه از دشمن را سلب کنید

اینجاست که بخوبی خطر سیاست کاری ها روشن میگردد. با حاد شدن موضوع گیری ابر قدرتها مسائل ائتلافات هم حاد میشود و با سرد شدن آنها، قضیه میخوابد. در روزگاری که آشتی ملی از سوی دولت روسی کابل اعلام گردیده طرح حکومت موقت هم ریخته شد ولی به مرور زمان بسردی گرائید و جنجال سر این پیش آمد که ظاهر خائن را راه دهند یا ندهند و تا امروز این دعوا پاک نشده.

طرف شوروی (روسیه وحشی) برای بوجود آوردن يك حکومت مارکسیستی در کشور همسایه موفق نبوده تاثیر آن در صحنه بین المللی يك چیزی خواهد بود. با در نظر داشت این سه موضوع من گفته میتوانم که امریکا میخواهد که روسها هر چه زود تر از افغانستان بیرون بروند حرف این مشاور وزارت خارجه امریکا آدم را بیاد فکاهی می اندازد که میگویند جوانی در بدری هوس دختریکنی از شخصیت های با نفوذ جامعه رانمونه

بود، ولی جرئت نداشت که خواستگاری کند، یکی از دوستان که از قضیه عشق ویرانکن او اطلاع یافته بود پرسید، داستان به کجا رسیده؟ گفت: طرف که منم موافق هستم از اینرو پنجاه درصد مسئله حل است ولی نمیدانم که دختر خبر دارد یا ندارد؟ حالا هم به قول مشاور وزارت خارجه امریکا، امریکاکه به اساس آن سه طرح موافق است حالا روسهای وحشی چه خیالی دارند جناب مشاور هم عقلش نمیرسد.

نجیب گاو و عجز نمائی او فقط و فقط از وجود آنها است که ذلیلانه اظهار میدارد "ما سریعاً در های سیاسی را در روی آنها یکمی میخوانند برای برقراری صلح به ما بپیوندند، می‌کشائیم. این ائتلاف قدرت يك سمبل تبلیغاتی نیست، ما به نمایندگان جناحهای دیگر تنها چندین چوکی برای نشست— نخواهیم داد ما باید در قدرت سهیم باشیم. موضوع قدرت در قوانین طبیعی انقلاب دموکراتیک و ملی افغانستان به صراحت اعلام شده و شرایط کنونی جامعه افغانستان چنین چیزی را ایجاد نمیکند" این اظهارات در وقتی صورت میگیرد که يك دوره شش ماه با اصطلاح آشتی ملی بسر رسیده ولی کسی و حزبی جز همان مزدوران نفوذی حاضر به شرکت در آشتی نشده و نجیب گاو برای اینکه باز هم چانس خود را برای زنده ماندن بآزماید بار دیگر آتش بس شش ماهه را تمدید میکند تا چند صباحی با دارانش به او مهلت نفس کشیدن بدهد.

تلاشهای نجیب گاو و روسیه وحشی صرفاً به فریب مردم و کشاندن ظاهر خائن و سلطنت طلبان بسوی خود خلاصه نمیکرد بلکه در درون دو حزب خلق و پرچم هم فعالیت‌هایی را شروع نموده اند که از آنجمله میتوان به اخراج ببرک، سبک‌دوشی اناهی‌تا از قدرت و آزادی‌چند زندانی سرشناس حزب خلق مانند میثاق و شاه ولی، غوربندی و... اشاره کرد. این تلاش خرنده شاید به منظور این باشد که با رویکار آوردن خلقی‌ها و سپردن پست های حساس دولتی به آنان زمینه يك کودتای درون حزبی را مهیا سازند.

گذشته از عجز گرایی نجیب گاو و ترفند های دیپلوماسی روسیه در سطح جهانی، سلطانعلی کشتمند هم سفری به عراق داشت با اینکه هدف از این دیدار همکاری اقتصادی ذکر گردید ولی بیشتر این دیدار جنبه سیاسی داشت. چون بقول آقای خامنه‌ای ریاست جمهوری اسلامی ایران دو رژیم روسی کابل و بغداد سرنوشت مشترک دارند. لذا جهت تبادل افکار و رد اطلاعات و اخبار گاهگاهی از نزدیک با همدیگر به گفتگو می‌پردازند. با وجود دیگر طرح های دو دولت مزدور از این توطئه نیز نباید چشم پوشی کرد که سفر اخیر کشتمند به عراق با در نظر داشت تلاش های مذبوحانه رژیم روسی جهت کسب توجه مردم به خود، یکی هم باز کردن راه کربلا و زیارت قبر امام حسین (ع) باشد که البته هیچ اشاره‌ای باین موضوع از سوی رسانه های گروهی جهان نشده است. گر چه گمان نمی‌رود این توطئه بجائی برسد و کسی حاضر شود که بخاطر این کار رژیم مارکسیستی، نفـرت و انزجار خود را کنار گذاشته بنای همکاری را بگذارند. خوب کسی به این طرح تن دهد یا ندهد مزدوران روسی جهت زنده ماندن خود این دسیسه رانیز در کنار دسایس دیگر بکار بسته است، تا ویژگی اسلامی بیشتر کسب کنند.

با آنچه گفته آمدم میتوان این نتیجه را استنباط نمود که هرگاه توافقی هم سر مسئله ظاهر خائن و آوردن او به افغانستان بین روسیه وحشی و امریکا صورت گرفته باشد، جز از طریق کودتا به هیچ وجه پیاده ساختن این طرح میسر نیست. اینجاست که باید تعدادی

افراد شناخته شده و کاملاً بدنام طرفدار روس قبل از وقوع کودتا افغانستان را ترك گویند و تعدادی هم در جریان کودتا فرار نمایند، تا توجیهی برای آوردن ظاهر خائن باشد. با اینکه گمان نمیرفت ظاهر خائن تا این حد دیوانه شده باشد که در اخیر عمر خود را گرفتار مشکلاتی سازد که کوچکترین پیامد آن مرگ‌دست، ولی این واقعیت را نیز نباید نادیده گرفت که خون ناحق سرانجام ظالم را از پا درمی‌آورد و ظاهر خائن برای پس دادن جنایات و خیانت‌های گذشته خود به میز محاکمه و چوبه دار حاضر میگردد. پس نباید نگران شد و این تصمیم ظاهر خائن را بغال نیک گرفت جهت انتقام گذشته و حال آماده شد، گرچه لازم نیست فردی خائنی چون ظاهر شاه را نصیحت نمود ولی اگر او کمی شعور میداشت، بهترین راه برایش همان بود که دیگران گلو پاره نمیکرد و چند روز بقیه عمر را به همان ناز و نعمت بسر میرسانید که شاید پس از مرگ مثل همکاسه و هم عقیده خود استاد خلیل ا... خلیلی شاعر، ادیب، همه کاره دیروز، مجاهد، اسلام شناس، ایران دوست و غیره و غیره... امروز تعریف و تمجید می‌شد، در وصفش شعر سراییده میشد، قهرمان تاریخ میگردید. خوب به کسی که آب از دست هاشم خان بنیانگذار سیاست مرغی نوشیده، راه نشان دادن دور از منطق است.

در پایان از اینکه بحث این‌ماه بقول معروف ده به کجا و درختها بکجا سر کشید از خوانندگان عزیز معذرت می‌خواهیم و در آینده هم—ان روال همیشگی حفظ خواهد شد. (والسلام)

پنج : بی بهره و نا آشنا بودن علما دین از دست آورد های نوین علمی و تاریخی ...

از وقتیکه استعمار در لفافه های ظاهر فریب و نیرنگ آلود پا به کشور های مسلمان و عقب نگه داشته شده گذاشت یکی از تبعات و ناروایی های دیگری را نیز بر حوزه های تفکر و فرهنگ ایشان تحمیل کرد که این تحمیل شیطانیه مصائب بسیار بزرگی را در تاریخ اجتماعی

و ترویج گشت و در پیشروی اذهان و تفکرات دو نوع دیدی مذهبی و علمی که هیچ نوع رابطه ای جز ناهمگونی نداشتند، قرار گرفت که لاجرم دو قطب متفکرو اندیشمند جامعه، باید یکی را انتخاب میکردند و در مقابله با دیگر خود را بیش از پیش آماده و سازماندهی میکردند!

این ثنویت شوم و استعماری که بدون شک بازمانده کثیف و میراث شوم

دو بود و در گذشته های دور تاریخی اسلام به عنوان جامع ترین دستور سعادت بخش حیات اجتماعی انسانها خود بستره رشد و شکوفائی همه گونه پدیده های متنوع علمی نیز بحساب میآمده است و شاهد آن نیز صد ها نبوغ علمی و تاریخی است که این آئین رهائی بخش و توحیدی با حفظ همه خصوصیات و عنعنات بنیادی خود به جامعه بشری تحویل داده است که تا به هنوز دنیا به اینها میبالد و از ثمرات تفکر و اندیشه آنان در همه زمینه های علمی و ادبی و طبی و فلسفی و غیره، بهره میبرد و میوه ها میچیند. پس در تاریخ حیات اعتقادی و فکری ما مسلمانها اصلاً چنین تضاد و تخالفی نه تنها وجود نداشته است که شخص و جمع مسلمان همواره خواستهای اساسی و استراتژیکی خود را بر دو زمینه اعتقاد مذهبی و آگاهی علمی استوار نمیکرده است و حتی المقدور کوشش ایشان درین جهت بوده است که روزی را شاهد باشند که کل بشریت نا آگاه و بی اعتقاد و یاکژراه و مستاصل با دو بال علم و دین در جهت افق تکاملی توحیدی که از قبل برای شان تعیین شده است به پرواز درآیند ...

اما متأسفانه نیرنگ بازی های بیش از پیش استعمارگران و غفلت کشنده و خطرناک پاسداران ارزشهای اعتقادی و علمی ما مسلمانان، برگشت و غور واقع بینانه درین جهت را کاملاً از آنها سلب کرد و زرق و برق و آرد های تکنالوجی جدید و در خود فرو رفتن مفکران مذهبی نگذاشت که کل تفکر تکاملی جامعه در جهت وحدت و هماهنگی هر چه بیشتر دو پدیده علمی و مذهبی، سلامت و

انقلاب اسلامی افغانستان

و مکلفیت ما

(قسمت هفتم)

و فرهنگی مسلمانان بجا گذاشت . و به محض ورود استعمارگران رابطه علم و دین نیز به نحوی دیگری برقرار گشت و یا حد اقل تفسیر های متفاوتی از آن بر سطح فرهنگ و تفکر بعمل آمد!

و از آنجائیکه غارتگران و چپاولچیان بین المللی کاملاً نقش دین و تفکر دامنه دار مذهب را در جهت برانگیختن احساسات ضد استعمارگری توده ها درک میکردند و از عواقب خطرناک این اندیشه در دراز مدت غافل نبودند با طرح دغلکارانه همان استعمارگران و با مزدوری و تعاون مزدوران رنگارنگ شان، رابطه علم و دین نیز بصورت تخالف و حتی متضاد مطرح

تفکر قرون وسطائی مسیحیت و اربابان نا آگاه کلیسا بود، اینچنین شیادانه بر حوزه توحیدی تفکر مسلمانان و جامعه های اسلامی تحمیل میگشت و به دنبال آن عملاً شرک اجتماعی در وجه تفکر و اندیشه و اعتقاد، بوجود میآمد و استعمار نیز بنیادی ترین خواست و طماعی های خود را بر همین ثنویت انحرافی و غیر واقعی، استوار و عیار میکرد. در حالیکه در تاریخ تفکر و اندیشه و اعتقادات مسلمانان چنین پدیده زشت و ناروا اصلاً سابقه نداشت و آنچه را که فرد مسلمان در گذشته خود میدید عملاً، یک نوع همگونی متقابل و بنیادی بین دو پدیده علمی و مذهبی و همسازی همه جانبه آن



موفقیت خود را حفظ و تضمین کنند! بلکه با نخستین طلایه های تمدن جدید خورشید فروزان دین نیز در پشت ابر های توطئه و فریب خناسان و نا آگاهان در بند گرفتار آمد. و بدتر از آن دوقشر متفکر جامعه دوره عوضی و انحرافی را پیمودند و در رویارویی و مقابله با یک دیگر، سنگر گرفته و یکدیگر را آماج بیرحمانه انواع تبلیغات و تعرضات منفی و گمراه کننده قرار دادند و آنقدر بسر و سینه همدیگر زدند و صحنه را ناریک کردند که استعمارگران با خیال راحت از گوشه دیگر میدان وارد شده و هر آنچه را که لازم داشتند، بی دغدغه و اضطراب فراچنگ آورده و با خود بردند و تا توانستند نیز به ریش این معرکه پردازان و جنگاوران خندیدند!

گر چند با کمال تاسف و شرمساری کل این درام و نمایش مهوع و مسخره تقریباً در قریب به اتفاق جوامع مسلمان و مجروم تکرار گشت و به صحنه آمد و تا هنوز نیز تفکر غالب بر اغلب جوامع مفلوک مسلمانان باز مانده های همین تفکر شیادانه و بنیان برانداز است اما در جامعه دیروز افغانستان، حاکمیت این پنداشت فلاکت آور و تحقیرکننده بیش از دیگر جاها و آنها هم به علل مختلف دیگر، تکرار و بازسازی و ترویج گشت! و دو قطب مورد نیاز و احتیاج و در نتیجه مورد اعتقاد مردم بیش از پیش به جان هم افتاده و دمار از روزگار مردم برآوردند. روشنفکران بی مایه و تسخیر شده و افیونی با بوق و کرنا پی هم اعلام داشتند که اساسی ترین معضله تاریخی و عقب ماندگی جامعه محروم افغانستان را درک کرده اند و خواهان

بسیج همه نیروها در جهت امحاء و اضمحلال بنیاد های آن بودند! مشکله و معضله که به نظر آنها جز دین و باور های اعتقادی جامعه چیزی دیگری نمیتوانست باشد و مبارزه و درگیری با آن نیز به نظر آنها چیزی جز نثار انواع فحش های رکیک و بد و بیراهه گفتن به مقدسات دینی و پرده دری بیش از پیش درین جهت چیز دیگری نبود! و در کل علت این جبهه گیری نا بخردانه و جاهلانه نیز اینکته "دین

علت العلل های همه بدبختی ها و انحرافات و بی اعتقادی ها و ... میدانست و بلافاصله و لاینقطع بتکفیر و اتهام طرف مقابل، دست می یازید و شکی نیست که مرکزیت اصلی این فجایع و غوغا های شمشیر کننده که عواقب آن جز دامنگیر خواسته ها و تمایلات واقعی توده های مردم نمیگشت و بیش از پیش در جهت آرمان اصلی و اصولی آنان گرد و غبار های یاس و لجن های بوناک و عفن فرو می پاشید، چیزی

مشکله و معضله که به نظر آنها جز دین و باور های اعتقادی جامعه چیزی

دیگری نمیتوانست باشد و مبارزه با آن نیز به نظر آنها چیزی جز نثار انواع

فحش های رکیک و بد و بیراهه گفتن به مقدسات دینی و پرده دری بیش از پیش

درین جهت چیزی دیگری نبود .

هیچ رابطه و پیوندی با علم و تخنیک جدید جز رابطه ناهماهنگ و متضاد متقابل ندارد! "و علیهذا بنیاد های آن را در صحنه ذهن و عینی جامعه و آنها هم در قیافه علماء و روحانیون پاسدار این ارزشها و باورمندیها، زود، زود باید خشکانید! و متقابلاً قطب مخالف نیز برای اینکه خود و باور های اعتقادی شان را از این مخمصه و سردرگمی، برهانند با نا آگاهی کامل، کل دست آورد های جدید را، بدون آنکه آنها را از عمق و بنیاد شناخته باشد، به تمسخر و استهزاء می نشست و از سر تا به پا به حملات نا روا و خشک و متحجرانه همت میگماشت، و او همچنان حریف افسون شده خویش، علم و دست آوردهای نویسن را

جز نا آگاهی و جهل مطلق این دو قطب متخالف و فریب خورده نبود که هر دو از اصل ماجرا غافل بودند، نه روشنفکر مقلد نوآوری ها و افسون شده دینر آمیختار و از اسلام آگاهی داشت و نه طرف مقابل علم را درک میکرد و از خواسته ها و نیاز های اساسی نسل نوحاسته و در غرقاب طوفانها گیر کرده، اطلاعی داشت و نه عاقبت کار را درک میکرد که درین بازی و جدال عاقبت برنده و یا برندگان کدام قطب خواهد بود؟! سر انجام این بازی ها و درگیری های مسخ کننده و بنیاد برانداز، چیزی جز عقب ماندن تفکر و ایده اصیل اسلامی با کمال تاسف چیزی دیگری را، موجب نگشت ...

ادامه دارد



اینکه چرا امروزه نامی از جنگ‌های صلیبی و کشتار و قتل عام مردم مسلمان فلسطین توسط اروپای وحشی، برده نمی‌شود، خود مسئله‌ای است که نیاز به تجزیه و تحلیل بیشتر دارد. کتاب مناظره دکتر و پیر گوشه‌های از جنایت صلیبی‌ها را به نمایش گذاشته است که چگونه این مدعیان حقوق بشر بشریت را به کشتارگاه‌ها و مسلخ فرستادند.

از دیر زمان به اینطرف بین اسلام و کفر یهودی و مسیحی دشمنی وجود داشته که جنگ‌های صلیبی یکی از نمود های خشم آمیز کفر مسیحی و یهودی علیه اسلام در تاریخ گذشته است. اما نباید فراموش کرد که امروز نه تنها آن کینه های گذشته از قلب و ذهن مردم وحشی اروپا و ادیان شرک آلود مسیحیت و یهودیت عقده‌ای زده شده بلکه نظریه گذشت زمان آن عقده‌ها و دشمنی‌ها بیش از گذشته تشدید یافته و اروپای درنده هر لحظه در صدد انتقام است ولی این بار از شیوه‌های دیگر استفاده میکنند. خود مسلمانان را به جان هم انداخته‌از ضعف و ناتوانی شان بهره برداری می‌کنند.

روی همین اصل اروپای استعمارگر در صدد برآمد تا دولت مقتدر عثمانی را با تشدید اختلافات اعراب و ترک از صحنه گیتی نابود سازد و با استفاده از تحریک حسن ناسیونالیستی اعراب، آنها را نیز با خود هماهنگ ساختند. مبارزینی که برای آزادی سرزمین‌های اعراب از سلطه عثمانی در کنار متفقین قرارداد داشتند پس از سقوط دولت عثمانی خود تحت اشغال کشور های استعمارگر اروپا قرار گرفتند. در این میان سرزمین

اسلامی در سراسر کشور ها بیرق آن برافراشته شود. (امام خمینی)

نیم کره شرقی، جنوب غربی قاره آسیا، در خاور میانه و در مشرق ساحل دریای مدیترانه واقع شده و با کشور های لبنان در شمال، سوریه در شمال شرقی، اردن در مشرق و مصر در جنوب و جنوب غربی همسایه است. این سرزمین در گذشته بنام کنعان و

روز قدس فقط روز فلسطین نیست، روز اسلام است، روز حکومت اسلامی است روزی است که باید جمهوری

با فرا رسیدن جمعه اخیر رمضان، بار دیگر خاطره جانکاه و دردناک ملت مظلوم و مسلمان فلسطین در ذهن‌ها زنده میگردد، زیرا جمعه اخیر ماه مبارک رمضان از سوی رهبر عالیقدر جهان اسلام حضرت امام خمینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بنام روز قدس

روز قدس روز اسلام

پس بنام فلسطین یاد میشده است. بعد از ظهور اسلام در دوران خلفای راشدین جزو قلمرو سرزمین‌های اسلامی گردید. با قدرت گرفتن عثمانی‌ها این سرزمین جزو امپراتوری عثمانی گردید. از آنجائیکه بیت المقدس در این سرزمین واقع شده، در طول تاریخ جنگ‌های خونین بین مسلمانان و مسیحیان - یهودیان در گرفته است که از آن جمله میتوان به جنگ‌های صلیبی در دوران امپراتوری عثمانی و جنگ‌های اعراب و اسرائیل پس از مطرح ساختن اسرائیل از سوی کشور های استعماری جهان نام برد. از سال ۱۰۹۶ تا ۱۲۷۰ م بین مسلمانان و مسیحیان - یهودیان آن روزگار ۸ بار جنگ‌های خونین کشنده رخ داد که تاریخ خشونت و وحشیگری اروپای دیوانه را بخود ضبط کرده ولی

نام گذاری شد و از آن زمان تاکنون این روز در سراسر جهان از سوی مسلمانان بعنوان همدردی با ملت مظلوم و آواره فلسطین و به عنوان حمایت و پشتیبانی از آنان در راه آزادی قدس شریف این قبیله اول مسلمین و سرزمین اسلامی فلسطین از جنگال درندگان صهیونیست تجلیل می‌گردد. ما هم به نوبه خود نظر به مسئولیت انسانی و اسلامی خویش در قبال ملت مظلوم و دربند و آواره فلسطین و قدس شریف مطالبی هرچند سر و پا بریده ارائه میدهیم تا باشد خوانندگان عزیز حبل... بیشتر به فلسطین و انگیزه اشغال آن از سوی اسرائیل غاصب به دستگیری ابرقدرتها آشنا شوند.

موقعیت جغرافیائی :

فلسطین اشغالی در نیم کره شمالی،



فلسطین هم تحت اشغال انگلیس در آمد. در سال ۱۹۱۷م در جریان جنگ اول اروپا دولت انگلیس اعلامیه "بالفور" را منتشر ساخت که به اساس آن صهیونیست ها یک کانون ملی در خاک فلسطین ایجاد نمایند. بدنبال انتشار این اعلامیه آوردن یهودی ها از گوشه و کنار جهان در فلسطین از سوی اروپائی ها شروع شد و طبق طرح و پلان "هرتزل" ایدئولوگ و طراح معروف صهیونیست خریداری اراضی فلسطین آغاز گردید. این سیاست انگلیس که یهودی ها را در فلسطین گرد می آورد، فلسطینی ها را نگران ساخت و علنا بر دولت انگلیس اعتراض کردند اما انگلیسی ها با مکر و خدعه اعراب را قناعت داد که بوعده های خود در قبال کسب استقلال اعراب وفادار هستند و پس از پایان جنگ در تاریخ ۷ نوامبر ۱۹۱۸م انگلیس و فرانسه مشترکا بیانیه صادر کردند که گوشه ی آن از این قرار است:

.... هدف انگلستان و فرانسه از شرکت در جنگهای خاور نزدیک و میانه این بوده است که ملل ضعیف را از زیر سلطه ترکها آزاد کنند و با ایجاد حکومت های ملی، مردم حاکم بر سرنوشت خود شوند. (جنگ چهارم اعراب و اسرائیل).

راستی هدف استعمار اروپا دست رسی اعراب به حکومت ملی و مقتدر بر سرنوشت خود که امروزه بدان رسیده اند بوده است؟ بهر حال در دورانی که سرزمین فلسطین تحت قیمومیت انگلیس قرار داشت بر کثرت یهودی ها روز بروز افزوده می شد. در سال ۱۸۸۰ فقط ۲۴/۰۰۰ نفر یهودی در فلسطین

وجود داشت که ۵٪ کل جامعه فلسطین را تشکیل میداد اما پس از اعلامیه بالفور انگلیس در سال ۱۹۲۲م این تعداد به ۸۳/۰۰۰ نفر ارتقاء یافت. در این زمان در فلسطین ۷۵۷/۰۰۰ نفر ساکن بودند که از آنجمله ۶۶۳/۰۰۰ نفر عرب (۵۹/۰۰۰ عرب مسلمان و ۷۳/۰۰۰ نفر عرب مسیحی) وجود داشت و از نگاه فیصدی در این زمان یهودی ها فقط ۱۱٪ کل جامعه را تشکیل میدادند.

یهودی ها وقتی در فلسطین جای پا باز نمودند علاوه بر خرید اراضی اعراب دست به ترور و خشونت زدند. سازمانهای تروریستی "هاگانا"، "ایرگون" و "اشترن" که فرماندهان آن یهودی انگلیسی بود مخفیانه تعلیمات یهودی ها را بعهدہ گرفتند و سلاح و امکانات شان از طریق دولت انگلیس تامین می گردید. با نیرومند شدن تشکیلات یهودی ها، این مهمانان ناخوانده خواستار دولت مستقل یهودی در فلسطین شدند. دولت های غربی و روسیه که پشتیبان این درندگان وحشی بودند، طرح یهودی ها را در سازمان ملل مورد حمایت قرار دادند و در سال ۱۹۴۷م در روز ۲۹ نوامبر طرحی که فلسطین را بدو کشور عرب و یهود تقسیم می کرد به تصویب رسید. به اساس این طرح یهودی ها ۵۶٪ و اعراب چهل و دودرصد اراضی فلسطین را در اختیار می گرفتند. منطقه بیت المقدس که دو درصد خاک فلسطین را تشکیل میداد منطقه بین المللی اعلام گردید.

روز ۱۵ ماه مه ۱۹۴۷م با اعلام حکومت اسرائیل اولین جنگ اعراب و اسرائیل شروع شد و اعراب در مقابل

اسرائیل که حمایت ابر قدرت ها را به دنبال داشت شکست خورد و اسرائیل ۱۳۰۰ کیلو متر سهم اعراب را اشغال کرد (این سهم به اساس طرح سازمان ملل بود ورنه تمامی فلسطین مال اعراب مسلمان بود)، تعدادی زیادی از مردم مسلمان فلسطین خانه و کاشانه خود را از دست داده رو به آوارگی در کشور های همجوار نهادند. کشور های که در ظاهر از فلسطین دفاع میکردند مانند مصر، اردن، سوریه و لبنان علنا در سال ۱۹۴۹م با اسرائیل متارکه کردند قسمتی از خاک فلسطینی ها در اختیار یهودی ها قرار گرفت. از این زمان به بعد یهودی ها یک تاز میدان بودند، کشتار های دسته جمعی مسلمانان یکی از برنامه های عادی شان محسوب می گردید، خانه و مزارع مسلمانان را تصاحب نموده خود شان را اخراج میکردند.

جنرال عبدالناصر ناسیونالیست معروف عرب پس از آنکه روز ۲۶ ژوئیه ۱۹۵۶م در متینگی کانال سویز را ملی اعلام کرد دولت های فرانسه، انگلیس و اسرائیل به مصر حمله کردند و اسرائیل به صحرای سینا تجاوز نمود، صحرای سینا اشغال شد از آنجائیکه فرانسه و انگلیس بهدفع رسیده بودند، از مصر و اسرائیل میخواهند که فوراً جنگ را متوقف کنند، اسرائیل که از پیش از طرح آگاهی داشت اعلام آتش بس میکند ولی مصر این اولتیماتوم را قبول نمی کند. روز ۳۱ اکتبر طیاره های انگلیس فرودگاههای مصر را بمباران کردند و روز اول نوامبر رزم ناو فرانسوی هم استحکامات ارتش مصر را بمباران کرد.



خود نه تنها وحشت اسرائیل را برانگیخته بود که حتی ابر قدرت ها را نیز نگران ساخته بودند لذا همگی دست به دست هم داده با ترفند های مختلف و با قتل عام های فلسطین در اردوگاه های آوارگی سرانجام نهضت فلسطین را به سازش کشاندند .

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران معاملات سیاسی جهان بهم خورد و راه دیگری برای نهضت های آزادیبخش جهان باز گردید که آن سیاست نه شرقی نه غربی است ، اما رهبران فلسطین بدون اینکه به واقعیات تن در دهند ، هنوز هم به همان راهی روانند که ابر قدرت ها راهنمایی شان کرده اند و این راه هیچگاه به آزادی قدس و فلسطین منتهی نخواهد شد زیرا با سازش و معاملات سیاسی نمیتوان سرزمینی را که بزور اشغال شده بدست آورد . اینجاست که رهبر خردمند جهان اسلام حضرت امام خمینی روز قدس را روز جهانی اسلام اعلام نمودند و با این اساس دفاع از قدس شریف و سرزمین اسلامی فلسطین بر تمامی مسلمانان سراسر جهان واجب است .

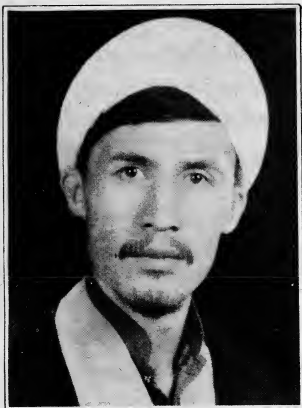
اما این نکته را نباید فراموش کرد که جنگ کلاسیک و نظامی تمام عیار به هیچ وجه نمیتواند قدس عزیز را از چنگال صهیونیسم بیرون کند بلکه جهت آزادی قدس چون مکان مقدس و مذهبی مسلمانان است باید جنگ مذهبی و مقدس رویکار آید . و داوطلبان جهاد با کفر جهانی صهیونیسم از سراسر جهان به سوی قدس بشتابند ، تا باشد که این مکان مقدس از لوٹ وجود یهودی های وحشی پاکسازی گردد . انشاء ...

تعقیب چریک های فلسطینی بود . سر انجام در ۵ ژوئن ۱۹۶۷م طیاره های اسرائیل به خاک مصر ، سوریه و اردن تجاوز کرد . این جنگ که بنام جنگ شش روزه معروف است اسرائیل موفقیت های فراوانی بدست آورد ، صحرای سینا از خاک مصر و ساحل رود اردن از خاک اردن و ارتفاعات جولان از خاک سوریه را تصاحب نموده پس از این حادثه غم انگیز جمال عبدالناصر زعیم اعراب سکنه کرد و از بین رفت ، انور سادات جانشین او گردید .

پس از مرگ ناصر يك جنگ دیگر هم بین اعراب و اسرائیل رخ داد که این جنگ از سوی مصر و سوریه آغاز شد و این جنگ روز ششم اکتبر ۱۹۷۳ بود که در ابتدا موفقیت های چشم گیری نصیب اعراب شد ، اما سرانجام با خیانت سادات و رفتن او به اسرائیل بار دیگر آبروی اعراب در جهان ریخت . گر چه تاریخ این جنگ ها را بنام اعراب و کشور های همسایه فلسطین ضبط کرده ولی واقعیت این است که کشور های همسایه همواره در فکر خود بودند نصر فکر فلسطین . هر بار که جنگ شروع میشد قسمتی از خاک اعراب به اشغال اسرائیل غاصب درمی آمد و همین سستی اعراب و وابستگی رژیم های آنان به ابر قدرت های حامی اسرائیل باعث گردید نه تنها فلسطین در اشغال صهیونیستها باقی بماند که قسمتهای از خاک لبنان هم در سال ۸۳ از سوی اسرائیل اشغال شد . بد تر از همه سازمان آزادیبخش فلسطین که ریاست آنرا آقای عرفات به عهده دارد روزگاری بخاطر عملیات چریکی و نظامی

قسمتی از خاک مصر توسط ارتش مهاجم سه کشور انگلیس ، فرانسه و اسرائیل اشغال شد ، درین هنگام روسیه پیام تهدید آمیزی به فرانسه و انگلیس تحویل داد که بدنبال آن جنگ متوقف شد .

همزمان با پاگذاری یهودی ها در فلسطین و تشکیل حکومت اسرائیل مردم فلسطین به مبارزات خود علیه اشغال گران صهیونیستی شروع کردند . در سال ۱۹۶۲م دو شاخه از سازمان آزادی بخش فلسطین بنام های الماعقه که در سوریه متمرکز بود و دیگری الفتح که در اردن فعالیت میکرد ، بوجود آمد . در فوریه ۱۹۶۲م وقتی جناح چپ حزب بعث در سوریه به قدرت رسید سازمان الماعقه بر شدت عملیات خود افزود و الفتح بخصوص شاخه نظامی آن به رقابت با الماعقه عملیات چریکی و تخریبی را در مرز های تحت اشغال اسرائیل گسترش داد . نیرومند شدن چریک های فلسطین خشم اسرائیل را برانگیخت . اسحاق رابین رئیس ستاد اسرائیل در سال ۱۹۶۶م در ماه سپتامبر طی مصاحبه ای سوریه را بخاطر حمایت از چریک های فلسطینی هشدار داد . سوریه که احساس وحشت نموده بود خود را با مصر نزدیک ساخت . اسرائیل هم به بهانه تعقیب چریک های فلسطینی وارد خاک سوریه شده ، روستاییان را قتل عام می کردند . اسرائیل که ضعف اعراب را مشاهده میکرد پی بهانه میگشت تا به کشور های همجوار حمله کند و با اشغال سرزمین های اطراف فلسطین ، خود را از خطر احتمالی نجات دهند . بهترین بهانه همان



وضعیت فعلی جبهات را در افغانستان
و مخصوص مناطق مرکزی چگونه ارزیابی
می‌کنید ؟

ج: علیرغم اینکه مواضع و سنگرهای
ستیز مجاهدین غیور افغانستانی دائماً
مورد وحشیانه ترین حملات هواپیما و
زمینی روسها و مزدوران آنان قرار
دارند و علیرغم اینکه روسها و رژیم
مارکسیستی کابل و عوامل استعمار
جهانی بمنظور تضعیف و تخریب پیا
شکست و یا به سازش کشاندن انقلاب
اسلامی افغانستان از خطرناکترین
توطئه ها و شایعه ها و از پیچیده ترین
طرحها و فشار ها کار گرفته و میگیرند
و... و با وجود اینکه مجاهدین مسلمان
یکسری نقطه ضعفهایی داشته و دچار
کمبود ها و ضرورتها و نیازمندی های
نظامی، سیاسی، فرهنگی و... هستند،
ولی با الهام گیری از ایدئولوژی انسان
ساز و رهایی بخش اسلام و با اتکال به
خداوند و تکیه بر مردم و با امید قاطع به
شکست روسها و مزدوران آن و پیروزی

تذکر: چندی قبل اطلاع یافتیم که یکی از قوماندانان مجاهدین مسلمان مناطق
مرکزی افغانستان با به جمهوری اسلامی ایران گذاشته است، لذا سئوالاتی طرح
نموده خدمت شان ارسال داشتیم تا ما و خوانندگان عزیز مجله را در جریان حوادث
وقایع داخل جبهات قرار دهند. متأسفانه نظر به برخی عواملی که برای ما روشن
نیست، مدت ها این جواب را معطل نمودند که با معطلی مجله ما، مطالب کاملاً
کهنه به نظر میرسد ولی گمان می‌رود برای کسانی که در جریان حوادث نبوده باز
هم تازگی داشته باشد. ضمن تشکر از جناب آقای شیوا که به سئوالات ما جواب
مثبت دادند، توجه خوانندگان عزیز را به قسمت اول سئوال و جواب ها جلب
می‌کنیم:

مصاحبه با رادشیر

زیادی از مجاهدین سازمان بوطن محبوب
و عزیز مان افغانستان بازگشتیم و در
داخل در منطقه آزاده شده (پنجاب،
ورس، یکاولنگ، لعل، سینان، فولادی
شهیدان و مناطق مربوطات ولایت
ارزگان و غور و...) گاهی در جبهه
مجاهدین بر علیه روسهای متجاوز و
گاهی در پشت جبهه در خدمت مردم و در
پایگاههای نظامی مجاهدین حضور داشتیم.
با توجه به مسئولیت شرعی که خودم
درک و احساس کرده و میکنم و با توجه
به وظیفه سازمانی که مسئولین سازمان
و برادران مجاهد مان در داخل به دوشم
گذاشتند، اول سال ۶۶ مجدداً به جمهوری
اسلامی ایران برگشتم و حال در ایران
هستم و امیدوارم خداوند بهمه مسلمین
و مجاهدین اصیل در جهان و خصوصاً
افغانستان توفیق عبادت و بندگی و تداوم
جهاد مقدس اسلامی عنایت فرماید.

جناب آقای شیوا لطفاً خود را برای
خوانندگان گرامی مجله حبلاً...
معرفی نموده بگوئید چند سال در
جبهات افغانستان در حال جهاد مبارزه
بودید ؟

ج: بسم الله الرحمن الرحیم، پنجاب
شیوا از سازمان نصر افغانستان در اول
سال ۵۸ همگام با شروع نبرد مسلحانه
مردم مسلمان سراسر میهن اسلامی بر
علیه مزدوران و وطن فروشان روسی
(خلق و پرچم) در کنار مجاهدین مقاوم و
غازیان تفنگ بدوشمان در مربوطات
ولایت بامیان، میدان، پروان و... بودم.
اواخر سال ۶۰ با محلت و توافقی
برادران و بر اساس احساس وظیفه شرعی
و انسانی و دلایل دیگر به ایران آمدم و
تا سال ۶۳ نظر به مسئولیت اسلامی و
وظیفه سازمانی که به عهده داشتیم در
ایران بودم و آخر همان سال همراه با جمع



انقلاب اسلامی و رسیدن به استقلال و آزادی و حکومت عدل الهی و با استفاده از تجربیات و اندوخته های مبارزاتی و ... نسبت به سالهای قبل حضور گسترده و چشمگیری در سنگر های ضد روسی داشته و بیش از هر زمانی قوی تر و هماهنگتر وارد عمل گردیده و بر وسعهای متجاوز و عوامل آنها ضربات و تلفات سنگینتری وارد آورده و با ایمان هر چه استوار تر و راسخ تر برابر همه توطئه ها خصوصا طرح توطئه باصطلاح آشتی ملی و تشکیل دولت ائتلافی روسی و امریکائی ایستاده و به نبرد و جهاد مسلحانه شان بر علیه روسها و هر نیروی اجنبی تا پیروزی کامل تداوم میبخشند.

تاثرات سفر اخیر مسئولین سازمان تان را در داخل چگونه دیدید ؟

ج: قبل از همه چیز این واقعیت را یادآوری میکنم که مسئولین و شخصیتها و مجاهدین سازمان نصر افغانستان از متق و مردم مسلمان و مستضعف جامعه مان برخاسته و با درک عمیق از مسئولیت اسلامی و با تشخیص صحیح از اوضاع و احوال جامعه و کشور، دست به جهاد مسلحانه اسلامی و رهائی بخش یازیده و همگام و همفکر و هماهنگ با پیکار مسلحانه مجاهدین اصیل و توده های میلیونی مسلمان هموطن به سنگر های سوزان نبرد بر علیه روسها و سرسپردگان آنها شتافته و اکنون که ۹ سال از مبارزه مسلحانه سازمان بر علیه اشغالگران روسی میگذرد، سازمان بخش عظیم و نیرومند از جنبش اسلامی و ضد استعماری افغانستان را تشکیل میدهد و در این راستا سفر اخیر مسئولین

محترم و بزرگوار سازمان در داخل کشور مثل سایر اعمال و کار های آنان در طی ۹ سال مبارزه و تلاش و ایثار، اثرات بسیار عالی و موثر چه در ارتباط با کار های خود سازمان و چه در سطح مشکلات مردم و چه در رابطه با بقیه احزاب و سازمانهای اسلامی داشته اند، مسئولین سازمان در سراسر مناطق و ولایات آزاد شده از طرف ملت اسلام کیش و مجاهدین مسلمان و همسو و خصوصا مجاهدین سازمان مورد استقبال گرم و زاید الوصفی قرار گرفتند.

طبق شایعات، سفر مسئولین سازمان نصر درگیری های داخلی را زیاد کرده، شما که از نزدیک شاهد چنین جریانات بودید این شایعات را چگونه بررسی می کنید ؟

ج: باید تذکر دهم که این شایعه یکی از صد ها شایعه ها و توطئه ها و دروغ پردازیهای است که دشمنان انقلاب اسلامی و سازمان از اول مبارزه تا حالا بر علیه مسئولین و شخصیتها و مجاهدین مظلوم و عزیز سازمان در داخل و خارج پخش کرده و خواهند کرد. مزدوران بدون مزد روسی و عوامل سر سپرده استعمار جهانی تا هنوز بر پایه، پندار های پوچ و واهی ابلهانه و کودکانه تلاش دارند که با تهمت و افترا و جعل اخبار و پخش اکاذیب محض موقعیت سیاسی، نظامی، اجتماعی و ... سازمان را تضعیف و یا سازمان را از صحنه جهاد و مبارزه اسلامی در افغانستان حذف کنند. ولی آنان غافل از این واقعیت و حقیقت هستند که تاهنوز علیرغم کار شکنی ها و تخریب کاریها،

سازمان نصر قویتر شده و با قدرت بیشتر سیاسی و نظامی و ... در صحنه پیکار مسلحانه حضور داشته و در قلوب مردم محروم و مسلمان و شهید پرور جا یافته و روز بروز رشد و تکامل می یابد. بناء مسئولین محترم سازمان از چند جهت تصمیم رفتن بداخل افغانستان را گرفته اند: ۱- احساس تکلیف و وظیفه شرعی، انقلابی و انسانی ۲- خنثی کردن این شایعه که رهبران و مسئولین احزاب و سازمانهای اسلامی در بین مردم و در متن حوادث انقلاب در داخل حضور نداشته و از واقعیت های جامعه و انقلاب و تحولات بدورند، ۳- نیاز ها و ضرورت هایی که مجاهدین مقاوم مان و ملت شهید پرور مان به رهنمائی و رهگشائی مسئولین داشتند، ۴-

مسئولین به این علت به داخل رفتند تا با سعی و تلاش خود هماهنگی و انسجام و وحدت نظری و عملی را در میان جریانهای اسلامی و مجاهدین در سراسر مناطق و ولایات آزاده شده به وجود آورد، ۵- دعوت و تقاضای مکرر سازمان های اسلامی و همسو در داخل از مسئولین سازمان مبنی بر ایجاد تفاهم و اتحاد.

طبق اطلاعات بدست آمده مسئولین سازمان نصر در داخل افغانستان پایگاه مستحکم بگونه پایگاه مرکزی سازمان نصر بوجود می آورند، هدف از این پایگاه اگر حقیقت داشته باشد چیست و چه اثراتی این پایگاه مرکزی در آینده انقلاب و مردم مسلمان خواهد داشت ؟

ج: هر چند از آغاز مبارزه و جهاد مسلحانه در کلیه مناطق آزاد شده در بین



افغانستان است و امید می‌رود که در پرتو توجهات و عنایات الهی حضرت ولی عصر (عج) و در اثر تلاش و ایثارگری مجاهدین سازمان مرکزیت سازمان و مرکزیت سایر مجاهدین مقاوم و متعهد در سراسر مناطق تبدیل شود.

آیا طرح‌های دیگری نیز در داخل زیر نظر دارید بیان نمائید ؟

ج: ما در زمینه‌های مسائل سیاسی، نظامی، فرهنگی، پزشکی و بهداشتی و ... نظرات و طرح‌های پیشنهادی در داخل داشتیم و کلاً نظرات ما را تا جای ممکن ارائه داده بودیم. اما در مورد حل سیاسی، نظامی، ما، جدا طرفدار ترتیب جلسات و نشستهای سراسری در بین احزاب اسلامی و مجاهدین و علمای مبارز و قوماندانان جبهات به منظور بازنگری به مسائل و مشکلات انقلاب اسلامی، انتقاد مثبت و سازنده، دست یابی به طرح‌های ابتکاری و در نتیجه رسیدن به وحدت نظری و عملی بودیم و مطمئن هستیم که در پیرامون نشستها و برخورد های مثبت و تفاهم اصولی میتوان بر مشکلات چیره شد و همدیگر را شناخت و با هم در کنار هم کار کرد و در زمینه مسائل نظامی، نظر این بود که شورا های نظامی مرکب از فرماندهان جبهات و سازمانهای اسلامی در سطح مناطق بوجود آید و این شورا های نظامی بحمداً ... در بسیاری از ولایات و جبهات تشکیل یافته و اثرات بسیار عالی در گسترش عملیات مجاهدین بر علیه روسها داشته است و در ارتباط با فعالیتهای فرهنگی در تلاش بودیم که کلیه مدارس دینی و مکاتب ابتدائی در سراسر ولایات و مناطق آزاد شده افتتاح و فعال گردد. هر چند در حال مدارس دینی و مکاتب ابتدائی در برخی از مناطق فعال شده و در کنار



آگاه باشید که با دشمن نیرنگ باز زیرکانه مبارزه باید کرد!

جبهات و پایگاهها و بخشهای سازمان هماهنگی لازم و تشکیلاتی وجود داشت و همه میدانند که مسئولین و مجاهدین سازمان در همه موارد در مقابله با مشکلات و فشار ها از موضع واحد و مشخص برخورد کرده و میکنند، ولی به لحاظ موانع و مشکلات توانفرسائی که وجود داشت سازمان نتوانست مرکزیت واحد و نیرومندی را در سراسر افغانستان بوجود آورد. با توجه به تشخیص ضرورت ها و نیاز ها و با توجه به پیشنهادات و نظرات مسئولین و قوماندانان و مجاهدین بخشهای سازمان مسئولین ایجاد مرکزیت واحد و قوی را در نظر گرفته بودند و هدف و منظور اصلی از ایجاد مرکزیت متمرکز نیروها و اشراف کامل بر مهمات بخشها و پایگاهها و جبهات و مقابله موثر و گسترده و سازمان یافته در مقابل هجوم فشار ها و حملات روسها و دشمنان انقلاب اسلامی هست. با تکیه به اهداف و انگیزه هائی که بیان نمودم طبیعی است که ایجاد مرکزیت واحد و قوی و متشکل در شرایط مبارزه و تداوم جهاد مسلحانه هم امر حیاتی است و هم بعنوان الگو و نمونه به نفع اسلام و مسلمین و انقلاب اسلامی

در سهای حوزه‌ای مضامین عقیدتی، سیاسی، تاریخی و ... نیز تدریس میشود و در ارتباط با مسائل پزشکی سعی داشتیم که در هر ولسوالی و در کنار هر پایگاه نظامی و حوزه اداری دارو خانه ها و شفا خانه ها تاسیس شود و تا با استفاده از امکانات سازمان و کمک و هدایای مردمی، دارو های لازم و مورد نیاز تهیه و با امراض مزمن و مهلك مبارزه صورت بگیرد.

بعضی نامه ها از پاکستان و ایران داشتیم که بیان میکرد سازمان نصر خانواده های مسئولین شوری اتفاق را در سال ۱۳۶۴ کوچ داده این مسئله را چگونه توجیه و تفسیر می‌نمائید ؟

ج: کسانی که از نزدیک شاهد فضاها و تحولات برخورد های داخلی بوده و همواره در فضاوتها و داوینها خدا را در نظر گرفته و میگیرند خوب می‌دانند که برخورد سازمان در تمام موارد چه در داخل و چه در خارج بر پایه اصول و مبانی احکام اسلامی و شئون انسانی استوار هست. و ثانیاً همه میدانند که کسان دیگری خانواده های شورا را از ورس کوچ داده بودند و سازمان بعد از تسلط بر مناطق آرام ورس نه تنها مزاحم آنان نبوده و نیست بلکه در مسائل زندگی آنان همکاری داشته است و خصوصاً مسئولین سازمان در مناطق بهسود با خانواده های شورا که از ورس تصفیه شده بودند کاملاً برخورد اخلاقی، اسلامی و انسانی داشته و با فراهم کردن وسایل به منظور بازگشت آنان به ورس مسئولیت انسانی شان را انجام داده اند.

ادامه دارد

اخبار هفت جهانی اسلام

الاهرام به نقل از يك منبع پليس می نویسد: ممکن است این دو ناشناس از فروشندگان مواد مخدر باشند. یادآوری میشود که این حادثه دوازده روز بعد از حمله به اتومبیل سفارت آمریکا در منطقه معادی انجام گرفت که حامل سه سرنشین بود و دونفر از آنها بطور سطحی زخمی شده اند.

ترکیه

دوطلبه ترك به هتکام ورود به

کشورشان دستگیر شدند

دوطلبه اهل ترکیه که در شهر قم تحصیل میکردند پس از ورود بخاک ترکیه در آنسوی گمرک بازرگان توسط پليس این کشور دستگیر شدند.

پليس مرزی ترکیه پس از ورود این دو طلبه بخاک ترکیه کتاب های دینی آنان را بازرسی کرده و سپس کتابهارابه سالن مشترک ایران و ترکیه پرتاب کردند.

يك منبع كاملا " موثق اظهارداشت طلاب علوم دینی ترکیه توسط پليس این کشور به نقطه نامعلومی در داخل ترکیه انتقال یافتند. این دستگیری در اواخر ثور (اردیبهشت) صورت گرفته است.

تونس

مردم تونس علیه حکومت بورقیبه

دست به تظاهرات زدند

پليس تونس دیروز دوشنبه ۱۸ جوزا با استفاده از یاتون دهها تن از مسلمانان این کشور را که در مرکز پایتخت علیه رژیم حبیب بورقیبه دست به تظاهرات زده بودند متفرق کردند.

بگزارش خبرگزاری ها از تونس شاهدان عینی گفتند تظاهرکنندگان مسلمان تونسی که اکثرا " جوان بودند ضمن پرتاب سنگ

همچنان بتاريخ ۶۶/۲/۱۳ متجاوزین روسی و مزدوران دست نشاندۀ بوسیله ۱۶ فروند هواپیما مجهز جنگنده بمب افکن مناطق غوریان و برناآباد ولایت هرات را بشدت مورد بمباردمان و حملات وحشیانه و غیرانسانی قرار دادند که در نتیجه این جنایات روس های خون آشام و تجاوزگر ۸۱ تن بشمول زن ، مرد و معصوم بشهادت رسیده و ۱۲۰ نفر از مردم بیدفاع مسلمان مناطق مذکور مجروح گردیده است و علاوه بر تلفات جانی خسارات مالی فراوانی نیز به مردم بیدفاع این مناطق وارد گردیده و تعداد بیشماری منزل مسکونی مردم خدا جوی مناطق متذکره به اثر جنایات روس های غدار تخریب گردیده است.

مصر

دوپليس در جنوب قاهره هدف

گلوله قرار گرفتند

روزنامه مصری الاهرام در شماره اخیر خود نوشت دو پليس در منطقه دارالسلام در نزدیکی منطقه معادی در جنوب قاهره بر اثر تیراندازی دونا شناس زخمی شده اند.

به گزارش خبرگزاری ها این روزنامه با درج این مطلب که چهاربین سوار بر موتورسیکلت بوده اند. توضیح دیگری در این رابطه نداده است.

افغانستان

بنابه گزارش منابع مجاهدین از ولایت هرات بتاريخ ۶۶/۲/۱۰ برج جاری اشغالگران روسی و مزدوران کمونیستی مناطق چکه ، کبوترخان ، شغالیان ، کبرزان و بعضی قراء دیگر را قرارگاه نظامی ساخته بودند که خوشبختانه طی پلان منظم و برق آسا مجاهدین کفر برانداز با وارد کردن ضربات مرگبار پسته های نظامی مناطق فوق الذکر منهدم و مناطق از وجود مزدوران رژیم کمونیستی پاکسازی گردیده است که در نتیجه ۲۰ تن از عساکر رژیم مزدور روسی کشته و مجروح و به تعداد چهل میل سلاح مختلف النوع همراه با مقدار قابل ملاحظه مهمات به غنیمت جهادگران راه حق درآمده و درین نبردها یکنفر از مجاهدین بدرجه رفیع شهادت نایل آمده است.

همچنین جنگ بشدت با لای دیگر پسته های نظامی اطراف مناطق فتح شده توسط مجاهدین ادامه داشته و دشمن بتلافی شکست های خود مناطق محل نبرد را بشدت مورد بمباردمان هوایی ، آتش موشک های دوربرد و توپخانه قرار داده که هنوز خسارات و تلفات دقیق ناشی از جنایات متجاوزین روسی به دست ما نرسیده است.



بسوی پلیس علیه برنامه های دولت در زمینه های اجتماعی ورفاهی ونیزبرخی اقدامات ضداسلامی این رژیم اعتراض کردند.

بنابه این گزارش مسلمانان معترض تونسسی همچنین برای مسدود ساختن جاده ها اتومبیل ها را متوقف ساختند.

این تظاهرات توسط جنبش گرایش اسلامی تونس سازماندهی شده است.

تظاهرات دیروز مسلمانان تونسسی در پی زندانی شدن ۲۰ مسلمان مبارز این کشور در هفته گذشته به اتهام شرکت در تظاهرات خیابانی ماه آوریل گذشته صورت می گیرد. این مسلمانان به چهار تا شش سال زندان محکوم شده اند.

لبنان

انقلابیون مسلمان لبنان با دست زدن به یک عملیات گسترده و بی سابقه مرحله جدیدی از جهاد و مقابله با دشمن صهیونیستی را آغاز کردند.

عملیات با نام " بدرکبری " و با رمز " یا علی، یا علی " آغاز شد و بگزارش خبرگزاری ها ۲۵۰ چریک مسلمان در آن شرکت داشتند.

منطقه عملیات جنوب لبنان است و سازمان " مقاومت اسلامی " اعلام کرده که رزمندگان با گذشتن از مناطق صخره صعب العبور به سوی چهارپست تحت کنترل ارتش اسرائیل و ارتش جنوب لبنان که تحت الحمایه اسرائیل است حمله کرده و دو موضع را پاکسازی کردند و دو موضع دیگر را مورد حمله قرار دادند.

جمهوری اسلامی ایران

انتقال ۲۱ تن از اسرای عملیات

به پشت جبهه

۲۱ تن از اسرای عراقی از جمله دو

افسر و ۱۹ درجه دار و سرباز که در منطقه عملیاتی نصر- ۲ با سارت نیروهای اسلام درآمدند چهارشنبه شب گذشته به اردوگاه اسرا در پشت جبهه ها انتقال داده شدند.

بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از این عده پنج نفر مجروح و مصدوم بودند که تحت درمان قرار گرفتند. همین گزارش حاکیست شمار تلفات نیروهای ارتش بعث در منطقه عملیاتی نصر دو فراتر رفته است.

ششمین پاتک دشمن در منطقه

عملیاتی نصر- ۲ سرکوب شد

بگزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی بدنبال عملیات پیروزمند نصر دو که در منطقه میمکان انجام و منجر به آزادسازی سه ارتفاع مهم ۴۰۰، ۳۹۶، و ۴۰۴- از لوث متحازین بعثی شد، نیروهای مضمحل بعثی صهیونیستی عراق در ساعت ۴ و ۱۵ دقیقه با ممداد پریروز پنجشنبه چهاردهم خرداد بمنظور بازپس گیری مناطق آزاد شده با جمع آوری باقی مانده گردانهای شکست خورده از لشکر ۲۲ مذبوحانه اقدام به ششمین پاتک خود بعد از عملیات نصر دو کرد که در همان دقایق نخست با آتش سنگین و به موقع دلاور مردان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران با دادن تلفات مجبور به عقب نشینی از منطقه عملیاتی شدند.

دلاور مردان جمهوری اسلامی در جریان دفع این پاتک ضمن وارد آوردن ضربات و ضایعات سنگین بر یگانهای شکست خورده عراق موفق شدند بیش از ۲۵۰ نفر از آنان را کشته و یا زخمی کنند و

چهارده تانک و نفربر را نیز به آتش کشیده و دشمن را کاملاً " به عقب رانده و در یک دشت باز زمین گیر کنند.

در جریان این پاتک پنج تن دیگر از نیروهای مدامی با سارت نیروهای ایرانی درآمدند.

بیت المقدس

یک توطئه جنایتکارانه جدید اسرائیل مبنی بر بمب گذاری در مسجد الاقصی در بیت المقدس در اثنای مراسم نماز عید فطر خنثی شد.

بگزارش خبرگزاری امارات روزنامه الاتحاد چاپ ابوظبی به نقل از یک منبع فلسطینی نوشت اندکی قبل از آغاز مراسم نماز عید فطر در قدس چهار بمب ساعتی خنثی شد. منبع مذکور گفت این بمبها در اطراف مسجد الاقصی به نحوی تنظیم شده بودند که هنگام ورود نمازگزاران به مسجد الاقصی منفجر شوند.

در همین حال شیخ سعدالدین العلی رئیس شورای عالی اسلامی در بیت المقدس اشغالی گفت: باتدابیر امنیتی مسئولین جهت مقابله با حملات گروههای صهیونیستی مراسم نماز عید فطر به آرامی انجام گرفت.

الاتحاد طی سرمقاله ای ضمن تشریح این توطئه همه مسلمانان را به دفاع از مسجد الاقصی علیه حملات مکرر اسرائیل فراخواند. این روزنامه که در سرمقاله خود به اظهار نظر درباره این حادثه پرداخته است از تمامی مسلمانان خواست در برابر حملات مداوم اسرائیل از مسجد الاقصی حمایت کنند.

الاتحاد نوشت آزاد کردن مسجد الاقصی از اشغال اسرائیل وظیفه همه مسلمانان است.



شرک آمیز خویش دست براندازند و تا هنگامیکه به آفریدگار جهان ، به روز قیامت و رسول خدا ایمان نیاورند که: "ولا تنکحوا المشرکات حتی یؤمنن" (بقره آیه ۲۲۱) زنان مشرکه را نکاح نکنید تا زمانیکه ایمان نیاورده اند . ولا تنکحو المشرکین حتی یؤمنن" (بقره آیه ۲۲۱) مردان مشرک را به همسری نگیرید تا هنگامیکه ایمان بیاورند .

ب : ریشه کن کردن فساد اخلاقی ، از بین بردن عادات ابلسی و فرعونی ، اتمام و تکمیل گردانیدن اخلاق شایسته و خدائی در بشر ، تزکیه ، انسان و عروج دادن از پستی به بلندی و پرواز کردن بسوی خدا ، چه پیامبر اکرم (ص) انگیزه بعثت را اینچنین بیان فرموده است: "انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق" برای تکمیل و تنظیم اخلاق شایسته ، برانگیخته شدم . و همانگونه که رسول الهی ، بدستور "خدا" به تزکیه و ساختن انسان می پرداختند و با آموزش کتاب و حکمت به نجات انسان ، و از بین بردن اخلاق "بیته" همت می کاشتند که خداوند میفرماید: "هو الذی بعث فی الاممین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة" (جمعه آیه ۲) افلاح و رستگاری برای کسانی است که با تلاوت آیات خدا ، تزکیه میشود و اخلاق اسلامی به خود میگیرند ، جامعه ای پیروز و مردمی سربلند است که خود سازی و تزکیه را پیشه ، خود می سازند ، از فساد و رفتار زشت رو برمی گردانند که: "قد افلح من زکیها" (شمس آیه ۹) ، "وقد افلح من تزکی" (اعلی آیه ۱۴) .

ج : از بین بردن ستم و تبعیض و

تشکلات اسلام

(قسمت دوم)

- ۱- دعوت به توحید و یکتاپرستی . دعوت بسوی خدا ، نه بسوی خود و باند خود و قرار ندادن خویشتن را از جمله مشرکان که: وادع الی ربک ولا تکنن من المشرکین (قصص آیه ۸۷) به سوی پروردگار بخوان و خودت از مشرکین مباش .
- ۲- نکذاشتن مشرکین و جنایتگران را به کار های نیک که با داشتن ماهیت کفری ، از آن سوء استفاده و بهره برداری نمایند و برای چهره سیاه و شرک آلود خویش ، وجه بسازد و بدین سان برای دست یابی به هدفهای شوم شرک آورش زمینه سازی نماید و جای پا باز کند . چنانچه که دشمن کافر و جنایت پیشه هم اکنون در افغانستان مظلوم ، همین شیوه عوام فریبانه را در پیش گرفته است و در این زمینه خداوند میفرماید: "وما کان للمشرکین ان یعمروا مساجد الله شاهدین علی انفسهم بالکفر انما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الاخر" (توبه آیه ۱۷-۱۸) نیست برای مشرکان که مساجد خدا را تعمیر و آباد کنند در حالیکه بر خویشتن شاهد بر کفر هستند... تنها ایمان آورندگان بخدا و به روز آخرت مساجد
- خدا را آباد میکنند .
- ۳- اعراض و دوری از مشرکین که: لا اله الا هو و اعرض عن المشرکین (انعام آیه ۱۰۶) جز خدای یکتا و واحد معبودی نیست و از مشرکین اعراض و دوری کن .
- ۴- انجام دستورات الهی و روگردانی از مشرکان که خدای به رسول الله (ص) دستور میدهد: "فاصدع بما توروا عرض عن المشرکین" (حجر آیه ۹۴) به آنچه که امر میشود ، بانگ در ده! و از شرک و زنان رو برگردان!
- ۵- دبرائت و بیزاری جستن از مشرکین و نداشتن تمایل قلبی و ظاهری به آنها ، چون خدا و رسولش از مشرکین بیزار بوده اند و بیزاری شان را اعلام کرده اند که: "ان الله بری من المشرکین و رسوله" (توبه آیه ۳) ، "برائة من الله و رسوله الی الذین عاهدتم من المشرکین" (توبه آیه ۱) .
- ۶- کشتن مشرکان همانسان که آنان به نابودی خدا پرستان راستین کمر بسته اند که: "وقتلوا المشرکین كافة کما یقاتلونکم كافة" (توبه آیه ۳۶) .
- ۷- برقرار نکردن رابطه و علقه و ناشوئی تا زمانیکه مشرکان از گرایش



تشکیلات و سازمانهاییکه صرف برای نان و نام تکوین یافته و برای دست یافتن به خواسته های نفسانی و ابلیسی تشکیلات اسلامی نخواهد بود و سازمانهای اسلامی که معتقد به اصول پنجگانه باشند لیک استراتژی و عمل شان مغایر با آنها باشد از ارزشی برخوردار نخواهد بود .

و عمل در رابطه با نیت وانگیزه پاک ، ارزش پیدا میکند که "انما لاعمال بالنیات" عمل بستگی به نیت دارد خداوند عمل نیکو را از صالحین و متقین می پذیرد ، نه از فاسقین ، و اتسل علیهم نبا اینی آدم بالحق از قریبا قربانا فتقبل من اهدهما و لم یقبل من الاخره ، قال لا تقلک ، قال انما یقبل الله من المتقین " (مائده آیه ۲۷) برای ایشان داستان فرزندان آدم را ، به حق بخوان هنگامیکه آنها قربانی کردند از یکی شان پذیرفته شد و از دیگری قبول نشد گفت حتما تو را می کشم گفت خداوند تنها از پرهیزکاران را می پذیرد ! در جای دیگر است که : "قل انفقوا طوعا او کرها لن یثقل منک انکم کنتم قوما فاسقین" (توبه آیه ۵۳) بگو اتفاق کنید چه اختیارا و چه اجبارا هرگز از شما قبول نمیشود ، چون شما گروهی فاسق هستید .

و بدینسان می بینیم که "قول و اعتقاد" در رابطه با عمل ارزش میگیرد "الا یمان اقرار باللسان والعمل بالارکان" و عمل در رابطه با عمل صالح و شایسته و عمل خوب در رابطه با نیت ارزش پذیر است و از متقین و صالحین قابل پذیرش است ، نه از فاسقین و مجرمین . ادامه دارد

باشند و یا بدانها معتقد نباشند ، نمیتوانم تشکیلات اسلامی را بمفهوم صحیح و درست روی آنها گذاشت ! چه تشکیلات فاقد اصول ، تشکیلات است لیک اسلامی نیست ، یا اسلامی است اما تشکیلات نیست .

تشکیلات اسلامی تشکیلاتی است که دارای پایه ها و ضابطه های ذکر شده باشد و دارای اهداف و آرمان مقدسی که تذکر رفت . تشکیلات و سازمانهاییکه صرف برای "نان" و "نام" تکوین یافته و برای دست یافتن به خواسته های "نفسانی" و "ابلیسی" ، تشکیلات اسلامی نخواهد بود . سازمان های اسلامی که معتقد به اصول پنجگانه باشند ، لیک استراتژی و عمل شان مغایر با آنها باشند ، از ارزشی برخوردار نخواهند بود ، چون به "قول" و "اعتقاد" عمل ارزش میدهد . عمل صالح و کار شایسته اجر و مزد را موجب میشود که : "واما الذین آمنوا و عملوا الصالحات فیوفیهم اجرهم" (آل عمران آیه ۵۷) و اما کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند ، به اجر های شان وفا میشود . "انا لا نضیع اجر من احسن عملا" (کهف آیه ۳۰) کسانی که عمل نیکو انجام داده اند اجر شان را ضایع نمیکنیم .

جاگزین نمودن "قسط" و "عدالت" و این یکی از اهداف بزرگ رسولان الهی به شمار میرود . خداوند درین زمینه میفرماید : "لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فیه باس شدید" (حید آیه ۲۵) رسولان ما را با "بینات" فرستادیم ، همراه ایشان کتاب و میزان نازل کردیم ، تا مردم برای "قسط" بها خیزند و آنها را نازل کردیم که در آن باس شدید است و منافع زیاد برای "مردم" ، تزکیه و تکمیل اخلاق با تلاوت آیات و بینات و باتعالی کتاب و حکمت امکان پذیر است و قسط و عدالت با حید و آهن چون سنگران خیره سر ، بدون آتش اسلحه و خوف حید از دستگیری دست برنمی دارند .

د : ایجاد جامعه اسلامی و توحیدی و امت وسط ، امتی که از هرگونه رفتار شرک آمیز و کرایشهای الحادی پاک و منزّه باشد ، از ستم سخنی و از تبعیض خبری نباشد . امت وسط و نمونه ای که ممدائق و كذلك جعلناک امه وسطا لتکونوا شهداء علی الناس و یکون الرسول علیکم شهیدا " قرار گیرد .

ه : ارشاد و انداز همگانی ، دعوت به خوبی ها و بازداشتن از بدی ها ، اقدام اصولی در راه "امر به معروف و نهی از منکر" که : "ولیکن منکم امه یدعون الی الخیر ، یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر" (آل عمران آیه ۱۱۴) باید از شما امتی باشد که دعوت به خیر نمایند و امر بمعروف و نهی از منکر کنند .

تشکیلات و سازمانهای که یکی از پایه ها و اصول پنجگانه را نداشته

اخلاق و معارف اسلامی

(قسمت ششم)

را که در ذهن و قلب و نیت و عملش میگذرد که مجموعاً ذهن و درون انسان يك دریای موج است، از مجموعه حرفها و اندیشه ها و پنداشت ها . خوب اینها و نظایر آن، باطن انسان است و خداست که این باطن و موجهای او را می داند و درك میکند، و اوست که "يَعْلَمُ مَا فِي الصُّدُورِ" است، صدور را می داند و میفهمد که ما چه فکر میکنیم و چه نیت ها داریم ولی کسی دیگر جز خود ما از آن آگاه نیست . اینجاست که اگر چنین کسی باطن خودش را، اصلاح بکند، و مخفیات و کارهای پنهانی و نیات قلبی خویش را درمصد اصلاح و صلاح برآید، أَصْلَحَ اللَّهُ عَلَانِيَتَهُ... خداوند نیز، ظواهرش را، اصلاح میکند، باری انسان غیر از غوغا های درونی در ظواهر نیز هزاران سخن و مِحَن دارد . هزاران گرفتاری و بن بست و مشکله اجتماعی و فردی و شکست ها و موفقیت ها و مانع ها و رادع ها و مطرح شدن و رخ نمودن همان ها که تا پیشتر ك به صورت نیت ها و آرزو ها و در پوشش خواسته ها و انگیزه ها مطرح بود که حالا هزتك از هر گوشه ای و در هر صحنه ای دهن میگشایند و زنده میشوند... و بستری از نعمت ها و امکانات و برکت ها و کامروائی ها و سلامتی ها و موفقیت ها را، طالبند. و خدا نیز چنانچه که ما، در صحنه ی نبرد های درونی و مخفی و خود سازی پیروزمند بدرآئیم، درین صحنه ی دوم همچنان دست ما را میگیرد و تا قله ی پیروزی نهائی، همراهی مان میکند و در عاقبت به سستی کمال ملاح و اصلاح ظاهری نیز میرساند .

مَنْ أَصْلَحَ ... باز، همان مَنِ موصوله است و فعل أَصْلَحَ ... کسی که اصلاح بکند سریریه ی خودش را، سریره، در مقابل علانیه است، سریره را اگر ما باطن، معنی بکنیم، علانیه را می توانیم به ظاهر تفسیر کنیم، کسی که باطن و کارهای مخفی و نیات قلبی و غوغا های درونی خودش، و بطور کلی هر آنچه را که مربوط به قلب و درون و مخفی کاری های او میشود، اصلاح بکند، أَصْلَحَ اللَّهُ عَلَانِيَتَهُ...

انسان بعنوان مجموعه ی شکفت انگیز و برتر خلقت قطع نظر از خارج و ماوراء خود با خودش نیز رابطه، بل، رابطه هائی دارد. انسان با خودش نیز حرفها دارد، در طول روز و عمر و ماه و سال هزاران چیز در ذهنش میگذرد و هزاران و صدها مسئله و اندیشه را به تصور می نشیند. که چه کار بکنم و چه کار نکنم ؟ چگونه عمل کنم و چگونه عمل نکنم؟ هزاران آرزو، هزاران موفقیت، یاس، پیروزی، گناه، ثواب، عقاب، دغدغه ها، وسوسه ها و هر آنچه

و پیش از اینکه نتیجه ی نهائی از معارف ذکر شده در این کلام مولا را به تبیین نهائی بنشینیم، بد نیست که مشابه و نظیر دیگر این جملات را که به نحوی با الفاظ و تعبیرات کم و بیش متفاوت دیگر، تقریباً همین معارف را بیان میکند، نیز با سرعت مرور بکنیم و آنگاه در پرتو هر دو کلام به کنکاش انواع روابط انسان بحیث موضوع اصلی اخلاق و معارف اسلامی، بپردازیم. و در گوشه دیگری از بحر بیکران معارف مولا به جملات و فراز های زیر بر میخوریم :

"مَنْ أَصْلَحَ سِرِّيَّتَهُ، أَصْلَحَ اللَّهُ عَلَانِيَتَهُ وَ مَنْ عَمَلَ لِدِينِهِ كَفَاهُ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاةٍ، وَ مَنْ أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ، أَحْسَنَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ . " (نهج البلاغه صبحی صالح صفحه ۵۵۱) تقریباً، با بررسی و تحقیقی که روی جملات و کلمات حدیث پیشین کردیم، دیگر، مضمون و محتوای این حدیث و حکمت هم، از پیش برای شما برادران معلوم است .

وَمَنْ عَمِلَ لِدِينِهِ، كَفَاهُ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ
بار و مضمون این قطعه نیز معلوم
است، که همان رابطه دین و دنیا است،
رابطه آخرت و دنیا است که در حدیث
پیشین وضوح بیشتری داشت. کسی که
برای دین، آئین، عقیده، مسلک اجتماعی
- الهی خود به نحو شایسته و بایسته
عمل بکند، یا در صدد عمل کردن و اقدام
باشد، خداوند نیز امر دنیاایش را
کفایت میکند، و پیاپی برکتها و نعمت
ها و خیرات و برکات و سلامتی و
موفقیت ها را، بر او، میبارد و فراهم
می آورد. وَمَنْ أَصْلَحَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ
اللَّهِ ... در حدیث قبل درین رابطه، فعل،
أَصْلَحَ بود درینجا، أَحْسَنَ است و به هر
حال، با همان مضمون و محتوا، کسی که
نیکی بکند، نیک برقرار کند، رابطه ی
خود و خداوند را و در انجام فرایض و
طاعات الهی بجان و ایمان بکوشد و در
همه حال بنده و فرمانبر خدای خود
باشد. أَحْسَنَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ
... خداوند نیز رابطه چنین کس و
شخص را با مردم و دیگران بنحو احسن و
نیک برقرار خواهد کرد.

بیشتر از این درین باره توضیح
نمیده ایم و میکوشیم تا با در نظر داشت
مضمون و محتوای این دو حدیث، مطالب
مهم و اساسی آنها را دسته بندی
کنیم. و قبل از آن لازم است که تذکر
دهیم بر اینکه فراموش نشود که
موضوع اصلی بحث ما اخلاق و معارف
اسلامی و مرکز اصلی این بحث، انسان
و خواسته های اساسی اوست. علیهذا با
همه گیرها و حاشیه روی ها، از اصل
مطلب، غافل نمائیم. از مهمترین
دریافتهای که از این دو حکمت متشابه

و مشابه در زمینه بحث، به دست
می آوریم، انواع روابط انسان هست،
انسان من حیث یک مجموعه شگفت
انگیز و محوری در صحنه هستی و پهنه
طبیعت ...

بر طبق مفاد و محتوای این دو
حدیث و رهنمود های استکمالی دیگر از
دیگر معارف و مبانی مکتب، این موجود
اسرار آمیز و نا شناخته بطور کلی پنج
نوع رابطه در زنده گی دارد و یا باید
داشته باشد. بخصوص تحقق و بفرجام
رسیدن قطعی این روابط در صحنه ی عمل
یک فرد مسلمان موحد، در قلمزم حیات،
نمونه عینی و تاریخی آنرا نیز کاملاً
برملا و اثبات میکند.

اولین رابطه، رابطه انسان با خود و
دنیای درونی خودش میباشد که در حقیقت
زیر بنا و مقدم بر دیگر روابط او با
سایرین می باشد. این نوع رابطه را
میتوان از لابلای آنچه که تا کنون از
کلمات مولا گفته آمد، بروشنی بدست
آورد. بخصوص ازین فرازها: ۱- فَلْيُبْدِءَ
بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ ... ۲- وَ مَنْ كَانَ عَلَيْهِ مِنْ
نَفْسِهِ وَاعِظْ ... ۳- مَنْ أَصْلَحَ سِيرَتَهُ ...
و بطور کلی رابطه ی انسان با خودش
درین جهت ها است: ۱- در جهت
تعلیم و مربی گری ... ۲- در جهت تزکیه
و سرکوبگری ... ۳- در جهت تفکر و
اندیشه ها و استمداد از پیامبر باطنی،
عقل ... و در جهت عام خود سازی.
حضرت علی (ع) در مناسبت دیگر در
باره انسان میگویند: "اتَزَعَمُ أَنَّكَ جَرْمٌ
صَغِيرٌ؟ وَ فَيْكَ أَنْطَوَى عَالَمُ الْكَبِيرِ" ای
انسان می پنداری که تو جرم کوچکی
هستی و حال آنکه عالم بزرگی در زرفشای
وجودت در هم پیچیده است (با توجع

به این مسائل است که بیشترین و اساسی
ترین توصیه ها و تاکید ها در نحوه
برقراری این رابطه ی اساسی در مکتب
ما به عمل آمده است توصیه ها و
تاکید های که بنوعی اصالت و استحکام
این رابطه را در جهت شکل گیری و
انعقاد صحیح و اصولی دیگر روابط
بازگو و تبیین میکند.

در معارف مکتب ماست که گفته
میشود "تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ
سَبْعِينَ سَنَةً" یک ساعته تفکر اساسی و
اسلامی از هفتاد سال عبادت توأم با
بی فکری و بی توجهی، برتر است. و
نیز، مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ.
هر آنکس که خویشتن را شناخت به
معرفت پروردگار نیز نایل خواهد شد.
و هر آنکس که خدای خویش را نیر بد
طور بایسته شناخت در جهت های دیگر
نیز، مسلم موفق خواهد بود. و دیگر
روابط نیز بگونه ی اصلی و اساسی
برقرار خواهد شد.

دومین رابطه ی را که از این فراز ها
می فهمیم رابطه انسان با خداست که
"مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ ... و
سومین رابطه، رابطه انسان با مردم
است "أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ ..."
و چهارمین رابطه آن با دنیا و طبیعت
است ... و پنجمین آن رابطه انسان
با روز بازپسین (آخرت) و ماوراء
طبیعت است که این دو را نیز
از فراز های بعدی جملات مذکور درک
میکنیم: "مَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ أَصْلَحَ
اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ". رابطه چیست؟ رابطه
همان پیوند است و پیوست و نمایی
برقرار کردن ... که آنهم لابد برای
بقیه در صفحه ۶۴

داشت که حضرت امیرالمؤمنین (ع) به آن اشاره فرموده :

"قَالَ اللَّهُ مَا غَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عَهْدِ دَارِهِمْ إِلَّا ذَلُّوا" چقدر جمله زیبا و بااهمیت است که می فرماید : بخدا قسم هیچ ملتی در درون خانه خود مورد هجوم واقع نشد مگر اینکه خوار و ذلیل شد ، تنها ملتی در نبرد با دشمن پیروز می گردد که به استقبال هجوم دشمن کمر همت بندد و

عازم صحنه ای نبرد شود . من خطرهای دشمن را به شما یادآور شدم ، دادزد اما شما به حرف من گوش ندادید از فرمانم اطاعت نکردید "فتواکلتهم و تخالزتم حتی شنت علیکم الفارات" شما در صدد دفع شر دشمن بر نیامدید و هریکی از شما امر "جهاد" و "دفاع مقدس" را به عهده یکدیگر گذاشتید و خودتان بیاعت خذلان و خواری و شکست و نابودی یکدیگر شدید . کار بجای رسیده که بطور مداوم به شما حمله می کنند ، غارتگری ها صورت می گیرد ، اموال و دارائی شما را به غارت می برند ، سرزمینهای تان را تصرف می کند و به زور و غلبه از دست شما می گیرند "مَلِكْتُ عَلَيْكُمْ الْأُوطَانَ"

بهبانه جوئی برای فرار از زیر بار مسئولیت :

در این قسمت از خطبه حضرت امیر (ع) افراد بهانه طلب و عذرتراش فراریان از زیر بار مسئولیت را مورد ملامت و سرزنش قرار داده و بهبانه جوئی آنان را مایه ذلت و زبونی شان دانسته است . این گونه افراد بهانه جو و فرصت طلب ، نه تنها دردوره حکومت علی (ع) وجود داشته اند بلکه در طول تاریخ ادیان الهی بوده اند و هستند و

جهاد

(قسمت سوم)

عواقب ناگوار ترك جهاد

پس از آنکه حضرت امیرالمؤمنین (ع) در اول خطبه چند جمله ای را به عنوان مقدمه مطرح فرمود و طی آن فضل و ارزش "جهاد" مسلحانه را وصف کرد ، مصالح و مفاسد و همچنین جنبه های منفی ترك "جهاد" و گوشه گیری از آن را و ضررهای فردی و اجتماعی و از دست دادن حقوق فردی و اجتماعی آنرا متذکر شد ، شروع می کند به اصل مقصدی که مقدمه برای آن چیده شد .

گزارش به حضرت می رسد که سخت ناراحت کننده و دردآور بوده ، قلب مبارک آن حضرت را برد می آورد لذا اصحاب و پیروان خویش را در کنارش فراخوانده غفلت و سهل انگاری آنرا یادآوری می کند ، از جنایات دشمن آنان را خبر میدهد عدم اطاعت و نافرمانی اصحاب را مورد نکوهش و سرزنش قرار داده و به آنان چنین می گوید :

"أَلَا وَاتِي قَدْ دَعَوْتُكُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَيْلًا وَنَهَارًا وَسِرًّا وَاعْلَانًا" آگاه باشید که من شما را شب و روز پنهان و آشکار به جنگ و مبارزه این قوم (یعنی معاویه و پیروانش) دعوت کردم "وَقَتُّ لَكُمْ" به شما گفتم : اَعَزُّوهُمْ

قَبْلَ أَنْ يَغْزَوْكُمْ" به سراغ دشمن بروید و آنان را مورد هجوم قرار داده با آنان بجنگید پیش از آنکه آنان به شما حمله ور شوند و بجنگند قبل از آنکه دشمن دماغ شما را بخاک بمالد شما دماغ دشمن را بخاک بمالید یعنی حضرت میخواهد به پیروان خود بفهماند که ملت مسلمان هیچ گاهی از خطرهای و ضربتهای سیاسی و نظامی دشمن غافل و بی خبر نباشد ، باید همیشه بیدار و هوشیار باشد از توطئه ها و نیت پلید دشمن در عالم جهل و نادانی و ساده لوحی و خوش باوری بسر نبرند تا دشمن بیدار و زنگ غافلگیر نکند و ضربات هلاکتبار خویش را بر پیکر جامعه ای اسلامی وارد نسازد . اصلاً نباید این مهلت را به دشمن داد که به فکر تجاوز و غارتگری بیفتد . وقتی که احساس ناامنی و نا آرامی از سوی دشمن مشاهده شود و دشمن را آماده هجوم ببیند در حمله و نبرد علیه آن پیشدستی کند زیرا اگر در حمله نبرد با دشمن ، سبقت نجوید و منتظر آن باشد که اول حمله از طرف دشمن صورت بگیرد تا دشمن بدر منزل نیامده دست به اسلحه نزند ، چنین فکرو اندیشه ای از نظر اسلام محکوم و مردود بوده و آینده خطرناکی را بدنبال خواهد

خواهند بود که برای گریختن از زیر بار حق و زمینه سازی برای زندگی راحت و پر از عیش و نوش یکسری مسایل دشوار و یا ناممکن را خواسته و عمل شان را معلق به آنها می کند قانون و برنامه آسمانی را که برای همه انسانها ست طبق میل و خواست خود شان می کنند تا با این خواست شان اصل برنامه را لغو کنند از همین افراد بهانه طلب بودند که معجزه پیامبر اکرم (ص) را انکار می کردند و می گفتند:

"وَقَالُوا لَوْ لَا يَأْتِيَنَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ" سوره طه آیه ۱۳۳.

چرا پیامبر (ص) معجزه از سوی پروردگارش آنچنان که ما می خواهیم نمی آورد و حتی پس از مشاهده معجزه باز هم به کفر و انکار حق ادامه دادند تا اینکه عذاب الهی دامگیر شان شد و همین بهانه جوئی شان بود که سبب هلاکت و نابودی شان گردید.

بهر حال افراد بهانه جو مردمی حق طلب نیستند بلکه همیشه در فکر توطئه و کارشکنی بوده حتی اگر حق جلو چشمان شان همانند نور روشنائی دهد باز هم عمل نمی کنند و لذاست که خداوند می فرماید: "وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْ لَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى"

سوره طه - آیه ۱۳۴. خداوند میفرماید اگر ما اینها - یعنی افراد بهانه طلب را پیش از نزول قرآن و آمدن پیامبر اسلام (ص) مجازات و هلاک می کردیم در روز قیامت، باز دست از بهانه جوئی بر نمی داشتند و می گفتند: پروردگار چرا پیامبری برای ما نفرستادی، تا از آیات پیروی می کردیم پیش از آنکه ذلیل

و رسوا می شدیم ؟

ولی اکنون که این پیامبر بزرگ با این کتاب با عظمت به سراغ هدایت آنها آمده هر روز سخن می بافند و بهانه می تراشند. خداوند به رسولش می گوید: به آنان اخطار کن و بگو همه ما و شما در انتظاریم "فَلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ" ما انتظار عذاب الهی را درباره شما داریم و شما هم در انتظار این هستید که مشکلات و مصائب دامگیرتان بشود و حالا که این طور است در انتظار باشید "فَتَرَبَّصُوا"

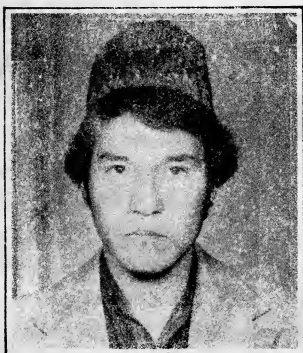
هر قدر تاریخ را ورق بزنیم مصادق سخن امیرالمؤمنین (ع) روشنتر میشود که می فرماید: هیچ ملتی در درون خانه خود مورد هجوم واقع نشد مگر اینکه خوار و ذلیل شد و اگر پیروزان حضرت امیرالمؤمنین (ع) مورد هجوم و تجاوز ارتش معاویه قرار می گیرد نتیجه مستقیم آن سهل انگاری افراد بهانه جو و راحت طلب است، وجود اینها است که مایه خواری و ذلت جامعه که تحت قلمرو حکومت علی (ع) زندگی می کنند، شده است. همین بهانه جوئیها و سخن باف های پشت پرده بود که مایه ذلت و خواری هلاکت و نابودی بنی اسرائیل گردید پس از آن که خداوند دوزخ و غذای خوب و مرغوب، "مَنْ" و "سَلَوَى" را برای بنی اسرائیل عطا فرمود. ولی آنان چون افراد بهانه جو و توطئه گر بودند به این دوزخ از غذا اکتفا نکردند از پیامبر شان، موسی (ع) خواستند که: از خداوند خود بخواهد که برای آنها گیاهان و نباتات دیگری بیافریند. این تنوع طلبی در غذا بخاطر این نبود که آنها از خوردن غذای همچون "مَنْ" و "سَلَوَى"

خسته شده باشند بلکه بخاطر بهانه طلبی و بدست آوردن راه فرار از زیر بار حق بود تا با این خواسته های شان موسی (ع) را اذیت کنند و وادار کنند که دوباره به مصر برگردد و دست از دعوت آنان بردارد و بخاطر همین بهانه جوئی و کفران نعمت بود که خداوند آنانرا مستحق خواری و ذلت گردانید چنانکه قرآن کریم میفرماید: "وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَا يُعْصَبُ مِنَ اللَّهِ" سوره بقره آیه ۶۲ - ۶۰. مهر ذلت و خواری بر آنان زده شد و به خشم خداوند باز گشتند.

همین انسانهای بهانه جو و تن پرور بودند که بخاطر ضعف روحی و زبونی که در اعماق روح و بدن شان نفوذ کرده بود وقتی که موسی (ع) به آنان دستور میدهند که وارد سرزمین بیت المقدس شوید با دشمن بجنگید صریحا "و با کمال بی شرمی پیامبران: موسی (ع) را مورد خطاب قرار داده و گفتند: ما، تا زمانی که آنها یعنی دشمن، در این سرزمین یعنی بیت المقدس هستند هرگز وارد آن نخواهیم شد. تو و خدایت که بتو وعده پیروزی داده بروید با دشمن بجنگید و ما در این جانشسته ایم هنگامی که پیروز شدی بما خبر بده. "قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبِّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَهُنَا قَاعِدُونَ" سوره بقره آیه ۶۱ - ۶۲. این چند تا نمونه ای از خصیصه ای انسانهای بهانه طلب و تن پرور بود که از قرآن کریم به عنوان شاهد توضیح بیشتر سخن امیرالمؤمنین (ع) متذکر شدیم.

ادامه دارد

شهدای انقلاب اسلامی



حیدر علی امامی از شهدای انقلاب



عبدالرحیم از ولایت قاریاب



رسول تورید آقا محمد از چهارجولک



محمد نادر فرورد محمد ظاهر از ولایت غرزی

خون ناپ

بیا که از دل هر سبزه خون ناپ چکد
 شمیم لاله خونین چو شک ناپ سحر
 به دژه دژه این خاک آتشی، دگری
 مر شک لعلو شان بر فراصحن چمن
 بیط سبز چمن عشق هر حسنه اطلبید
 طنین تیغ مجاهد بلند تر ز سحاب
 به قلب گیتی شکون به از نیره نور
 مرقن است نگارین کلام غازی مرق
 سوار سرخ شص از نقاب تا فلق
 چو زاله مست و درخشان بیچ و تاب چکد
 نیم صبح ظفر چو شمیم آب چکد
 زانک خنوم متاب التهاب چکد
 به بارش آمده باغ ترش و شتاب چکد
 چو از قضای دیگر شور بی حساب چکد
 به رقص در دل طلعت چو آفتاب چکد
 به فرق شام سیه حسن شهاب چکد
 به خون لاله که از آتش نداب چکد
 طناب نورکش در بعله و ش جواب چکد

بکام کودک مهید، قطره قطره نور ...

ز برق تیغ شرم بار ماه خواب چکد

شفق

ارسالی

یاد وطن

دوریم گر امروز زملک و وطن خویش
چون شمع بسوزیم برون زانجمن خویش
نی همنفسی تا نشود نالهء من را
نی همنفسی تا که بگویم سخن خویش
آوارگی و بیکسی و فرقت احباب
دیگر چه بگویم به تو از سوختن خویش
این آتش دل را به زبان ناورم از ترس
کز شعله نسوزیم زبان و دهن خویش
هر مرغ کشد پر بهوای سر کویش
هر آهو خرامنده به دشت و دمن خویش
امروز گر از جمع عقابان همه رفتند
کی گرد هم آئیم به زاغ و زغن خویش
مردان خدا در ره دین از سر اخلاص
ایثار نمایند سر و مال و تن خویش
نازم به مجاهد که بتازد بروی خصم
با مشت گره کرده و دندان شکن خویش
فخر دو جهان است مرا گر بخط سرخ
از خون شهادت بکشم بر کفن خویش

می درخشد جام گلگون شفق
گشته جوشان ، جام پر خون شفق !
گلبرخان ، در بیکران زندگی
یک به یک گردیده اند افسون شفق
ذوق بلبل عطر گل شور سخن
بر شدند ، تا بام و گردون شفق
عشق لیلی شور دیگر یافتست
از پی صحرا و مجنون شفق !
بارش خون رویش خون جامه گان
کرده مشک اندوده مضمون شفق
جنب و جوش و جلوه ها را بر نگر
از در و دیوار و هامون شفق
بار دیگر نعره زن کف بر لباست
رود خون آلود و جیحون شفق
عشق و شور و شعر و خون و درد دل ،
گشته اند ، یکباره معجون شفق
ناله ها و نغمه چنگ و رباب
هم چنان باشند ، مدیون شفق
با لبان نازک دل ، غنچه ها ،
سرکشند ، بس جام میگون شفق
خرم و سر زنده بادا تا ، همیشه
بام و جام و نام میمون شفق

مهمبار آزادی

بجان ترانه خون در مهب آزادی سرودست قیامت، نهار آزادی
 ز دهنه خیر و پیاشونای عشق هری گهر نشان ز غزل رسکدار آزادی
 چو زده پرکش در طبع روشن صبح برقص و عثوه شوند غب آزادی
 شراب ناب نوش از لطافت دم گل چو لاله بار دیگر شو جگر آزادی
 نگر که از دل ظلمت جگر شعله جد ز چرخ هم شده برتر شرار آزادی
 نگر که قافله پست سر صفا در صف شدند بر سپر اندد دیار آزادی
 ز شری تا به تریا تر مابت و سیاه به یک زبان همه گویند شعار آزادی
 ز بی جهان پر از عشق و دوستی و نور خوشاست در طرب در دمار آزادی
 گذشت غلظت ایام و سخت شب جو فراسید دیگر باره، بار آزادی
 شکافت مینه شب با هجوم نیره نور شگفت صبح طغیان کرد آزادی
 سلام و رحمت حق بر روان آنان با که با خنده و جان دمار آزادی
 بزرگسبید این نه رواق مینو فام نخبسته باد و مبارک است آزادی
 ز خون سرخ شیدان جاره خرم با به زرش سبز چمن بگلزار آزادی
 شگوه شمع دگر باره رنگی دیگر یافت که شد طراز نوین، با عیب آزادی
 چو لاله داغ بدل گشته شاعر شیدا چو مغان چمن و اعن دار آزادی

خوشا ولی که در آن نیست جز سرودش

به تقدیر غمیه از شکار آزادی

تا آخرین نفر مقاومت

(داستان آخر)

در هوا بال و پر میزدند و هر بار بمب و موشک بسوی مجاهدین پرتاب می نمودند آنهاثیکه در دره پناه برده بودند چیزی از بیرون نمی دانستند و باخوف و اضطراب با قلبهای شکسته به راز و نیاز مشغول بودند، گوئی فرشته گان آسمان به زمین آمده پروردگار سبحان را تسبیح میکنند . چند روز و شب بدین منوال گذشت و کسی خبر و گزارشی از جبهه و نبرد نداشت و همه منتظر بودند که احوالی از این درگیری بدست شان برسد تا مطمئن گردند که فرزندان شان در چه حالی بسر میبرند. چشم ها به بیرون دره دوخته شده بود که از دور سیاهی نمایان گشت و هر کس بر چشمان خود فشار میداد تا زود تر از دیگران تشخیص دهد که این سیاهی چیست و کیست، دقایقی بعد چهره روحانی نمایان گشت که از فرط خستگی و گرسنگی یارای قدم برداشتن ندارد و با لباس ژولیده و چهره گرد و خاک گرفته و رنگ از رخ پریده بدره نزدیک و مردم و کسانی که از نزدیکتر بودند، سلام فرستاد . لختی درنگ کرده و بعد موسفیدان قریه را بدور خود جمع نموده و رو بسوی محل نمودند که علی کر بلائی آنجا را بعنوان خانه برای خود انتخاب کرده بود . مادر جواد که از دور حرکت مردم را بسوی خانه دید و از آن گذشته چهره روحانی ده هم در بین شان بنظر میرسید به حدس و گمان پی برد که یگانه فرزند پسر او جواد نیز بشهادت رسیده، چون آمدن روحانی با این وضعیت شباهت تام و تمام به آمدن قبلی داشت که خبر شهادت دو فرزند او را آورده بود، هر طوری بود خود را کنستروال

بدر آورده بود و محیط دره را روشن می سازد، هنوز نور آفتاب مستقیم بدره نتابیده بود و هنوز کودکان معصوم در خواب صبحگاهی بسر میبردند و دره ساکت و آرام بنظر میرسید که ناگاه صدای انفجار توپ، هاوان و شلیک تیربار ها و غرش طیاره ها و حرکت تانکها سکوت دره را به هم شکست و لرزش در تمام دره افتاد. بوی باروت که از انفجار بمب ها و لوله های توپ بهوا پراکنده میشد، بخوبی استشمام میشد . درگیری آغاز شد، چون شیرمردان کوه بابا و آزادگان خداجوی این خطه مرد خیز حملات دشمن را بی پاسخ نگذاشته، با تفنگ تک تیر، حتی موش کش و چهرای خویش تکبیرگویان بر دشمن متجاوز یورش آوردند، هرچند پیکره شان به اثر اصابت پاره های بمب که از آسمان به زیر می آمد پاره میشدند ولی باز هم به مقاومت خود همچنان ادامه میدادند در دره صدا ها به سینه خفه شده بود، صدای مهیب، کودکان را از خواب پرانده هر کدام مبهوت و حیران به رخسار مادران خیره شده بود که اشکهای شان چون مروارید بگونه ها می غلطید. طیاره های جت و میگ ها و هیلی کوپتر ها چون کرکسان لاشخوار

شب تاریک و ظلمانی بود، ابر های سیاه و تیره روی آسمان را پوشانیده و نم نم باران می آمد، آهسته آهسته باد های شدید بهاری نیز وزیدن گرفت، لباس های مردم متواری از ده باثر بارش باران تر شده و کم کم کودکان احساس سردی میکردند، گوئی همه چیز و همه موجودات عالم با این ملت مظلوم که سلطه بیگانه را نمیخواهند سر دشمنی دارند. با اینحال در دره نزدیک ده پناه بردند، آواز کودکان و صدای پای اسپان و الاغ ها در درون دره می پیچید و در آن دل صدای نهیب و وحشت آوری از عمق دره بگوشها طنین می افکند . شب پر مخاطره و اضطراب انگیز بود، هر يك با خانواده خویش در گوشه ای خزیده زمزمه های را سر داده، تعدادی قرآن میخواندند، تعدادی دست به دعای توسل برداشته و تعدادی هم گریه و زاری میکنند .

سیاهی شب به پایان میرسد، شفق در دامن سرخگون افق از مشرق عالم نمایان میگردد، صحنه گیتی کم کم روشن میشود و آفتاب روشنائی بخش سر از پشت کوه های سر بفلک کشیده بابا و هندوکش

نمود و اختیار از دست نداد، مردم کنار کربلائی نشستند و پس از احوال پرسی و گزارش جنگ، روحانی ده لب به سخن گشود و از مبارزه امام حسین (ع) و مصیبت جوان ناکام علی اکبر شهید و داغ دل لیلای حرفی به میان آورد و از فرزندان کربلائی بتعریف و تمجید پرداخت و مقام شهدار را تشریح و توضیح داد که پدر جواد متوجه قضیه شد و قبل از آنکه روحانی خبر شهادت را اعلام دارد، کربلائی با صدای بلند شکر خدای بر جا آورد، مادر جواد که حدس و گمان را به یقین نزدیک دید با دست و پای لرزان از جا بلند شد و با چشمان اشک آلود و گریه وزاری گفت: خدا یا! این قربانی را از ما به کرمیت قبول کن. من هم مثل بی بی ام زینب فرزندانم را قربانی تو نمودم و بعد صدایش قطع شد و آهسته آهسته گریه میکرد و مردم هم سرازیر جیب بالا آورده بطرف کربلائی علی و زن او خیره شده بودند که مادر جواد دستان لرزان خود را به جیب فرو برد و کاغذ محال شده را بیرون آورد و بطرف روحانی ده پیش نمود. این ورق پاره وصیت نامه جواد بود که قبلاً نوشته شده و به مادر سپرده شده بود. روحانی با حالت گرفته دست بسوی مادر جواد دراز کرد و نامه را گرفت و به چشم مالید با گریه چنین بخواندن وصیت نامه آغاز کرد:

بسمه تعالی

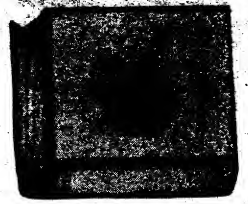
این جانب جواد ولد علی کربلائی شهادت میدهم که خداوند (ج) یکی و بی همتاست، شریک ندارد، قدیم و ازیلی است پیامبر فرستاده او و خاتم پیامبران است، حضرت علی و یازده فرزند او

خلیفه بلا فصل پیامبر بزرگ اسلام بسوه که آخرین آن حضرت مهدی (عج) است که هر وقت خدا بخواهد ظهور میکند و دنیای را که پر از ظلم و بیدادگری شده باشد بعدل و داد مبدل میسازد. من هم بنابت کلیف شرعی و مسئولیت انسانی و اسلامی خویش به جبهه شتافتم تا دین حق را یاری دهم و سلاح دو برادر شهیدم را به زمین نخواهم گذاشت مگر اینکه سرخ رو پیشت مولایم حسین (ع) بشتابم لذا از عموم دوستان و آشنایان تقاضا دارم که بعد از من هیچگاه جبهه را خالی نگذارند و نگذارند که تفنگم بزمین بماند. دل به زندگی چند روزه و پر زرق و برق دنیا مسپارید که مرگ حتمی است و روزی همه را فرا میرسد پس چه بهتر که در راه اسلام و قرآن شهید شویم. مرگ شرافتمندانه را استقبال نمائیم. مادرم زنی صبور و متدین است و خودش بهتر از من میداند که پدرم نیز به ارزش شهادت واقف است. پس از والدین گرامی خواهشمندم که مرا حلال کنند و بر کوتاهی هایم قلم عفو بکشند. والسلام علیکم ورحمة الله...

مردم که سراپا گوش، وصیت نامه را استماع میکردند، عکس العمل مادر و پدر جواد را در نظر داشتند که اصلاً صبر را از دست نداده همچنان مقاوم و استوار بنظر میرسند، کاملاً منقلب شدند و ناخن حیرت بدنشان گزیدند. همه چون جسم بی روح بطرف زن و شوهر چشم دوخته بودند که این موجودات مقاوم چه میگویند. درین فضای سکوت زن رو به شوهر کرد و گفت: بیا تو هم به جبهه برو، از دیسن و

ناموس و وطن دفاع کن و هنوز حرف زن پایان نرسیده بود که روحانی زمینه را برای تبلیغ و بسیج و تهییج مردم مساعد دیده لب به موعظه گشود و واجب بودن رفتن به جبهه را بنیاز و ضرورت جبهه به مردم ده تشریح کرد. حرف زن و موعظه روحانی چنان بروحیه مردم اثر گذاشت که در همان روز بیش از سی نفر خود را آماده جنگ علیه روسیه نمودند و رو به سوی جبهات نهادند.

زنان ده طبق مرسومات سنتی حاکم بر جوامع اسلامی دور مادر جواد گرد آمدند تا مرگ فرزند او را تسلیت گویند، اما مادر جواد بکسی فرصت نداد تا کسی مخته (نوعی گریه که در مرگ جوان صورت میگیرد) کند و با فریاد بلند ندا سر داد که ای خاک بر سر ما! مجاهدین گرسنه نشسته، ما گریه میکنیم. بیائیم زود نان بپزیم و به جبهه بفرستیم. با این ندا زنان قریه همگی مشغول پختن نان شدند و مادر جواد هم مشغول خمیر و نان شد و با خود زمزمه میکرد واشک میریخت و میگفت: ... تا آخرین نفر مقاومت این بود گوشه ای از بحر موج مقاومت و شهادت مردم دلیر و خداجوی افغانستان باشد تا با یادآوری این گونه ایثارها و فداکاریها تحرك و شورش در قلب های بی روح و مرده ما آوارگان در دیار غربت ایجاد شود و رو سوی جبهات گذاریم. این گوشه ای از کتاب حماسه آفرین ملت مظلومی بود که با خون خود دشمن را بزانو درآورده، اما هنوز برای مردم جهان نشناخته و نا آشنا باقی مانده است.



سه سال از عمر حبل...

گذشت

فصل اول : چگونه ایجاد و انگیزه
انتشار حبل ...

واضح و روشن است که انقلاب اسلامی مردم ما بطور تحمیلی شروع شد (با اینکه ما هیچگاه قیام پنجشیر را در زمان داود شاه انکار نمیکنیم ولی واقعیت این است که هرگاه کودتای روسی هفت ثور به وقوع نمی پیوست، هر چند ایجاد انقلاب دور از امکان نبود ولی زمان آن بدون شك چندین سال وقت و زمان لازم داشت تا ذهنیت جامعه روشن شود. شاهد مدعای ما همین مطرح شدن ظاهر خائن در شرایط فعلی انقلاب است.) و در جریان تند و شتاب آلود خود دچار يك سلسله نارسائی ها و دشواری های ناگواری نیز گردید که بدون شك هر انقلابی به آن روبرو می شود، ناپود و یا به انحراف کشیده میشد. اما انقلاب اسلامی ملت مظلوم ما از فیض و برکت پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری رهبر خردمند عالم اسلام امام خمینی و شهامت و پایداری ملت شجاع خویش از این پیچ و خم ها خود را سالم بدر آورده و تا حال چنین استوار و سرافرازانه به پیش می تازد، امیدواریم در آینده هم چنین باشد. ولی علیرغم این موفقیت ها و رشادتها، حوادث و رویداد های دلخراشی را نیز انقلاب از آغاز تا کنون پشت سر گذاشته و تجربه کرده که یادآوری آن نه تنها تاثیر آور و احساسات برانگیز است که حتی به آبروی تعدادی نیز برمی خورد، چون آنروز یا واقعا نمی فهمیدند و یا تعمدا طبق دستورات و برنامه های دیگران عمل

تهیه و تنظیم نمایند .
از اینرو این وظیفه سنگین را به دوش ناتوان نگارنده گذاشته اند که چون همیشه با نامه ها و اعتراضات خوانندگان سر و کله می زند، اینکار را نیز باید طبق نیاز انجام دهد. گرچه این کار واقعا از صلاحیت يك پاسخ دهنده خارج است ولی چاره ای جز قبول این پیشنهاد وجود نداشت. با این حال تصمیم گرفته شد تا آنجا که صلاحیت کاری اجازه میدهد و بار مشکلات کمرا خم نمیکند به انجام این مهم پردازیم. برای سهولت کار خود و جلوگیری از خستگی و دلزدگی خوانندگان عزیز مطالب مورد نظر را به چند بخش تقسیم کردیم که عبارت اند از :

فصل اول : چگونه ایجاد و انگیزه انتشار مجله .

فصل دوم : مشکلاتی که حبل ... پشت سر گذاشته است .

فصل سوم : کاری که حبل ... انجام داده است .

فصل چهارم : حبل ... و مردم .

به بهانه سومین سالگرد انتشار مجله حبل ... در نظر داشتیم، حوادث و مشکلاتی را که حبل ... پشت سر گذاشته، موفقانه و سربلند در کنار سایر نشریات افغانستان به حیات خود ادامه میدهد به رشته تحریر درآورده به خوانندگان عزیز و علاقمند تقدیم نمائیم. اما همکاران ما که واقعا قدم بقدم ما را در روزهای سخت و دشوار و عدم تجارب کافی در امر چاپ و نشر و از سوی دیگر اعتراضات و انتقادات گاهی سازنده و آموزنده و گاهی هم مغرضانه و تخریبگرانه، یاری رسانده و هیچگاه ما را تنها نگذاشته اند، پیشنهاد نمودند که علاوه بر جمع بندی شیوه کار و بررسی مشکلات، لازم و ضروری می نماید که نظریات خوانندگان نیز بررسی و گردآوری شود تا علاوه بر مسئول پاسخ به نامه ها تمامی همکاران قلمی و فنی نیز به خواسته های مردم بیشتر آشنا گردند تا بتوانند نیشته ها و مقالات شان را به اساس ضرورت و نیاز جامعه و طبق خواسته و نظریات خوانندگان گرامی

می‌کردند .

با اینکه افغانستان مظلوم از نگاه سطح فرهنگی چون مسائل دیگر اجتماعی - سیاسی - اقتصادی - نظامی بحد بسیار پائین قرار داشت، ولی تا این حد که در جهان مطرح شده و خورشی تبلیغاتی از آن ساخته اند نبود . چگون جامعه افغانستان با وجود عقب ماندگی ها ، جامعه سنتی - مذهبی است و کودکان افغانستان از همان دوره های اولیه زندگی با واقعیت اسلام و مذهب آشنا می‌شوند ، اصول دین و پنج بنای مسلمانی را از نزد مادر و پدر می‌آموزند . حالا درك شان از آن تعلیمات اولیه تا چه اندازه ای است از بحث فعلی ما خارج بوده به وقت طولانی تری نیاز دارد و آنچه حایز اهمیت است همان فراگیری سواد به اشکال مختلف از جمله مکتب خانه های غیر رسمی بود که این قشر از باسوادان هیچگاه در شمار آمارها نیامده است .

دشمن استعماری با استفاده از خصلت مذهبی جامعه و با در نظر داشت عدم آگاهی کامل ملت از طرح ها و برنامه های خرابکارانه استکبار جهانی در بدبین ساختن مردم به مدارس و مکاتب دولتی ، نقش عمده ای را ایفاء می‌نمودند . با اینکه دولتها و حکومت های وقت نیز طبق دستور ارباب روش ضدیت با فرهنگ ملت را همچنان دنبال می‌کردند ولی بیشترین سهم را در عدم رجوع جوانان و نوجوانان بسوی مکاتب دولتی را تبلیغاتچی های بی‌مزد استعمار به عهده داشتند و دولت های تبعیض طلب نیز از این فرصت استفاده کرده ، به بهانه هائی از احداث و راه

اندازی مکاتب در شهر ها و ولسوالی ها و دهات خود داری می‌کردند ، مردم هم این روش دولت را به فال نیک گرفته با دادن رشوه ، ابتدا از ایجاد مکاتب در شهر و ده خود جلوگیری می‌کردند و اگر این کار امکان نداشت لاقول فرزندان خود را از مکتب رفتن باز میداشتند .

در اینجا باید با حزم و احتیاط سخن گفت چون تعدادی سخت ناراحت میشوند ولی با آنهم نمیتوان از این واقعیت تلخ تاریخی چشم پوشی کرد و این درد کشنده را همچنان در قلب ها نگهداشت و آن اینکه تمامی نقاط افغانستان محروم و عقب مانده است ، پس چطور دولتها صرفا توجه به نقاط جنوب شرقی کشور میکنند ، گذشته از موسسات صنعتی ، حتی در ننگرهار دانشگاه ایجاد میشود در حالی که در بسیاری ولایات حتی لیسه های به آن صورت وجود ندارد . در حالیکه ننگرهار نه از نگاه موقعیت جغرافیائی و پیدوار زراعی و صنعتی از دیگر ولایات برتری دارد و نه هم آنقدر از مرکز فاصله دارد که لاقول توجه دوری از مرکز برای دولتمردان مزدور وجود داشته باشد ، اگر صرفا کوهستانی بودن منطقه را در نظر داشته باشند ، بهتر بود در بامیان ، ارزگان ، غور ، غزنی و بدخشان دانشگاه ایجاد میشد و اگر هم پیدوار و زراعت مطرح بود باید بلخ و قندوز و هرات محل دانشگاه انتخاب میشد که نسبت به جلال آباد از کابل فاصله بیشتری دارند .

هر چه بود و گذشت ، ملت مسلمان افغانستان در فقر تمام عیار فرهنگی به سر می‌برد و امید ایجاد يك انقلاب

فرهنگی در گذشته ، چندان نزدیک بنظر نمیرسید و حالا هم قضیه بدان منوال قرار دارد . مخالفت توده عوام بامدارس دولتی و حتی سرلختی جوانان پسر ، چیزی نیست که از آن چشم پوشی کرد و آنرا در عقب افتادگی فرهنگی دخیل ندانست . در بسیاری جا ها سرلخت بودن حتی برابر با کفریت محسوب می‌گردید و آدمهای سرلخت را اروس (روس) میگفتند . چون از دیر زمان ملت ما روسها را بعنوان کافران سر سخت و دشمن خونی اسلام میدانستند لذا کسانی که کلاه نمی‌پوشیدند و لنکی نمی‌بستند در نظر شان برابر با کفریت بود ، کمتر کسی یافت میشد که با سرلخت نماز بیخواند .

با این وضعیت و با این برداشت از اسلام و جامعه ، در شرایط بحرانی افغانستان کودتای مارکسیستی تره کی به وقوع پیوست و مردم که قبلا از مکاتب دولتی و سرلختی ناخوشنود بودند این بار واقعا با وحشیان از این قماش روبرو شدند . مردم مشاهده کردند که خلقی ها علنا به مساجد توهین میکنند قرآن ها را می‌سوزانند ، به تمامی مقدسات مردم دشنام میدهند ، در برخی نقاط علنا دست تجاوز به ناموس ملت زدند ، گذشته از کشت و کشتار و زد و کندها ، اینگونه اعمال وحشیانه و غیر انسانی بیش از پیش احساسات مذهبی و اسلامی ملت را تحریک کرد و رفته رفته بقیام همگانی و انقلاب مبدل ساخت .

انقلاب آغاز شد اما با يك حالت گرفته و خشم آلود علیه همه چیز . ویرانی و ویرانگری شروع شد ، مکاتب تخریب و به آتش کشیده شد ، تعدادی از

همزمان با این فعل و انفعالات دسته‌های مرموزی بیرون آمد و جو ضد گروهی به حدی حاد شد که حتی گروه داشتن و در گروه بودن برابر با شرک تلقی میشد و ضد گروهی بودن افتخار و علامت مسلمانی. شگفتی هم در این بود که در آن فضای مسموم و ضد گروهی گروه‌هایی به دست یاری و همکاری همان مدعیان مخالف گروه چون سمارق می‌روید و چون کدو به گل می‌نشستند.

رویش بی رویه گروه‌های ذره بینی و سمارق گونه نه تنها سودی به خلاقان گروه‌های ذره بینی نداشت که بر عکس حساسیت افراد گروه‌های دیگر را نیز برانگیخت، این حساسیت‌ها به حدی حاد و داغ بود که عنقریب از حزب و سازمان بتی ساخته شود تا تعدادی از اعضا بدون چون و چرا بپرستند و برای تعدادی بوالهوس و استفاده‌چی همچون سرای بی‌برنامه بود که هرگاه با پیشانی ترش با ایشان برخورد میشد، بلادرنگ به گروه رقیب رفته آهنگد نبرد سر میدادند. مبارزه فرهنگی خود به خود تحت تاثیر قرار گرفت و به سوی نابودی و قهقرا حرکت مینمود و هنوز هم در حرکت خود ادامه میدهد. تمامی هم و غم گروه‌های اسلامی هموطن به سوی نبرد مسلحانه و تبلیغات صرف به نفع گروه خود معطوف گردید. در این میان خیلی از کسان و خوانندگان بودند که که از نشریات گروه‌ها استقبال میکردند و نه هم نشریه‌ای وجود داشت که واقعیت‌ها را بدون طرف خاصی به دست انتشار بسپارد.

اینجا بود که دست اندرکاران

دیگر مردم را به جان هم انداختند، هر چند که بسیاری شان خود نیز جان سالم از معرکه بیرون نبردند. ولی ضایعات و خسارات وارده چیزی نیست که به این زودی‌ها جبران شود. آنهاییکه قبل از این گیر و دار و یا مقارن با آن از مهلکه جان سالم بدر برده و به خارج فراری شدند با ذهنیت‌های گوناگون و برخورد‌های مختلف وارد فضای باز خارج گردیدند. انقلاب اسلامی ایران که به تازگی به پیروزی رسیده بود و هنوز کنترل‌چندانی به تمامی نشریات و نبشته‌ها نداشت، در حالت تعارضات فکری و جنگ عقاید بین گروه‌ها و احزاب بسر می‌برد. طبق سنت حاکم بر جوامع بشری و انقلابات، کپیبه آنچه در ایران وجود داشت در افغانستان هم به وجود آمد و درگیری در خارج و داخل کشور ما نیز شروع شد. اما با این تفاوت که نبرد فرهنگی در ایران لااقل پنج‌ساله سال سابقه داشت و در افغانستان تازه شروع میشد. واضح است اگر ضربه زدن و ضربه خوردن در ایران اسلامی از این ناحیه بواسطه انگشت صورت میگرفت بدون شک در افغانستان انقلابی و بین افغانستانی‌ها در خارج حتما مشت و لگد استعمال میشد با پا گرفتن نظام جمهوری اسلامی و برچیده شدن بساط گروهک‌های ضد انقلابی ایران بساط هموطنان ما هم که چون اغلب کپیبه‌ای بودند برچیده شد و جز چند نشریه محدودی که اهداف و خط و مشی گروه خاصی را دنبال میکردند، بقیه رخت از این دیار بر بسته، یاب‌به قبرستان تاریخ مدفون شدند و یا اینکه راه اروپا و دیار غرب در پیش گرفتند.

دانشجویان و دانش آموزان و یا به طور ساده تر بگوئیم طبقه‌ای از سرلخت‌ها اعم از مارکسیست و مسلمان به آتش خشم ملت سوختند. کنترل‌تول تشکیلاتی و حزبی وجود نداشت هر قومندان خود هم قاضی بود و هم قانون، آنگاه به وضعیت آنروز پی خواهیم برد که بدانیم یکی از احزاب پر قدرت بطور شفاهی به قوماندانان خود دستور داده بود که هر چه سرلخت یافتید بکشید و منطق‌شان هم این بود که اینها وطن را به روسها فروخته، آنهاییکه مسلمان است به بهشت میروند و آنهاییکه کمونیست اند به دوزخ میروند. در حقیقت اینها خود را هم مالک دوزخ و هم مالک بهشت میدانستند. در کنار این قشر اقشار دیگری هم دست به قیام زده و انقلاب را همگانی ساخته بودند ولی بافت جامعه طوری بود که بیشتر خرابکاران در بین مردم بعنوان مجاهد و انقلابی مطرح می‌شدند و آنهایی که دم از مبارزه فرهنگی می‌زدند بعنوان‌های مختلف کوبیده می‌شدند از جمله تعدادی از این مدعیان جهاد، الاغ‌شانرا در وقت آواز سردادن با چوب میکوبیدند و میگفتند اینها (الاغها) فرهنگ میخوانند! عواقب اینگونه برخورد‌های ناشیانه را در سالهای بعد از ۱۳۶۰ در سراسر افغانستان بوضوح مشاهده کردیم، ملت تاوان جبران ناپذیری را بخاطر همان ساده اندیشی‌های گذشته که روغن زرد داده فرزندان شانرا از مکاتب اخراج میکردند، متحمل شدند. در این میان برنده آنهایی بودند که دیروز به خاطر تشویق و ترغیب مردم بسوی بی‌سوادی جیب پر میکردند و امروز به عنوان

حبل ۱۰۰۰ با درك شرایط موجود و مسئولیت اسلامی و انسانی خویش پا پیش گذاشتند و رسالت دار ایمن مسئولیت خطیر شدند و انگیزه انتشار مجله را در ۶ قسمت (از شماره اول تا شماره ۸ و ۹) تهیه و انتشار دادند که خوانندگان عزیز میتوانند جهت آگاهی بیشتر به شماره های فوق الذکر مراجعه کنند و اما اینکه چه وقت حبل ۱۰۰۰ شروع بکار کرد باید بگوئیم، اوائل سال ۱۳۶۲ بود که هسته کادر فنی حبل ۱۰۰۰ بوجود آمد و تا تیر ماه همان سال بطور خیلی ساده و ابتدائی به کار انتشارات آشنائی یافتند. در این مدت که کادر های فنی مشغول فراگیری شیوه و روش کار آموزی بودند، کادر پراکنده نویسندگی هم خود شانرا جمع و جور کرده، سلسله مقالاتی را در اختیار کادر فنی قرار دادند. کادر فنی که از دور شنیده بود علی آباد شهر است و از دیوانه خانه ها خبر نداشت، گمان میکرد با دیدن غیر مستقیم و یا مستقیم آنهم بدون مقدمه و زمینه قبلی کار انتشار میتواند کار را خود انجام دهد دست بکار شد. اما این مطلب را نیز نباید نادیده گرفت که حبل ۱۰۰۰ همچون احزاب هموطن گرفتار تحولات عجیب و غریبی در همان آوان نطفه بستن گردید و آن اینکه خیلی ها مسخره می کنند و میگویند افغانستانی ها دو نفر جمع شد، حزب درست میکنند، سه نفر شد انشعاب میکنند، لذا حبل ۱۰۰۰ هم هنوز انتشار نیافته بود که يك تغییر و تحول را پشت سر گذاشت.

هر چه بود در اواخر سال ۱۳۶۲ و اوایل سال ۱۳۶۳ شماره صفر با آزمایشی

آن با کیفیتی که مشاهده میکنید که در هیچ قالبی جور نمی آید بدون آرم و بدون ذکر نام صاحب امتیاز و سر دبیر، با اشتباهات فراوان چاپی از چاپ بیرون شد و اما پخش آن بنا به دلایل مطبوعاتی و انتشاراتی تا اواسط بهار ۶۳ به تعویق افتاد. پس از پخش دو گونه برخورد با حبل ۱۰۰۰ صورت گرفت. تعدادی این عمل را چیزی بیفایده و دور از ضرورت پنداشتند و به کد می گفتند مردم از گرسنگی جان می دهد. تعدادی حبل ۱۰۰۰ چاپ میکنند، و تعدادی هم سخت مورد استقبال قرار دادند. در تابستان ۶۳ شماره اول آن با کیفیت نسبتا خوبتر و فورم ۲۱×۲۸ از چاپ خارج و در اختیار علاقمندان قرار گرفت و اینکه چگونه اسم حبل ۱۰۰۰ را انتخاب کردیم، در یکی از شماره ها پاسخ گفته شده است.

فصل دوم: مشکلاتی که حبل ۱۰۰۰ پشت سر گذاشت.

خوانندگان عزیز بخوبی میدانند که در افغانستان مظلوم به نسبت جور و بیدادگری حکام مزدور و خود فروخته، کار فرهنگی و بخصوص نشر و چاپ کتب و مجلات در بسیاری شهرها اصلا وجود نداشت و در شهر های هم که وجود داشت در اختیار مردم نبود، زیرا در افغانستان فقط ۱۲ چاپخانه وجود داشت که مستقیما تحت سیطره حکومت ها و دولت ها اداره میشد. از اینرو کار چاپ و نشر چندان آسان بنظر نمیرسید و از طرف دیگر دست اندرکاران حبل ۱۰۰۰ هم از آنهایی نبودند که در دوره های

سلطنت ظاهر حای و داود شاهی پست و مقامی داشته باشند که نحوی با این کار تماس و آشنائی یافته و لااقل از رمز و رموز آن اطلاعی کسب کرده باشند. لذا با دست خالی و بدون زمینه سازی و آمادگی قبلی، تعدادی طبق احساس مسئولیت عهده دار اینکار که چندان هم بی خطر نبود، شدند.

عدم تجارب کافی دست اندرکاران فنی از یکطرف و ناهماهنگی کادر فکری و قلمی از سوی دیگر. مجله را به درد سر های گوناگونی مواجه ساخت. بی ثباتی در تمامی ارکان مجله به وضوح مشاهده میشد بعدی که در مدت انتشار يك شماره چند پرسنل تغییر و تبدیل میشد، تعدادی می آمدند و تعدادی هم میرفتند و طبعاً تازه واردان مجبور بودند که خود شانرا به شرایط موجود وفق دهند لذا کشاکش در هر زمینه وجود داشت. این مشکل در هر نهاد انقلابی پیش می آید، چون کار به اساس مسئولیت های انقلابی است و نفع و سودی در آن متصور نبوده بنابراین کمتر کسانی که خود را گران می فروشند به چنین کار های دست می یازند و اگر هم به اساس احساسات و گاهی خود نمائی اعلام همکاری نمایند و آنچه در خور شأن شان به فکر خود نباشند و یا آنچه میخواهند اشباع نشوند، بدون شك یا کار را ترك میگویند و یا علاقه چندان به رشد و ترقی کار نشان نمی دهند.

حبل ۱۰۰۰ هم به نحوی با این مشکل روبرو بود با اینکه همگی اخلاصمندان در راه شکوفائی آن گام برمیداشتند، ولی واقعیت این بود که اصلا تعدادی

کانون لرزانك نویسندگان بود .
این روش با تمامی سعود و سقوط خود، تا اواخر سال دوم مجله وجود داشت و در آغاز سال سوم یکسری تغییر و تحولی در ارکان بی‌ثبات هیئت تحریریه بوجود آمد، با اینکه در زمینه های مطالب جهانی کمبود هائی بوجود آمد و بیشتر مطالب متوجه افغانستان شد ولی در محدوده نسبتاً کوچکتر يك انسجام درست و عمیقی به وجود آمد که هرگاه مشکلات دیگر نمی‌بود، مجله لااقل در همین محدوده موفق و پیروز و حتی کمی گذشته از سر وقت به دست علاقمندان می‌رسید . که متأسفانه در قبال این فرصت طلائی برای مجله گرفتاری های دیگری رخ داد که یادآوری آن به خوانندگان سودی نخواهد داشت

فصل سوم : کاریکه حبل... انجام داده است .

هر چند یادآوری کار انجام شده در این مدت با این ضرورت ها و نیاز های مبرمی که جامعه ما بخصوص قشر جوان و نو جوان در هجرت احساس می‌کنند، قابل ذکر نیست ، چون حبل... نتوانسته است آنچه را در نظر داشت و دارد به مرحله اجرا گذارد . ولی با آن هم‌با در نظر داشت مشکلات و گرفتاری های که قبلاً به آن اشاره کردیم ذکرى هم از موفقیت ها و پیروزی ها داشته باشیم . اینکه تا چه حد کار حبل... موثر بوده و در جامعه نقش داشته بررسی را در آن زمینه بفصل دیگر موکول می‌کنیم و اینجا صرفاً به ذکر مضامین و مطالبی که تا کنون انتشار یافته

و عدم مطالعه و مشغله های فراوان فنی رفته رفته سواد شان نم‌کشید، باسوادان و نویسندگان چیره دست نظر به شرایط زمانی برخورد محتاطانه داشتند و آن گاهیکه تصور میکردند شاید قطع همکاری شان منجر به نابودی مجله گردد، این لطف و همکاری را از حبل... دریغ نمی‌کردند و به بهانه های نا چیزی چون قیچی شدن مقالات و یا گاهی احیاناً پیشنهاد و انتقاد (البته معلوم است که انتقاد و پیشنهاد ما افغانستانی ها چطور است و در برخورد هـای اجتماعی تعدادی از ما طوری برخورد میکنند که طرف گمان میکند دعوائی در کار است در حالیکه بقول ایرانی ها جز چاق سلامتی چیزی در کار نیست) همکاری شانرا قطع میکردند .

اینجا بود که دست اندرکاران فنی طبق نیاز و ضرورت ، هم نویسنده می‌شدند و هم تایپست و اخراج گسر و منازجی ، و در يك کلام مجبور بودند از سیر تا پیاز یکجا و در يك دیدگابینند و برای خوانندگان علاقمند که مشتاقانه انتظار انتشار حبل... را می‌کشیدند، تقدیم کنند. واضح و روشن است که چنین کار به ابتکار حضرت فیل نیاز دارد که خوانندگان گرامی را که از اقشار مختلف با سلیقه های مختلف و گوناگون میتواند همچنان مجذوب خود نگهدارد و این کش ماکش درونی را با تر دستی خاصی از درز نمودن به بیرون جلوگیری کند . اینکه خوانندگان همیشگی گاهی به قطع يك مضمون مواجه شدند و گاهی حتی تناقضات سطحی را در مطالب و مضامین مشاهده میکردند، ناشی از این کوتاه تغییر و تحول درونی خاصیت در

اهل کار فنی نبودند و آن نبوغی را که در کار های دیگر داشتند ، در کار فرهنگی از خود بروز نمیدادند .
این واقعیت را از آن جهت افشاء می‌سازیم که در کل انقلاب ما به این مشکل روبرو است که حتی احزاب هم وطن با آن عرض و طولی که دارند وضعیت بهتر از ما ندارند و همین امر باعث رکود مبارزه فرهنگی در خارج شده و این مرضی است که همه را بدر خود گرفتار ساخته است . و عامل مردن نشریات و به ثمر نرسیدن شان پس از عامل بیرونی و شرایط زمانی و مکانی همین عدم کادر سازی ثابت و هماهنگ است . حبل... هم بعنوان جزئی از کل انقلاب همیشه به این مشکل روبرو بوده و هست و خلاء ناشی از نقیصه را دست اندرکاران نشریات و چشم تیز بین هنر دوستان کاملاً در نظر دارند و بارها بار با پیشنهادات سازنده و خیرخواهانه شان ما را متوجه این ضعف ها ساخته اند، اما واقعیت چیزی است که گفتن آن مشکل است و حبل... نمیتواند این مشکل را به آسانی حل نماید

و اما مشکل تحریریه و نویسندگی :
یادآوری مشکلات تحریری، سعود و رکودی که در آن رخ داده به مراتب درد آور تر از گرفتاری های فنی است. زیرا کادر ثابت نویسندگی از آغاز به وجود نیامد و هسته عنکبوتی نویسندگان به اثر هر لرزشی از هم می‌گسست. آنهائی که تا دم مرگ تعهد سپرده بودند که این راه را ادامه دهند، اکثراً از نعمت سواد کافی و پا بطور ساده تر بگوئیم از شیوه های نویسندگی و قلمی محروم بودند و تعدادی هم به اثر گرفتاری ها

می‌پردازیم تا خوانندگان گرامی يك جمع‌بندی و فهرستی از مطالب حبل... را در اختیار داشته باشند. البته قبلا هم در اولین سالگرد حبل... این کار انجام گرفت اما با يك تفاوت که آنجا فهرست کامل مجلات يك ساله آمد و اینجا کمی مفصل‌تر آورده شده است. و اينك شما و اسامی و خصوصیات مطالب

۱- امام و مسائل جهانی : مطالبی تحت همین عنوان از شماره صفر شروع شد و تا کنون ادامه دارد و در آینده هم ادامه خواهد یافت ، آنچه در این زمینه قابل یادآوری است این است که در ابتدا تا شماره ۱۴ جملاتی از امام خمینی انتخاب می‌شد و بعد پیرامون آن به بررسی و تجزیه و تحلیل پرداخته میشد اما نظر به گرفتاری که به نویسنده و یا بررسی کننده این مطلب پیش آمد، پس از آن گوشه‌های از بیانات و گفتارهای امام خمینی بدون حاشیه‌پردازی در همان صفحات مورد نظر جا داده می‌شود. و اما عناوینی که پیرامون آن بحث شده و یا سخنرانی‌ها و بیانات امام خمینی که در حبل... آمده است از این قرار است :

۱- شماره صفر : در باره اسرائیل و استکبار جهانی .

۲- شماره ۱ : تشویق ملت‌ها بقیام علیه اسرائیل و استکبار جهانی .

۳- شماره ۲ : خطر صهیونیسم .

۴- شماره ۳ و ۴ : تشویق مسلمین به خود سازی .

۵- شماره ۵ : در باره محرم و نهضت امام حسین (ع) .

۶- شماره ۶ و ۷ : گفته‌های قصار امام در باره افغانستان .

۷- شماره ۸ و ۹ : دعوت مسلمین باتحاد و قیام علیه استکبار جهانی .

۸- شماره ۱۰ : همدردی با مسلمین جهان .

۹- شماره ۱۱ : در باره مستضعفین .

۱۰- شماره ۱۲ : در باره روز قدس .

۱۱- شماره ۱۳ : درباره بیداری مستضعفین .

۱۲- شماره ۱۴ : در باره ضعف ابرقدرت‌ها .

۱۳- شماره ۱۵ : گوشه‌های از پیام امام خمینی به مناسبت برگزاری کنگره جهانی حج در سال ۱۳۶۴ .

۱۴- شماره ۱۶ : فراز‌های از گفته‌های امام خمینی در باره محرم .

۱۵- شماره ۱۷ : در باره صدور انقلاب .

۱۶- شماره ۱۸ : فراز‌های از گفته‌های امام خمینی در باره وحدت و اتحاد مسلمین .

۱۷- شماره ۱۹ : در باره صدور انقلاب .

۱۸- شماره ۲۰ : متن بیانات امام خمینی که به مناسبت ۲۲ بهمن سال ۱۳۶۴ ایراد شده بود .

۱۹- شماره ۲۱ و ۲۲ : بیانات امام خمینی با مهمانان شرکت کننده دهه فجر .

۲۰- شماره ۲۳ : در باره مسئولیت روحانیت .

۲۱- شماره ۲۴ : بیانات امام خمینی در باره روز جهانی قدس .

۲۲- شماره ۲۵ و ۲۶ : بیانات امام خمینی در باره حج .

۲۳- شماره ۲۷ : بیانات امام خمینی .

۲۴- شماره ۲۸ : بیانات امام خمینی به مناسبت سالروز هفته دولت در سال ۶۵

۲۵- شماره ۲۹ و ۳۰ : بیانات امام خمینی به مناسبت میلاد حضرت رسول

اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع) به تاریخ ۲۹ / ۸ / ۱۳۶۵ در جماران .

۲۶- شماره ۳۱ : جمله‌ای از امام خمینی در باره افغانستان .

۲۷- شماره ۳۲ : بیانات امام خمینی با مهمانان شرکت کننده دهه فجر بتاريخ ۲۱ / ۱۱ / ۱۳۶۵ .

۲۸- شماره ۳۳ : بیانات امام خمینی به مناسبت میلاد حضرت علی ابن ابی طالب (ع) بتاريخ ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۶۵ .

۲۹- شماره ۳۴ و ۳۵ : بیانات امام خمینی به مناسبت نیمه شعبان سال ۱۳۶۵ .

۲ : آیت... العظمی منتظری در حبل...

در مورد بیانات آیت... منتظری هم ابتدا جملات انتخاب میشد و بعدا پیرامون آن به بررسی و تجزیه و تحلیل می‌نشستیم اما همان عاملی که باعث قطع این کار در مطالب پیرامون گفتار امام خمینی شد، اینجا هم موثر افتاد، چون هر دو را يك نفر تدوین می‌کرد. به هر حال توجه تانرا به فهرست مطالب چاپ شده تحت این عنوان جلب میکنیم:

۱- شماره صفر : در باره تحرك انقلاب .

۲- شماره ۱ : در باره توطئه استکبار در تفرقه اندازی بین مسلمین .

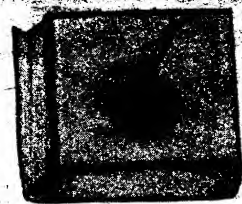
۳- شماره ۲ : در باره خرابکاری حکومت آل سعود در انجام فریضه حج .

۴- شماره ۳ و ۴ : در باره وحدت مسلمین

۵- شماره ۵ : در باره بی‌تفاوتی ملت‌ها در قبال حوادث .

۶- شماره ۶ و ۷ : درباره هدف تبلیغاتی کفار .

۷- شماره ۸ و ۹ : در باره مبارزه لبنانی‌ها و افغانستانی‌ها .



- ۸- شماره ۱۰: در باره مقابله با استکبار جهانی .
- ۹- شماره ۱۱: در باره مسئولیت روحانیت و تشویق آنان بحل اختلافات در لبنان .
- ۱۰- شماره ۱۲: سخنرانی در جمعی از روحانیون هموطن ما .
- ۱۱- شماره ۱۳: مسئولیت روحانیت .
- ۱۲- شماره ۱۴: رهبریت حضرت امام خمینی به مثابه رهبریت کل جهان اسلام .
- ۱۳- شماره ۱۵: طرد عناصر ناباب و وابسته به استکبار جهانی .
- ۱۴- شماره ۱۶: چشم پوشی از بزرگمآیی
- ۱۵- شماره ۱۷: عدم وابستگی یعنی سیاست نه شرقی و نه غربی .
- ۱۶- شماره ۱۸: تفاهم با برادران اهل سنت .
- ۱۷- شماره ۱۹: تشکیل جبهه مشترک ضد روسی .
- ۱۸- شماره ۲۰: خود کفائی .
- ۱۹- شماره ۲۱ و ۲۲: کوششهای از سخنان فقیه عالیقدر در باره جهاد...
- ۲۰- شماره ۲۳: بیانات فقیه عالیقدر در دیدار با اعضای شرکت کننده سمینار اسلام و مستضعفان .
- ۲۱- شماره ۲۴: بیانات فقیه عالیقدر در دیدار با ائمه جمعه و جماعات .
- ۲۲- شماره ۲۵ و ۲۶: بیانات فقیه عالیقدر در جمعی از سفرای ایرانی مقیم کنسورهای خارج .
- ۲۳- شماره ۲۷: بیانات فقیه عالیقدر در دیدار با فرماندهان و مسئولین سپاه و ستیج .
- ۲۴- شماره ۲۸: بیانات فقیه عالیقدر به مناسبت آغاز سال تحمیلی ۱۳۶۵ .
- ۲۵- شماره ۲۹ و ۳۰: بیانات فقیه عالیقدر به مناسبت هفته وحدت .
- ۲۶- شماره ۳۱: جملاتی در باره به خود آئی مسلمانان .
- ۲۷- شماره ۳۲: بیانات فقیه عالیقدر در دیدار با مهمانان دهه فجر سال ۱۳۶۵ .
- ۲۸- شماره ۳۳: پیام فقیه عالیقدر به علماء و بزرگان لبنان بدنبال فاجعه به شهادت رسیدن جمعی از مسلمانان بیروت .
- ۲۹- شماره ۳۴ و ۳۵: سخنان فقیه عالیقدر به مناسبت خجسته سالروز بعثت منجی عالم بشریت حضرت محمد بن عبد... (ص) بتاريخ ۱۸/۱/۱۳۶۶ .
- ۳- افغانستان در ماهی که گذشت : مطالب تحت عنوان فوق از شماره صفر تا کنون بطور مرتب به چاپ رسیده و امید است که در آینده هم به همین روال ادامه یابد . مطالبی که تحت این عنوان گرد آوری شده تقریباً در برگزیده حوادث سیاسی همان ماه است که مجله در آن انتشار می یابد .
- ۴- پیشگامان نهضت جهانی اسلام : نظر به اینکه شناسائی چهره های برجسته تاریخی مبارزات اسلامی . بر فرد فرد مسلمان لازم و ضروری است ، حبل... کوشیده است به اندازه توان چهره های چند شخصیت اسلامی هموطن و سایر بلاد اسلامی را به خوانندگان معرفی کند که ما به ترتیب از ایشان نام میبریم .
- ۱- شماره صفر : علامه شهید بلخی از افغانستان .
- ۲- شماره ۱ : سید جمال الدین حسینی .
- ۳- شماره ۲ : شهید حسن البناء از مصر .
- ۴- شماره ۳ و ۴ : شهید نیسازي از افغانستان .
- ۵- شماره ۵ : شیخ محمد عبده از مصر .
- ۶- شماره ۶ و ۷ : شهید سید قطب از مصر .
- ۷- شماره ۸ و ۹ : شهید شرف الدین از عراق .
- ۸- شماره ۱۰ : شهید محمد باقر صدر از عراق .
- ۹- شماره ۱۱ : شهید خالد اسلامبولی از مصر .
- ۱۰- شماره ۱۲ : استاد شعاع از افغانستان .
- ۱۱- شماره ۱۳ : علامه شهید بلخی از افغانستان .
- ۱۲- شماره ۱۴ : امام کاشف الغطاء از عراق .
- ۱۳- شماره ۱۵ : استاد محمدحسین نهضت از افغانستان .
- ۱۴- شماره ۱۶ : حاج شیخ موسی از افغانستان .
- ۱۵- شماره ۱۷ : الحاج شیخ حیدر از افغانستان .
- ۱۶- شماره ۱۸ : داکتر عمر شهید از افغانستان .
- ۱۷- شماره ۱۹ : داکتر عمر شهید از افغانستان .
- ۱۸- شماره ۲۰ : شهید حبیب الرحمن از افغانستان .
- ۱۹- شماره ۲۱ و ۲۲ : سیدحسین مدرس از ایران .
- ۲۰- شماره ۲۳ : علامه اقبال لاهوری از پاکستان .
- ۲۱- شماره ۲۴ : شهید دکتر چمران از ایران .
- ۲۲- شماره ۲۵ و ۲۶ : علامه شهید بلخی از افغانستان .

از شماره ۲۵ و ۲۶ به بعد نظر به گرفتاری که به تدوین کننده این بخش پیش آمد، مطالبی در این باره تاکنون قطع گردید، ولی باز هم در شماره ۳۲ ملا فیض محمد کاتب از افغانستان به خوانندگان عزیز معرفی شد. امیدواریم بتوانیم در آینده نیز این بخش را در مجله داشته باشیم.

۵- گفتگو با سنگر نشینان اسلام:
حبل... همانطوریکه در نظر داشت شخصیت های تاریخی و پیشیناز گذشته اسلام و انقلاب های اسلامی را به خوانندگان عزیز معرفی کند، میخواست چهره های سران و پیشینازان مبارزات کنونی را نیز به خوانندگان بشناساند و این کار تا شماره ۲۸ ادامه داشت و بنا به دلیلی بطور مقطعی قطع گردید که در آینده حتما از سر گرفته میشود. با این حال بد نیست شما را با چهره های کما ایشان مصاحبه صورت گرفته و نظریات شان در مجله درج گردیده آشنا سازیم.

۱- شماره صفر: آقای محمد اکبری از پاسداران جهاد اسلامی افغانستان.
۲- شماره ۱: آقای هانی فحس از علماء و مبارزین لبنانی.
۳- شماره ۲: آقای عبدالطیف عامر از مبارزین جزیره العرب.
۴- شماره ۳ و ۴: آقای هادی مدرسی رهبر مبارزین بحرین.
۵- شماره ۵: داکتر عابد علی عابدی رهبر سازمان علمدار پاکستان.
۶- شماره ۶ و ۷: برادر صلاح الدین ایوبی رهبر مبارزین ترکیه.

۷- شماره ۸ و ۹: شیخ سعید شعبان رهبر جنبش توحید اسلامی لبنان.

۸- شماره ۱۰: برادر صلاح الدین ایوبی
۹- شماره ۱۱: برادر صلاح الدین ایوبی.
۱۰- شماره ۱۲: برادر صلاح الدین ایوبی.
۱۱- شماره ۱۳: آقای سید عتیق... کشمیری عضو حزب جماعت اسلامی جامعه کشمیر.

۱۲- شماره ۱۴: آقای ابوالمکارم عضو مرکز تحقیقات اسلامی بنگلادیش.

۱۳- شماره ۱۵: آقای عبدالقادر از کردستان عراق.

۱۴- شماره ۱۶: آقای عبدالقادر از کردستان عراق.

۱۵- شماره ۱۷: آقای عبدالقادر از کردستان عراق.

۱۶- شماره ۱۸: آقای عبدالقادر از کردستان عراق.

۱۷- شماره ۱۹: آقای سید علی موسوی از علمای پاکستان.

۱۸- شماره ۲۰: آقای سید علی موسوی از علمای پاکستان.

۱۹- شماره ۲۱ و ۲۲: آقای زاهدی از پاسداران جهاد اسلامی افغانستان.

۲۰- شماره ۲۳: آقای زاهدی از پاسداران جهاد اسلامی افغانستان.

۲۱- شماره ۲۴: آقای قاری احمد معروف به قاری رهبر حزب... افغانستان.

۲۲- شماره ۲۵ و ۲۶: آقای قاری احمد رهبر حزب... افغانستان.

۲۳- شماره ۲۸: آقای عرفانی یکی از مسئولین سازمان نصر افغانستان.

در خلال این مصاحبات مصاحبه ای هم با مولوی عبدالحی از انصار المهدی افغانستان و همچنین با مولوی مومن یکی از انشعابیون حزب حرکت انقلاب داشتیم تحت عنوانی در پشاور چه میگذرد که در سه قسمت در شماره های

۱۱ تا ۱۳ به چاپ رسید. گذشته از آن مصاحبات دیگر هم از شخصیت و چهره های سرشناس داشتیم که نظر به تراکم مطالب در آن بخش و یا عوامل دیگر چاپ آنها به تاخیر افتاد و در آرشیف گذاشته شدند.

۶- بیوگرافی شهدا:

در این بخش سعی شده است حتی الامکان مثل سایر بخش ها زندگینامه شهید از هر حزب و گروه و از تمامی نقاط افغانستان انتخاب شود. منتها تعدادی از احزاب بیشتر همکاری کردند و تعدادی هم در این قسمت اصلا همکاری نداشتند، امیدواریم این همکاری ها همچنان ادامه یابد تا بتوانیم لااقل تعدادی از شهدای مان را در حبل... معرفی نمائیم. شهدائی که در حبل... معرفی شده عبارتند از:

- ۱- شماره صفر: شهید عصمت از دولت آباد ولایت بلخ.
- ۲- شماره ۱: شهید رضائی از دولت آباد ولایت بلخ.
- ۳- شماره ۲: شهید غلام حسین فلاح از کجراولایت ارزگان.
- ۴- شماره ۳ و ۴: شهید ربانی از چمتال ولایت بلخ.
- ۵- شماره ۵: شهید خلخالی از دولت آباد ولایت بلخ.
- ۶- شماره ۸ و ۹: شهید ناظر حسین شهرستانی از شهرستان ولایت ارزگان.
- ۷- شماره ۱۰: شهید صالح از دولت آباد ولایت بلخ.
- ۸- شماره ۱۱: شهید زعیمی لعلی از ولسوالی چغچران غور.

بااینکه در تعداد

زیاد بیوگرافی در آرشیف باقی بود ولی بخاطر اینکه توازن برقرار باشد از چاپ زندگینامه ها خود داری گردید، و از شماره ۱۷ به اینطرف این بخش تحت عنوان گلگون کفنان میهن و عاشقان... تعدادی از زندگینامه شهدا را انتشار داده است که میخوانیم :

- ۹- شماره ۱۷: شهید فیض الرحمن فایض از فیض آباد بدخشان .
- ۱۰- شماره ۱۸: برادر مفقود الاثر خوشیوال از علاقه داری خوش ولایت کتر .
- ۱۱- شماره ۱۹: شهید ملا قربان یفتلی از بدخشان .
- ۱۲- شماره ۲۰: شهید محمد موسی قندهاری از ولایت قندهار .
- ۱۳- شماره ۲۱ و ۲۲: شهید حاجی محمد رمضان از انار دره ولایت فراه .
- ۱۴- شماره ۲۳: شهید آغا گلادی از ولسوالی آقچه جوزجان .
- ۱۵- شماره ۲۴: شهید سید عیسی حیدری از سیغان ولایت بامیان .
- ۱۶- شماره ۲۴: شهید سید ظاهر امیری از سیغان ولایت بامیان .
- ۱۷- شماره ۲۵ و ۲۶: شهید غلام شاه مظفری (وصیت نامه) .
- ۱۸- شماره ۲۵ و ۲۶: شهید رمضان علی کریمی از بهسود ولایت میدان .
- ۱۹- شماره ۲۷: شهید علی نقی از جاغوری غزنی .
- ۲۰- شماره ۲۸: شهید محمد علی از چهارکنت ولایت بلخ .
- ۲۱- شماره ۲۹ و ۳۰: شهید رجب علی محمدی از ولایت هرات .
- ۲۲- شماره ۳۲: شهید عنایت... از

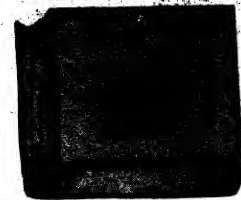
دولت آباد ولایت بلخ .

- ۲۳- شماره ۳۲: شهید عوض علی ظاهری از ورس ولایت بامیان .
- ۲۴- شماره ۳۳: شهید ملا حسن از شولگره ولایت بلخ .
- ۲۵- شماره ۳۳: شهید حیدراز ولایت ارزگان .
- ۲۶- شماره ۳۴ و ۳۵: شهید حمزه از شولگره ولایت بلخ .
- ۲۷- شماره ۳۴ و ۳۵: شهید بوستانعلی از جاغوری ولایت غزنی .
- بر علاوه معرفی این ۲۷ شهید، مطالبی هم در باره شهید ذبیح... مسئول امارت بلخ جمعیت اسلامی افغانستان که خود نیز از آن نواحی است در شماره ۲۱ و ۲۲ داشتیم و یادواره‌ای هم در باره شهید حاج معلم در شماره ۲۴ درج شده است و یادواره‌ای هم از شهید عبدالخالق و شهید احمدی داشتیم .
- ۷- شهدای انقلاب اسلامی (عکس های شهدا) ،
- مشکل شبیه زندگینامه شهدا را در این بخش هم داشتیم که رفته رفته این مشکل حل شد و عکس تعدادی از شهدای که از آغاز تا کنون در این بخش چاپ شده است توجه تانرا به اسامی شان جلب میکنیم :
- ۱- شماره صفر: شهید غلام علی از چهارکنت
- ۲- شماره صفر: شهید عابدین از ولایت بلخ .
- ۳- شماره صفر: شهید غلام سخی از شولگره .
- ۴- شماره صفر: شهید قربان علی از دولت آباد .

- ۵- شماره صفر: شهید علی جان
- ۶- شماره صفر: شهید خلخالی
- ۷- شماره: شهید شاه محمد از دره صوف
- ۸- شماره صفر: شهید محمد علی از ولایت بلخ
- ۹- شماره صفر: شهید موسی خزانه دار از دره صوف .
- ۱۰- شماره صفر: شهید سیداحمد از دره صوف ولایت سمنگان .
- ۱۱- شماره صفر: شهید حاج اقبال از چهارکنت .
- ۱۲- شماره صفر: شهید شیخ عبدالکریم از دره صوف ولایت سمنگان .
- ۱۳- شماره ۱: شهید حسین از چهارکنت
- ۱۴- شماره ۱: شهید مخدوم از شولگره ولایت بلخ .
- ۱۵- شماره ۱: شهید غلام حسین از کجران ولایت ارزگان .
- ۱۶- شماره ۱: شهید رضا از بدخشان
- ۱۷- شماره ۱: شهید عابث از شولگره
- ۱۸- شماره ۱: شهید قادر از دولت آباد
- ۱۹- شماره ۱: شهید ضیاء از ولایت بلخ
- ۲۰- شماره ۱: شهید عباس بلیطه از لبنان .
- ۲۱- شماره ۱: شهید حسین داد از دره صوف ولایت سمنگان .
- ۲۲- شماره ۱: شهید سعید ابراهیم خضرا از لبنان .
- ۲۳- شماره ۲: شهید سید هاشم از دولت آباد ولایت بلخ .
- ۲۴- شماره ۲: شهید محمد اکبر از مزار شریف
- ۲۵- شماره ۲: شهید حسین از چهار کنت ولایت بلخ .
- ۲۶- شماره ۲: شهید عبدالحکیم از دره صوف ولایت سمنگان .

- ۲۷- شماره ۲: شهید خلیفه محمد نبی
از دره صوف ولایت سمنگان .
- ۲۸- شماره ۲: شهید رضائی از مزار شریف
- ۲۹- شماره ۲: شهید احمد ثعیتواز لبنان .
- ۳۰- شماره ۲: شهید محمد تقی از دره صوف ولایت سمنگان .
- ۳۱- شماره ۲: شهید سعید الحاج ابراهیم درویش از لبنان .
- ۳۲- شماره ۲: شهید ربانی از چمتال
- ۳۳- شماره ۳ و ۴: شهید رضائی از ورس ولایت ارزگان با کمی زندگینامه اش .
- ۳۴- شماره ۳ و ۴: شهید حسینی از دولت آباد ولایت بلخ .
- ۳۵- شماره ۳ و ۴: شهید سید حسن از ولایت بلخ .
- ۳۶- شماره ۳ و ۴: شهید جمیل محسن العلی از بحرین .
- ۳۷- شماره ۳ و ۴: شهید صالح از دولت آباد
- ۳۸- شماره ۳ و ۴: شهید عبدالکریم الحبشی از بحرین .
- ۳۹- شماره ۳ و ۴: شهید محمد اسحاق از چهارکنت
- ۴۰- شماره ۵: شهید ملا حسین از چهارکنت ولایت بلخ .
- ۴۱- شماره ۵: شهید حسین از مزار شریف
- ۴۲- شماره ۵: شهید قربان علی از دولت آباد ولایت بلخ .
- ۴۳- شماره ۶ و ۷: شهید سید تراب
- ۴۴- شماره ۶ و ۷: شهید علی جمعه .
- ۴۵- شماره ۶ و ۷: شهید محمد عوض .
- ۴۶- شماره ۶ و ۷: شهید علی .
- ۴۷- شماره ۶ و ۷: شهید محمد اسحاق .
- ۴۸- شماره ۶ و ۷: شهید عبدا...

- ۴۹- شماره ۶ و ۷: شهید جمشید .
- ۵۰- شماره ۶ و ۷: شهید بومان .
- ۵۱- شماره ۶ و ۷: شهید غلام علی .
- ۵۲- شماره ۶ و ۷: شهید خالق داد .
- ۵۳- شماره ۶ و ۷: شهید کاظم .
- ۵۴- شماره ۶ و ۷: شهید فقیر محمد .
- ۵۵- شماره ۱۲: شهید شیخ محمد ظفر از سنگچارک ولایت جوزجان .
- ۵۶- شماره ۱۲: شهید غفور از مزار شریف .
- ۵۷- شماره ۱۲: شهید حاج محمد رحیم از سرپل ولایت جوزجان .
- ۵۸- شماره ۱۲: شهید سید انور از کجران ارزگان .
- ۵۹- شماره ۱۴: شهید مالک .
- ۶۰- شماره ۱۴: شهید حمزه .
- ۶۱- شماره ۱۴: شهید صادقی .
- ۶۲- شماره ۱۴: شهید ...
- ۶۳- شماره ۱۴: شهید غلام حسین کربلائی .
- ۶۴- شماره ۱۴: شهید یعقوبی .
- ۶۵- شماره ۱۴: شهید علی اکبر .
- ۶۶- شماره ۱۴: شهید ...
- ۶۷- شماره ۱۵: شهید شهاب الدین .
- ۶۸- شماره ۱۵: شهید یعقوب علی .
- ۶۹- شماره ۱۵: شهید حسین بخش .
- ۷۰- شماره ۱۵: شهید شیخ غلام محمد اخلاقی .
- ۷۱- شماره ۱۸: شهید نادر علی از شولگره ولایت بلخ .
- ۷۲- شماره ۱۸: شهید سخیداد از چهارکنت .
- ۷۳- شماره ۱۸: شهید قاسم رضائی .
- ۷۴- شماره ۱۸: شهید حمزه از دولت آباد
- ۷۵- شماره ۲۰: شهید محمد امان از
- دولت آباد ولایت بلخ .
- ۷۶- شماره ۲۰: شهید محمد نعیم .
- ۷۷- شماره ۲۰: شهید اسحاق از چهارکنت بلخ که اشتباها "در صفحه دیگر بچاپ رسیده .
- ۷۸- شماره ۲۰: شهید محمد حسن نصر...
- ۷۹- شماره ۲۱ و ۲۲: شهید خادم حسین از دولت آباد بلخ .
- ۸۰- شماره ۲۱ و ۲۲: شهید محمد اسماعیل .
- ۸۱- شماره ۲۱ و ۲۲: شهید سید کوسه از شولگره ولایت بلخ .
- ۸۲- شماره ۲۱ و ۲۲: نور احمد تایمنی از میمنه ولایت فاریاب .
- ۸۳- شماره ۲۱ و ۲۲: شهید نسیم .
- ۸۴- شماره ۲۱ و ۲۲: شهید غلام رضا .
- ۸۵- شماره ۲۱ و ۲۲: شهید حاجی محمد .
- ۸۶- شماره ۲۱ و ۲۲: شهید خانعلی .
- ۸۷- شماره ۲۴: شهید اسد ...
- ۸۸- شماره ۲۴: شهید سرور .
- ۸۹- شماره ۲۴: شهید ابوذر .
- ۹۰- شماره ۲۴: شهید مولانا کمال الدین .
- ۹۱- شماره ۲۴: شهید انجنیر محمد نادر .
- ۹۲- شماره ۲۴: شهید محمد علی .
- ۹۳- شماره ۲۴: شهید اکبر .
- ۹۴- شماره ۲۴: شهید بابیه فیروز .
- ۹۵- شماره ۲۵ و ۲۶: شهید سید محمد علوی از پشت بند بغلان .
- ۹۶- شماره ۲۵ و ۲۶: شهید استاد محمد نبی از ولایت فاریاب .
- ۹۷- شماره ۲۵ و ۲۶: شهید خان علی نوری از بهسود ولایت میدان .
- ۹۸- شماره ۲۵ و ۲۶: شهید حسین از



- ۹- شماره ۶ و ۷: آهوان در بدرم .
- ۱۰- شماره ۶ و ۷: زنده کنیم صبح .
- ۱۱- شماره ۶ و ۷: سرود شهیدان .
- ۱۲- شماره ۸ و ۹: زادگاه قهرمانان .
- ۱۳- شماره ۸ و ۹: بهاران .
- ۱۴- شماره ۸ و ۹: طلوع فجر .
- ۱۵- شماره ۸ و ۹: به ذلت زندگی
هیئات ...
- ۱۶- شماره ۸ و ۹: وطن ای مادر ما
ما آشیان ما .
- ۱۷- شماره ۱۰: صحرای خون .
- ۱۸- شماره ۱۲: ز افغانستان تا به ...
- ۱۹- شماره ۱۳: پیکار گران کویر "لا"
- ۲۰- شماره ۱۴: لانه شیران .
- ۲۱- شماره ۱۴: سرود مهاجران .
- ۲۲- شماره ۱۵: حماسه ملت ما .
- ۲۳- شماره ۱۵: ره آزادی .
- ۲۴- شماره ۱۵: کشور شهیدان .
- ۲۵- شماره ۱۷: ای غازیان .
- ۲۶- شماره ۱۷: غازیان .
- ۲۷- شماره ۱۸: پیام شهیدان .
- ۲۸- شماره ۱۸: مبارزان .
- ۲۹- شماره ۱۹: درخت پر شکوفه .
- ۳۰- شماره ۱۹: سلیمان خاطر مجسمه
نفر شهادت .
- ۳۱- شماره ۲۰: مسلح امامی ...
- ۳۲- شماره ۲۰: مبارک ...
- ۳۳- شماره ۲۱ و ۲۲: ای بیست و چهار
حوت .
- ۳۴- شماره ۲۱ و ۲۲: غدیر خون
- ۳۵- شماره ۲۱ و ۲۲: عقاب آهنین بال
- ۳۶- شماره ۲۳: هجوم صاعقه .
- ۳۷- شماره ۲۴: شهید .
- ۳۸- شماره ۲۴: بنام آنکه تواناست بر
آنچه ما ناتوانیم .
- ۳۹- شماره ۲۵ و ۲۶: غزل عشق .

- ۱۱۸- شماره ۳۳: شهید عید محمد از
ولایت بلخ .
- ۱۱۹- شماره ۳۳: شهید غلام حسین از
ولایت هرات .
- ۱۲۰- شماره ۳۳: شهید محمد رجب از
ولایت بغلان .
- ۱۲۱- شماره ۳۳: شهید مولانا محمد
از ولایت فاریاب .
- قابل یاد آوری است که این بخش در
صورت همکاری مهاجرین و احزاب
اسلامی همچنان ادامه خواهد یافت .
- ۸- دین تریاک نیست :
- کتاب دین تریاک نیست اثر انتشار
نیافته شیخ مبلغ یکی از نویسندگان و
دانشمندان هموطن بود که از شماره صفر
الی شماره ۵ منتشر شد و بعدا بنا
مقدمه ای که استاد جلال الدین فارسی به
آن اضافه کرده بود به قسم کتاب
انتشار یافت .
- ۹- اشعار :
- در هر شماره حبل ... یک یا چند
قطعه شعر از همکاران و یا ارسالی
علاقه مندان به چاپ رسیده و در آینده
هم این کار ادامه خواهد یافت . پس
بهتر است بدانیم چه شعر هائی و به
کدام نام تا کنون انتشار یافته است .
- ۱- شماره صفر: پیام رزمندگان انقلاب
اسلامی .
- ۲- شماره صفر: من شهیدم .
- ۳- شماره ۲: سرباز انقلابم .
- ۴- شماره ۲: آتشفشان .
- ۵- شماره ۳ و ۴: اگر میری چرادر خون
نمیری .
- ۶- شماره ۳ و ۴: بچه ها ای بچه ها .
- ۷- شماره ۵: فریاد خون .
- ۸- شماره ۶ و ۷: مهاجران .

- دایکندی ولایت ارزگان .
- ۹۹- شماره ۲۵ و ۲۶: شهید محمد عیسی
از ولایت جوزجان .
- ۱۰۰- شماره ۲۵ و ۲۶: شهید حسین
علی از ورس ولایت بامیان .
- ۱۰۱- شماره ۲۵ و ۲۶: شهید
عبدالخلیل از ولایت بلخ .
- ۱۰۲- شماره ۲۵ و ۲۶: شهید حاج
عبدالله ... از دره صوف ولایت سمنگان .
- ۱۰۳- شماره ۲۷: شهید سید حسن .
- ۱۰۴- شماره ۲۷: شهید سید صادق .
- ۱۰۵- شماره ۲۷: شهید عبدالرحیم .
- ۱۰۶- شماره ۲۸: شهید محمد علی
پهلوان از ولایت هرات .
- ۱۰۷- شماره ۲۸: شهید یاسین حسینی
از ولایت ارزگان .
- ۱۰۸- شماره ۲۸: شهید محمد اسحاق
از سنگچارک ولایت جوزجان .
- ۱۰۹- شماره ۲۸: شهید محمد امین از
فاریاب .
- ۱۱۰- شماره ۲۸: شهید امیر محمد از
ولایت بلخ .
- ۱۱۱- شماره ۲۸: شهید ملا عبدالشکور
از ولایت فراه .
- ۱۱۲- شماره ۲۸: شهید سید انور از
ولایت فراه .
- ۱۱۳- شماره ۲۸: شهید سلطان احمد
قربانی از ولایت هرات .
- ۱۱۴- شماره ۲۹ و ۳۰: شهید غلام سخی
از ولایت بلخ .
- ۱۱۵- شماره ۲۹ و ۳۰: شهید صوفی
حبیب ... از ولایت هرات .
- ۱۱۶- شماره ۲۹ و ۳۰: شهید عبدالله ... از
ولایت فراه .
- ۱۱۷- شماره ۲۹ و ۳۰: شهید حبیب ...
از ولایت فاریاب .

- ۴۰- شماره ۲۵ و ۲۶: فری ملتی ...
 ۴۱- شماره ۲۵ و ۲۶: محک نو عیار ...
 ۴۲- شماره ۲۵ و ۲۶: انعکاس رزم ...
 ۴۳- شماره ۲۷: مشهد عشق ...
 ۴۴- شماره ۲۷: پیک خونینم ...
 ۴۵- شماره ۲۸: شهید ...
 ۴۶- شماره ۲۸: سپیده ...
 ۴۷- شماره ۲۹ و ۳۰: مرد میدان ...
 ۴۸- شماره ۲۹ و ۳۰: موکب ستاره ...
 ۴۹- شماره ۲۹ و ۳۰: الا ای خون نگار ...
 ۵۰- شماره ۳۱: مطلع الشمس ...
 ۵۱- شماره ۳۲: مجاهد ...
 ۵۲- شماره ۳۳: غمنامه حوت ...
 ۵۳- شماره ۳۳: ژاله صبح ...
 ۵۴- شماره ۳۳: جمال الدین ...

- ۵۵- شماره ۳۴ و ۳۵: خروش رخس مجاهد
 ۵۶- شماره ۳۴ و ۳۵: عید خون ...

در مورد اشعار ارسالی دوستان، به مشکلات فراوان روبرو بودیم از جمله اینکه دست اندرکاران فنی که گاهی در کنار قیچی و چسپ و تیغ قلم به دست گرفته مقالات کمبودی را نیز به ذوق و سلیقه خود می‌نوشتند. اما از ساختن يك شعر کوتاه هم عاجز بودند، لذا گاهی اشعار ارسالی بدون دست کاری به چاپ می‌رسید که فغان خوانندگان شعر دوست به آسمان میرسید و گاهی هم که اشعار دست کاری می‌شد، این فغان سراینده بود که پست چی را وارخطا می‌ساخت. به هر حال به خوانندگان شاعر مان قول میدهم که بعد از این بیشتر اشعار ارسالی شان به چاپ برسد و بد نخواهد بود که این نوید را نیز به شما بدهیم که همکار شاعر مان زحمت اصلاح و نظر اندازی به اشعار

ارسالی را به عهده می‌گیرد پس فرصت را از دست نداده هر چه زود تر اشعار تانرا به صندوق پست باندازید.

خوب حالا که از شعر و شاعری و آن نازك خیالی ها و تخیلات شاعرانه که بگذریم (البته هیچ وقت نگارنده این تخیلات را بخود احساس نمیکند، فقط شنیده است که شعرا در جهان خود غرق می‌شوند و شعر می‌سرایند، نگارنده گاهی به هوس تخیلات شاعرانه به خود غرق می‌شود تا احساس کند که شعرا چه دنیای دارند که همکاران از هر طرف غوغای کمبود ها و نارسائی ها را سر می‌دهند، لذا هیچ فرصت نمی‌یابد که دنیای شاعران را تماشا کند)، بد نیست مطالب دیگر را دنبال کنیم که به کجا می‌رسیم.

۱۰- وضع مردم، شهامت ها و رشادت ها :

تا فراموش نشده باید بگوئیم که این سلسله مطالب عمر بسیار کوتاهی داشت و شاید خیلی از خوانندگان عزیز اصلا به چنین عنوانی در حبل ا... آشنا نباشند. چون این مضمون قدم از شماره اول به دوم نگذاشته برای همیشه حبل ا... را وداع گفت و علت هم حالت بود که به نویسنده محترم آن پیش آمد. کسانی که تشنه خواندن این مطلب باشند فقط میتوانند با مراجعه شماره صفر همان مجله که صحافی از آن شکایت دارد با شماره اول این مضمون را مطالعه کنند. تا خشم نویسنده محترم به غلیان نرسیده زود از این معرکه می‌گریزیم.

۱۱- اخبار نهضت جهانی اسلام :

بخش تحت همین عنوان از شماره

صفر تا بحال همواره مفعه را به خود اختصاص داده ولی خیلی از کسان عقیده دارند که این بخش در حبل ا... کاملاً بی‌خاصیت است و خواننده‌ای ندارد. راستی نظر شما خواننده عزیز که اینك این مطلب را می‌خوانی چیست؟ حتماً برای ما بگو.

۱۲- حدیث باکشت یا شب های ترکستان :

سلسله مقالات ترجمه شده از خاطرات ترکستان شرقی بود که توجه بسیاری از خوانندگان اولیه حبل ا... را بخود جلب کرده بود، فقط در شماره های صفر و يك انتشار یافت. و پیراز آن قطع گردید

خوانندگان علاقمند همواره ما را تحت فشار می‌گذاشتند که دنباله داستان را انتشار دهیم و ما هم چون توانائی آنرا نداشتیم مرتب عذر می‌آوردیم تا اینکه این حالت رقت بار يك هموطن را به احساسات واداشت، همان کتاب را ترجمه نموده از پشاور به آدرس ما پست نمود. بنا به برخی عوامل که لازم نیست ذکر گردد از چاپ و نشر آن منصرف شدیم و همزمان با رسیدن ترجمه آن بدست ما، کتاب دیگری هم آن مطالب را به فارسی انتشار داده بود. لذا ما اصل ترجمه را به صاحب آن برگردانیم. امیدواریم روزی بتوانیم بیشتر از ترکستان اسلامی مطالبی داشته باشیم.

۱۳- حرکت دو بُعدی شهید :

این مطلب فقط يك بار پا در حبل ا... گذاشت و اینکه چرا و چگونه قطع شد نگارنده نمیداند.

۱۴- نهضت‌های جهانی اسلام :

سلسله مقالاتی هر چند پراکنده تحت این عنوان و یا با کمی تغییر، مثل اهداف و یا انگیزه نهضت هادرجبل... بچاپ رسیده است و اینکه تا چه حد مورد علاقه خوانندگان قرار گرفته باید آنرا از لابلای نامه‌ها جستجو کرد که تا کنون وقت آن نرسیده . جهت آسانی کار علاقمندان این بخش، فهرست آنرا ذکر میکنیم :

۱- شماره صفر : نهضت‌های جهانی اسلام
۲- شماره ۱ : اهداف و انگیزه نهضت‌های اسلامی .

۳- شماره ۲ : اهداف و انگیزه نهضت‌های اسلامی .

۴- شماره ۳ و ۴ : اهداف و انگیزه نهضت‌های اسلامی .

در این شماره این مطلب خاتمه یافت با وقفه يك شماره‌ئی در شماره (۶ و ۷) تحت عنوان استراتژی نهضت‌ها شروع شد و تا شماره ۱۹۰ به اتمام رسید . و تا کنون دیگر مطلب تحت این عنوان بچاپ نرسیده است و در آینده هم معلوم نیست .

۱۵- اخبار داخل کشور :

این عنوان فقط در شماره صفر بچشم می‌خورد و بعدا مطالب آن در شکم افغانستان در ماهی که گذشت هضم شد.

۱۶- گذری کوتاه بر شش جدی :

مطالب تحت این عنوان یا مشابه به آن به مناسبت‌های چون شش جدی ، هفت ثور . بیست و چهار خوت ، سوم خوت ، بیست و هشت اسد و غیره به چاپ رسیده که فهرست آن ارائه می‌گردد :

۱- شماره صفر : گذری کوتاه بر ۶ جدی
۲- شماره ۱ : به یاد شهدای گلگون‌کفن

سه خوت .

۳- شماره ۶ و ۷ : شش جدی سالروز اشغال نظامی افغانستان .

۴- شماره ۱۱ : هفتم ثور — آغاز بدبختی دیگر .

۵- شماره ۱۹ : شش جدی سالروز اشغال نظامی افغانستان .

۶- شماره ۲۱ و ۲۲ : خاطره ۲۴ خوت .

۷- شماره ۳۳ : هفت ثور تبارز دهنده

بیش از ۶۰ سال روابط دوستانه ...

۸- شماره ۲۵ و ۲۶ : بیست و شش سلطان کودتای سفید پا مقدمه‌ای برای هفت ثور .

۹- شماره ۲۵ و ۲۶ : بیست و هشتم اسد سالروز استقلال افغانستان .

۱۰- شماره ۳۱ : ویژه نامه شش جدی افغانستان زخم خونین اسلام .

۱۱- شماره ۳۴ و ۳۵ : هفت ثور نمایش قدرت امپراتوری روس .

۱۷- ترجمه از نشریات خارجی در باره افغانستان :

۱- شماره صفر : پیام یکی از رهبران مجاهدین اسلامی افغانستان .

۲- شماره ۱۹ : درس برای معلم .

۳- شماره ۲۳ : گسیل کماشتگان ضد مجاهدین برای خوشنودی روسیه (مجله عربی) .

۴- شماره ۲۵ و ۲۶ : کمک امریکا در افغانستان به تار خام آویزان است (مجله عربی) .

۵- شماره ۲۵ و ۲۶ : سیاست متغیر امریکا در مورد افغانستان (عربی)

۶- شماره ۲۹ و ۳۰ : در جستجوی صلح (انکوایری) .

همانطوریکه ملاحظه می‌فرمائید پای حبل... در ترجمه مطالب از

نشریات خارجی زبان کاملاً لنگد است .

چه وقت این خلاء پر شود خدا میداند .

۱۸- به مناسبت روز های تاریخی جهانی اسلام :

۱- شماره صفر : بمناسبت هفته وحدت .

۲- شماره ۱ : بمناسبت روز جهانی قدس .

۳- شماره ۳ و ۴ : کنگره جهانی حج .

۴- شماره ۱۸ : بمناسبت میلاد حضرت رسول (ص) .

۵- شماره ۲۴ : به بهانه روز جهانی قدس

۶- شماره ۲۵ و ۲۶ : کنگره جهانی حج نمایشگاه قدرت مسلمین .

۷- شماره ۳۲ : بمناسبت دهه فجر .

۱۹- انگیزه انتشار مجله :

مطالبی هم تحت این عنوان از شماره

۱ تا شماره ۸ و ۹ به چاپ رسیده است که تا حدودی هدف و مسیر حرکت مجله را روشن می‌سازد .

۲۰- در باره اتفاقاتی که در

افغانستان رخ می‌دهد .

۱- شماره صفر : در افغانستان عزیز چه می‌گذرد؟

۲- شماره ۵ : توافق شرق و غرب — مسئله ظاهر خائن .

۳- شماره ۶ و ۷ : ببرک را بشناسید .

۴- شماره ۸ و ۹ : ائتلاف چهار گروه اسلامی .

۵- شماره ۸ و ۹ : تری منگل بازار سیاه

اسلحه .

۶- شماره ۱۰ : حفیظ... امین که بود؟

۷- شماره ۱۰ : وزارت شئون اسلامی

ترفند تازه زوسهای وحشی .

۸- شماره ۱۱ : لویه جرگه .

۹- شماره ۱۲ : آفتاب عمر ببرک رو به

افول است .

۱۰- شماره ۱۵ : زنان مسلمان افغانستان

همدوش مجاهدان در صحنه .

ماهنامه حبل الله سال سوم شماره (۳۶)

- ۱۱- شماره ۱۶: دست پاچگی ببرك (در پنج قسمت) .
- ۱۲- شماره ۱۷: هزاره جات و خود مختاری .
- ۱۳- شماره ۲۳: نجیب خان نمى تواند مرام روسها را برآورده سازد .
- ۱۴- شماره ۲۵ و ۲۶: تلاش بی حاصل روسها در مورد تحکیم قدرت نجیب گاو در افغانستان .
- ۱۵- شماره ۲۷: انتقال پشتون ها در نوار مرزی غرب و جنوب غرب طرح تازه روس .
- ۱۶- شماره ۳۲: نگرشی بر آتش بس و آشتی ملی روسیه در افغانستان .
- ۱۷- شماره ۳۲: انگیزه مهاجرت مردم افغانستان به سوی ایران .
- ۱۸- شماره (۳۴ و ۳۵) نجیب گاو و آشتی ملی یعنی چه ؟

- ۲۱- در مورد کنفرانس هائی که به نحوی مسائل افغانستان در آن دخیل است
- ۱- شماره ۱: کنفرانس مراکش .
- ۲- شماره ۲ و ۳: اخراج اسرائیل از سازمان ملل متحد .
- ۳- شماره ۶ و ۷: بی اعتباری قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل .
- ۴- شماره ۱۷: دیدار ریگان با گورباچف
- ۵- شماره ۲۷: چشم اندازی به کنفرانس کشور های عدم انسلک .
- ۶- شماره ۲۹ و ۳۰: قطعنامه کاغذی مجمع عمومی سازمان ملل .
- ۷- شماره ۳۲: کنفرانس کویت چه ارمغانی آورد ؟

۲۲- در مورد استعمار :

- ۱- شماره اول : مقایسه سیاست استعماری شرق و غرب .

۲۳- در رابطه با لبنان و فلسطین:

- ۱- شماره ۱: وضعیت کنونی لبنان .
- ۲- شماره ۳ و ۴: قتل عام صبرا و شتیلا (در سه قسمت) .
- ۳- شماره ۱۲: لبنان قربانی بازی های سیاسی .
- ۴- شماره ۱۳: اقدامات اسرائیل به منظور یهودی کردن قدس (در دو قسمت)
- ۵- شماره ۱۵: اسرار جنگ اردوگاهها در بیروت .
- ۶- شماره ۱۶: مصاحبه ابو عمار با مجله المجله .
- ۷- شماره ۱۶: فاجعه طرابلس یاد آور جنایت گذشته ...
- ۸- شماره ۱۷: مسئولیت قانونی و بین المللی قتل عام صبرا و شتیلا (از شماره ۱۷ تا ۲۴) .

۲۴- داغ وطن .

مقاله ای به این عنوان فقط در شماره ۱ منتشر گشت و بس .

۲۵- در باره کوردوز و کنفرانس ژنو:

- ۱- شماره ۲: کوردوز در ایران و پاکستان چه می کند ؟
- ۲- شماره ۳ و ۴: دسایس ژنو نمیتواند جنایات روسها را توجیه کند .
- ۳- شماره ۱۲: مذاکره سیاسی یا رزم آتشین .
- ۴- شماره ۱۳: مذاکره سیاسی یا رزم آتشین .
- ۵- شماره ۲۹ و ۳۰: کوردوز چرا اینقدر می تپد ؟

۲۶- در باره روسیه و چین و

وضعیت مسلمانان تحت سلطه :

- ۱- شماره ۲: وضعیت مسلمانان تحت سلطه روس .
- ۲- شماره ۳ و ۴: مسلمانان تحت سلطه

روس .

- ۳- شماره ۳ و ۴: زندگی در حصار داس و چکش .
- ۴- شماره ۶ و ۷: وضعیت مسلمانان تحت سلطه روس .
- ۵- شماره ۱۲: ظرف نشکن شکسته شد .
- ۶- شماره ۱۳: زندگی در حصار داس و چکش .
- ۷- شماره ۲۳: با ترکستان اسلامی آشنا شویم (تا شماره ۲۸) .
- ۸- شماره ۲۹ و ۳۰: چرا کورباچف علنا علیه اسلام موضع می گیرد ؟
- ۹- شماره ۲۱ و ۲۲: حرفی از پشت دیوار آهنین .
- ۱۰- شماره ۸ و ۹: کورباچف جانشین چرینکو .

۲۷- در مورد ایران :

- ۱- شماره ۲: خلیج فارس در آتش .
- ۲- شماره ۲: شهدای هفتم تیر .
- ۳- شماره ۸ و ۹: تحولات کنونی جنگ ایران و عراق .
- ۴- شماره ۱۱: به مناسبت ۱۱ ثور سالروز شهادت استاد مطهری .
- ۵- شماره ۱۳: فاجعه هفتم تیر .
- ۶- شماره ۱۹: مصاحبه با يك تن از مسئولین ستاد برگزاری مسابقه حفظ و قرائت قرآن کریم .
- ۷- شماره ۲۵ و ۲۶: آخرین رهنمودهای تشکیلاتی اثر شهید مظلوم بهشتی .
- ۸- شماره ۲۷: به مناسبت رحلت آیت ... طالقانی .

- ۹- شماره ۲۷: نظری بجنک عراق و ایران

۲۸- پاسخ به نامه ها :

- بخش تحت این عنوان از شماره ۲ به اینطرف بچشم می خورد. از اینکه تدوین کننده این بخش تغییر و تبدیل نشده ،

کم کم احساس می‌گردد که این بخش اهمیت خود را از دست میدهد، مطالب بیشتر را در این باره بجای خودش ذکر خواهیم کرد.

۲۹- کاریکاتور :

نسبت به ضعف هنری اکثر کاریکاتور های چاپ شده اقتباسی است و در آینده سعی می‌شود این نقیصه برطرف گردد. تا همکار هنرمند خود را برای کاریکاتور و طرح در آینده آماده می‌سازد، بد نیست مروری به کاریکاتور های چاپ شده داشته باشیم.

۱- شماره ۳ و ۴: التماس ببرك در برابر روسها.

۲- شماره ۱۶: جهاد افغانستان.

۳- شماره ۸- بزكشی.

۴- شماره ۲۰: قصر ببرك.

۵- شماره ۲۴: افغانستان.

۶- شماره ۲۸: ا. ا. اكبر.

علاوه بر آنچه نام برده شد چندین طرح و کاریکاتور دیگر بدون نام و صفحه مستقل بجای عكس به كار رفته است.

۳۰- بحرین در دامن امپریالیسم :

فقط يك بار مطلبی تحت این عنوان در مجله راه یافت و آنهم در شماره ۳ و ۴.

۳۱- قدرت ها و برخورد ها :

سلسله مقالاتی علمی- سیاسی بود که از شماره ۳ و ۴ شروع شد و در چهار قسمت تا شماره ۸ و ۹ ادامه یافت و بدون اینکه به پایان برسد، قطع گردید.

۳۲- مناسبت های مذهبی :

با اینکه حبل ا... در نظر داشت به مناسبت تمامی ایام تاریخی - مذهبی مطالبی داشته باشد ولی نتوانست این خواسته را بصورت درست به انجام

برساند. سعی میشود این کارانجام گیرد اگر هم بهتر از این نشود، لااقل با همین شکل پراکنده به پیش خواهد رفت. خوب بهتر میدانیم نظری گذرا به فهرست مطالب انتشار یافته در این بخش داشته باشیم.

۱- شماره ۵: عاشورا و عاشورا ها.

۲- شماره ۶ و ۷: میلاد حضرت رسول زمینه ساز وحدت.

۳- شماره ۶ و ۷: در ماتم پیشوای زنان.

۴- شماره ۸ و ۹: زینب پیام رسان پویندگان شهادت.

۵- شماره ۱۰: به مناسبت بعثت حضرت رسول (ص).

۶- شماره ۱۶: عاشورا قیام جاویدانی.

۷- شماره ۱۸: به مناسبت میلاد حضرت رسول (ص).

۸- شماره ۲۴: به مناسبت شهادت بزرگمرد تاریخ حضرت امام علی (ع).

۹- شماره ۲۷: چگونه هر روزی عاشورا است.

۱۰- شماره ۲۹ و ۳۰: میلاد منجی عالم بشریت.

۱۱- شماره ۲۹ و ۳۰: کامیابی پیامبر در اصلاح امور.

۱۲- شماره ۲۹ و ۳۰: میلاد نور.

۱۳- شماره ۲۹ و ۳۰: اسوه زن بودن به مناسبت میلاد حضرت زینب (س).

۱۴- شماره ۳۳: الگوی زن مسلمان.

۱۵- شماره ۳۴ و ۳۵: نگاهی به انگیزش بعثت پیامبران توحیدی.

۳۳- در مورد پاکستان :

۱- شماره ۵: علت تشنجات پاکستان چیست ؟

۲- شماره ۱۳: پاکستان و درگیری های اخیر.

۳۴- در مورد افریقا :

۱- شماره ۵: در افریقا چه می‌گذرد ؟

۲- شماره ۵: گذری بر قرارداد وحدت بین مراکش و لیبی.

۳- شماره ۶ و ۷: مروری گذرا بر انتخابات پارلمانی در مغرب.

۴- شماره ۶ و ۷: قحطی زدگان افریقا.

۵- شماره ۸ و ۹: مروری گذرا بر انتخابات پارلمانی در المغرب.

۶- شماره ۱۷: اسلام در افریقای جنوبی جان تازه می‌گیرد.

۷- شماره ۳۴ و ۳۵: کشتار علمای مسلمین توسط رژیم دیکتاتوری حاکم بر سومالی.

۳۵- اعلامیه های حبل ا... :

۱- شماره ۶ و ۷: به مناسبت سالروز اشغال نظامی افغانستان.

۲- شماره ۸ و ۹: به مناسبت سه حوت کابل.

۳- شماره ۸ و ۹: به مناسبت دهه فجر.

۴- شماره ۸ و ۹: به مناسبت شهادت ذبیح ا....

۵- شماره ۱۲: به مناسبت روز جهانی قدس.

۳۶- وضعیت بهداشت در افغانستان

سلسله مقالاتی تحت عنوان فوق از شماره ۶ و ۷ شروع شد و تا شماره ۱۴ در پنج قسمت به انتشار رسید. اینکه تا چه حد مفید واقع شد و یا نشد ما که نفهمیدیم، شما چطور ؟

۳۷- بیانیه و اعلامیه های احزاب :

۱- شماره ۸ و ۹: بیانیه احزاب متلفه در باره مرگ چرینکو.

۲- شماره ۸ و ۹: پیام جمعیت اسلامی افغانستان در باره شهادت ذبیح ا....

۳- شماره ۸ و ۹: پیام سازمان نصر افغانستان در باره شهادت ذبیح ا...

۴- شماره ۸ و ۹: پیام نهفت جهانی اسلام در باره شهادت ذبیح ا...

۵- شماره ۱۱: بیانیه احزاب موتلفه اسلامی افغانستان بمناسبت هفتمین سالگرد کودتای ۷ ثور .

۶- شماره ۱۲: اعلامیه احزاب موتلفه اسلامی افغانستان بمناسبت روز جهانی قدس .

۷- شماره ۱۴: بیانیه احزاب موتلفه اسلامی افغانستان در رابطه با کنفرانس ژنو .

۸- شماره ۱۴: پیام مجاهدین انقلاب اسلامی افغانستان به حجاج بیتا... الحرام .

۹- شماره ۲۴: فتاوی تاریخی فقیه عالیقدر آیت ا... العظمی منتظری در رابطه با استفتاء گروههای اسلامی هموطن .

۳۸- مزار شریف آخرین گریزگاه روس های وحشی

این بخش وقتی در مجله برای خود جا باز کرد که شایع بود که روسها قصد دارند پایتخت افغانستان را از کابل به مزار شریف انتقال دهند . ولی به دلائلی که برای ماروشن نیست از این طرح خودداری ورزیدند و باز هم تغییر مهره دادند ، نجیب گاو عوض بېرک رهبری حزب کمونیست را به عهده گرفت . بهر حال مطالبی بامزه یابی مژه همزمان با شایعات انتقال پایتخت به مزار در چند شماره انتشار یافت . با اینکه مطلب نا تمام ماند و نویسنده نتوانست بحث را تا آخر ادامه دهد ، باز هم برای جلب توجه خوانندگان فهرست مطالب این بخش را

ذکر می کنیم:

۱- شماره ۸ - ۹ مزار شریف آخرین گریزگاه روسهای وحشی .

الف : توسط سرزمین های تحت سلطه روس .

۲- شماره ۱۰ ب : جلوگیری از نفوذ اسلام و انقلاب اسلامی در سرزمین های تحت اشغال

۳- شماره ۱۱ د : رسیدن به بحر هند و آب های گرم خلیج

۴- شماره ۱۲ طرح های روسیه جهت رسیدن به هدف

۵- شماره ۱۳ مزار شریف

۶- " ۱۴ موء سسات صنعتی و تخنیک

۷- شماره ۱۵ تخنیکم و نفت و گاز مزار شریف

در اینجا بدون اینکه مطالب به آخر برسد ، ناتمام باقی ماند ، تادیده شود در آینده چه خواهد شد .

۳۹- آشنائی با مناطق افغانستان

در این قسمت واقعا " تاکسون کاری انجام نگرفته ، حبل ا... قصد دارد در صورت امکان و مساعدت شرایط تعدادی را به این کار بگمارد ، تا گزارشی از وضعیت کنونی مناطق آزاد شده کشور به خوانندگان گرامی تهیه و تدوین نمایند . تا بحال فقط دو عنوان در این باره داشتیم که خیلی هم ناقص و فشرده و بی پوست کنده بگویم ناتمام انتشار دادیم که عبارت اند از :

الف : بادغیس سرزمین محروم و

فراموش شده

که در دو قسمت در شماره های (۸، ۹ و ۱۰) انتشار یافت .

ب : شولگره میعاد گاه عاشقان ا...

که از شماره (۲۱ - ۲۲) شروع و در شماره ۳۲ با اینکه فقط هشت قسمت آن میگذشت نویسنده آن مجبور شد ، آنرا ناتمام به آخربرساند و عامل آنرا نیز خودش تا حدودی روشن ساخته است .

۴۰- آشنائی با سرزمین های اسلامی

در بسیاری موارد حبل ا... به این ضرب المثل معروف شباهت پیدا میکند که گویند " زور کم ، قهر بسیار " راستی حبل ا... هم با امکانات اندک و توانائی تحت صفر گاهی آرزوی بلندپروازانه ای را در سر می پروراند که متاء سفانه در این زمینه هیچ موفقیت نداشته . زیرا در صورتیکه تاهنوز نتوانسته افغانستان را به خوانندگان معرفی کند چگونه میتواند سرزمین های اسلامی را با آن وسعت و پیچیدگی هادرست ارزیابی نموده به خوانندگان معرفی کند . خوب مثل اینکه کمی هم از حق خود تجاوز کردیم معلوم نیست مسئولین چنین اجازه ای بمنگارنده داده باشند که از کم زوری خودمان بگویم حالا تا سردبیر خبر نشده زود فرامی کنیم و به اصل مطلب برمی گردیم و آن اینکه در این بخش فقط دو عنوان داشتیم یکی همان با ترکستان اسلامی آشنا شویم که قبلا " از نظر تان گذشت و دیگر کشور اندونزیا است و مطالبی درباره آن داشتیم که از شماره ۱۰ شروع شد و در سه قسمت تا شماره ۱۲ ادامه یافت .

اما اینکه خوانندگان از آن چیز فهمیده اند به خودشان معلوم است و این یکی که نگارنده باشد ، چندان از آنها سردر نیاورد . امید است که در آینده از اینگونه مطالب به فراوان داشته باشیم .

۴۱- مطالب پراکنده

در سال اول دومطلب پراکنده داشتیم که هر دو هم هر کدام فقط در يك شماره به چاپ رسیدند و بس ۰ مثل :

الف : اتحاد بنیادی نیروهای مبارز در شماره ۱۰

ب : سلطنت و سوسیالیسم درضدیت با اسلام در شماره ۱۱

تا اینجا مطالب و مضامینی که در شماره های سال اول بطور مقطعی و پیاپی ادامه دار تا سال دوم وحتى سوم الی آخر آمده نام برده شد. بدخواهد بود اگر اشاره کنیم که در آخر سال اول که ماه سوم بهار ۶۴ باشد مطلبی هم تحت عنوان يك سال از انتشار مجله میگذرد، درج شده بود که متاء سفا نه طراح عوض اینکه عکس جلد های چاپ شده را آنجا بیاورد، فقط آرم و شماره هارا آورده است، این کار این طور تلقی میشود که طبق ضرب المثل معروف " شتر را گفتند غمزه کن، زد پالیز را خراب کرد" با خواندن این مطلب طراح ما حتما " برنگارنده خرده گرفته و خواهد گفت اگر شما بودید حتما گردن شتر را بعنوان علامت يك سال انتشار به چاپ می رساندید. پای شتر یا گردن آن ، بنیم در سال دوم چه عناوینی علاوه می گردد.

۴۲- رهبری انقلابی در اسلام

این عنوان کتابی بود که مطالب آن در چند شماره بطور مسلسل به چاپ رسید و بعدا " خود کتاب نیز جداگانه به چاپ رسانده شد. علاقمندان می توانند مضامین این کتاب را تحت عناوین زیر مطالعه کنند :

- ۱- شماره ۱۴ - رهبری قانون هستی
- ۲- " ۱۵ - مراحل رهبری
- ۳- " ۱۶- شرعیت و ولایت رهبری

۴- " ۱۷ - تشکیلاتی و جنبش سازمان یافته اسلامی

۵- شماره ۱۸- نقش فعال پیشگامان جنبش

۶- شماره ۱۹ - شناخت امکانات جنبش

۷- " ۲۰ - اصالت یافتن شعار

۸- " ۲۱-۲۲ - تعدد تخریبی و نزاع برانگیز گروهها

۴۳- افغانستان درگذشته از دیدگاه شهید محمد منتظری

مطلبی تحت عنوان فوق در دو شماره (۱۴ - ۱۵) داشتیم که آغاز آن تحت عنوان فاجعه هفتم تیر به مناسبت سالروز شهادت مرحوم بهشتی و محمد منتظری و همراهان درج شده بود.

۴۴- گزارشات از تظاهرات هموطنان و میزگرد گروهها و مصاحبات

۱- شماره ۱۵ - مصاحبه مطبوعاتی سخنگوی احزاب موثلفه اسلامی افغانستان آقای "مزاری".

۲- شماره ۲۰ - گزارشی از میزگرد گروههای اسلامی افغانستان در هوتل لاله تهران.

۳- شماره ۲۳ - گزارشی درباره تظاهرات هفت ثور

۴- شماره ۲۵- ۲۶ - سخنان حجت الا- سلام کروی در مورد افغانستان درمدینه منوره

۵- شماره ۲۷ میزگرد گروههای افغانستانی مقیم ایران

۶- شماره ۳۲ گزارشی از میزگرد گروههای اسلامی افغانستان

۷- شماره ۳۲ تظاهرات ۶ جدی در خارج از افغانستان.

۸- شماره ۳۴- ۳۵ گزارشی از تظاهرات ۷ ثور

۴۵- همگام با حجاج هموطن

مطالبی گزارش گونه ای بود که یکی از همکاران حبل ۰۰۰۱ از مشاهدات عینی خود در سفر حج سال ۱۳۶۴ گیرد آورده بود و انتشار آن عکس العمل های زیادی را بدنبال داشت. و همان امر باعث شد که این گزارش سال ۱۳۶۵ اصلا " انتشار نیابد. خوب بنیم که این گزارش از کدام شماره شروع و تا کدام شماره ادامه داشته است. آغاز آن از شماره ۱۵ است و خاتمه آن شماره ۲۱ - ۲۲ اخیر سال ۶۴ است.

۴۶- توحید و تفریق در سیاست اسلامو کفر

این عنوان در چهار شماره (۱۵ - ۱۸) وجود داشت.

۴۷- دین و معارف اسلامی

سخنرانی استاد مبلغ از شماره (۱۶) شروع شد و تا شماره ۲۳ ادامه داشت

۴۸- داستان مقاله

در این قسمت نیز مثل بخش های دیگر پای حبل ۰۰۰۱ لنگ است ، فقط چند داستان کوتاه را انتشار داده است که توجه تان را به عناوین آن جلب میکنیم امید است که در آینده در این زمینه بیشتر توجه شود.

۱- ۲۱ - ۲۲ وطن و خاطره اش

۲- ۲۳ - ارزش شهادت

۳- ۲۸ سه روز مهلت

۴- ۳۳ - محبت

۵- ۳۴ - ۳۵ - مادر

۶- ۳۴ - ۳۵ تا آخرین نفر مقاومت

۷- شماره ۳۶ تا آخرین نفر مقاومت

۴۹- ارزش یابی ایدئولوژی :

مطالبی علمی اعتقادی اثر روحانی ناشناس هموطن " محمدی " که در دو قسمت

در شماره های (۳۳ - ۳۴) به دست نشر سپرده شد .

۵۰- انقلاب اسلامی و مکلفیت ما :

بررسی انقلاب اسلامی افغانستان ، موفقیت ها و شکست ها . این مطالب از شماره ۲۷ شروع شد و تا بحال ادامه دارد ۴۸- حبل ۰۰۱ و مردم :

انعکاس نظریات مردم که بطور پراکنده منتشر می شود و در آینده هم خواهد بود و تا بحال این عنوان چهاربار آمده است (شماره ۲۷ ، ۳۲ - ۳۳)

۵۱- اخلاق و معارف اسلامی :

سلسله درس های که یکی از همکاران حبل ۰۰۱ در تابستان ۱۳۶۵ برای تعدادی از طلاب هموطن گذاشته بود ، نوارهای آن پیاده شده از شماره ۲۸ به اینطرف تحت عنوان فوق انتشار می یابد و تا حالا هم ادامه دارد تاچه وقت ادامه خواهد یافت نگارنده نمی داند .

۵۲- شخصیت ها و نظریات :

این عنوان در شماره ۲۸ انتخاب شد تا نظریات سران گروه های هموطن و خصوصیات گروه تحت فرمانده شان به خوانندگان روشن شود . ازینرو تعدادی از سئوالات طرح و بانامی از دفتر مجله به دفتر و دیوان گروه های اسلامی پست گردید . بااینکه این فرصت خوبی بود تا گروه ها خودشان را معرفی کنند و به اصطلاح به رقبای خود فخر فروشی کنند و ولی متأسفانه مثل اینکه کسی رایاری حرکت و تحرك نبود و یا اینکه ما اشتباه میکنیم . گروه ها امنیت را مراعات میکنند ، نمی خواهند کسی از سرپودنه شان اطلاع یابند . چون در آن موقعیت از بسیاری گروه ها که فقط نام دارند و نشانی از نیروی نظامی شان در افغانستان

نیست پائین خواهد آمد .

پس اگر این توجیه را برای گروه های ذره بینی درست بدانیم پس آنهایی که ادعا دارند افراد مردمی و نیروی نظامی شان زمین وزمان افغانستان را زیر پا کز میکنند چرا به این سئوالات پاسخ ندادند ما چیزی نمیدانیم . همانطوریکه قبلا " در یکی از شماره ها آمده فقط یک گروه چیزی در این باره برای ما فرستاده که به نسبت عدم همکاری دیگران از نشر آن خودداری شد امیدواریم با خواندن این جملات مسئولین گروه ها (مشروط بر این که مسئولین محترم گروه ها اینقدر وقت داشته باشند ؟ به احساسات آمده ، قلم و کاغذ بدست گرفته عمل کرد هلی اجتماعی - سیاسی - نظامی - فرهنگی شان را برای خوانندگان ترسیم کنند .

البته اشتباه نشود ما دنبال اسرار اطلاعاتی گروه ها نستیم و نمی خواهیم که گروه ها تعداد سلاح و تعداد مشخص نیروی جنگی خود را افشا کنند بلکه می خواهیم روشن شود که در مقابل این تجاوز آشکار و کشنده نظامی روس ما چه کرده ایم .

۵۳- شناخت منکرهای جنبش :

مضامین تحت این عنوان در شماره (۲۹ - ۳۰) پایه حبل ۰۰۱ گذاشت و تاکنون بطور مرتب ادامه دارد ، حالا تا چه وقت ادامه خواهد داشت بستگی به زور و توانائی نویسنده آن دارد .

۵۴- ماه چه کرده ایم و در کجائیم :

این مطلب ارسالی یکی از روشنفکران جامعه ماست که در شماره ۳۳ به نشر رسید ، امیدواریم خوانندگان به مطالعه آن ، مطالب در این قسمت برای ما ارسال دارند .

۵۵- تشکیلات اسلامی :

عنوان جدید در شماره ۳۴ - ۳۵ جاباز کرد دیده شود چگونه و تا کجا ادامه می یابد .

در پایان این فصل بدنیت اشاره شود که حبل ۰۰۱ شماره (۳۱) خود را بنام ویژه نامه ششم جدی منتشر کرد . در این ویژه نامه بطور خیلی ناقص و کذ را اوضاع و احوال افغانستان تحت عناوین تشکیلات کشوری ، وضعیت جغرافیائی ، تاریخی ، اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی نظامی ، سیاسی منتشر شد .

قابل یادآوری است که تعدادی ما را سخت هوشدار دادند که اشتباه کرده ایم به افغانستان و ملت آن و حتی گروه های

ما دنبال اسرار اطلاعاتی گروه ها نستیم و نمی خواهیم که گروه ها تعداد سلاح و تعداد مشخص نیروی جنگی خود را افشاء کنند .

اسلامی توهین کرده ایم ، ما گفتیم شما کتباً " اعتراضات تان را بنویسید ما چاپ می کنیم و جواب خود را نیز می نویسم ولی کسی حاضر به اعتراضات سندی نشد که نشد .

در اینجا از طرف خود و همکاران اعلام میداریم که خوانندگان و صاحب نظران مو در مو نقایص و اشتباهات حبل ۰۰۱ را گوشزد نمایند ، ما درصدد اصلاح آن خواهیم شد . و هیچگاه از اعتراضات و انتقادات آزرده خاطر نمی شویم چون بقول آقای قرائتی حرف مرد سابق یکی بود و حالا صدنا است ، پس وقتی در جهان حرف مدتا باشد چرا ما اینقدر در نوشتجات خود يك دنده باشیم ، خوب زور آمد میگویم اشتباه شده ، شرایط چطور بود و چکار ؟ ...

حبل ا... و نامه ها :

همانطوریکه قبلا اشاره شد، در نظر داشتیم نظریات، پیشنهادات و انتقادات خوانندگان عزیز را که عقاید شانرا ذریعه نامه ها بما رسانیده اند، درج نمائیم تا راهنمایی گردد برای نویسندگان و تدوین کنندگان حبل ا...

اما بدبختانه به اثر عدم تجارب کافی در امر آرشیو و دسته بندی نامه ها و مطالب، بیرون ساختن مطالب مورد نظر از بین آنهمه نامه و پاکت که ما فقط جمع شان کرده بودیم نه دسته بندی و ردیف بندی، کاری آسان و ساده ای نبود. زیرا تازه متوجه میشدیم که چه مشکل بزرگ را پیش رو داریم و پس از سه سال برای اولین بار در فکر این کار افتاده بودیم، لذا با مشکلات فراوان فقط توانستیم، تعداد کل نامه ها را مشخص سازیم و نظر به محتوا آنها را جدا سازیم چون خیلی از نامه های که جنبه خصوصی داشت و برای صاحب امتیاز نوشته شده بود که ما از آن در مجله چیزی نیاورد جدا کردیم و همچنان نامه های که بطور شناخته شده در رابطه با مسئولین مجله و خود مجله بود، باز هم به نحوی از آنها صرف نظر کردیم.

اینجاست که تعداد نامه های مربوط به مجله از تابستان ۱۳۶۲ تا ماه ثور ۱۳۶۶ به ۱۰۲۷ عدد میرسد (سال ۱۳۶۲، ۵۹ نامه، سال ۱۳۶۳، ۲۶۸، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۵۹۶، ۱۳۶۶، ۱۰۴ نامه تقریبا بطور متوسط روزانه يك نامه تا بحال رسیده است) ما از آن جمله ۳۲۸ نامه را در خود مجله جواب گفته ایم و بقیه ۸۰٪ کتباً جواب گفته شده،

۱۵٪ آن جواب نمیخواسته اند، ۵٪ گه جواب هم میخواستند، چیزی میخواستند که درج آن در مجله سودی به حال خواننده نداشت و جواب کتبی آن نفع به حال خود سؤال کننده ممکن است در بین این ۵٪ نامه های لا جواب نامه هائی هم وجود داشته باشند که درج جواب آن در مجله ویا بصورت کتبی دور از فایده نبوده باشد اما به نسبت نیافتن پاسخ صحیح آن در وقت معین مسئول پاسخ به نامه ها (نگارنده) آنها را برای آینده گذاشته بود که همانطور وقت آن گذشت و پاسخ داده نشده است. البته تعداد از این قبیل نامه ها از چند عدد تجاوز نمی کند.

بهر حال پس از مرور نامه ها و سرگذشت سه ساله پیشنهاد و انتقاد خوانندگان را که با ما تماس گرفته اند به سه دوره تقسیم می کنیم، یعنی هر دوره به تناسب سال، موضع گیری های را بدنبال دارد و هر کدام هم به نوبه خود نظر به شرایط زمانی و مکانی قابل بحث و بررسی است که خود خوانندگان و تحلیلگران بخوبی رویدادهای چند سال گذشته را به یاد دارند و اینک توجه شما خوانندگان عزیز را بطور اجمال به سه دوره جلب می کنیم.

الف : سال اول انتشار : آغاز کار و شروع فعالیت حبل ا... مقارن و بسا در پایان عمر تبلیغات ضد گروهی اتفاق افتاد که گروه و حزب بعنوان های مختلف از جمله گروه گرائی شرک است و حزب و گروه بت است، کوبیده می شد. ما به این کار نداریم که شعار ها ساخته چه کسی و چه نهادی بود،

چون در ویژه نامه ۶ جدی حرف خود را گفته ایم و حاجت به تکرار نمیدانیم ولی شگفتی در این بود که در اوج تبلیغات ضد گروهی، گروه های همچون سمارق از گوشه و کنار سر بلند میکردند تعدادی هم کاملا نابود شدند، شاید تاریخ نگاران کشور ما از آن دوره به عنوان دوره افول و پیدایش گروهك ها در یادداشت های شان مطالبی داشته باشند حبل ا... درین شرایط نشر و پخش شد که مردم به دیدن هر اعلامیه بیاد اعلام موجودیت گروه تازه می افتادند بنابراین تعدادی مارگزیده و تعدادی هم آگاهانه بجان حبل ا... افتادند. انتقاد درین دوره بیشتر جنبه گروهی دارد، بعنوان های مختلف حبل ا... را کوبیدند که شماره های سال اول و بخش پاسخ به نامه ها کم و بیش آن علامت ها را نشان می دهد. سئوالات درین سال بیشتر روی این محاور می چرخید : آیا شما به فلان گروه وابسته نیستید؟ آیا شما مزدور نیستید؟ آیا شما ... پیشنهادات محدود بود و تعدادی اندک با حسن نیت، نظر خود را جهت بهبودی وضع مجله اعلام میداشتند. انتقادات فراوان اما چه انتقادی که باید نام انرا دشنام گذاشت. درین سال مسئله سید جمال الدین خیلی حاد بود. تعدادی سخت ناراحت شدند که چرا او را افغانستانی ننوشته ایم و این کار را دال بر مزدوری ما می دانستند.

ب : سال دوم و مسئله روحانیت : سال اول با تمامی گرفتاری ها پشت سر گذاشته شد و سال دوم مجله آغاز گردید شرایط سیاسی روز بر روحیه خوانندگان نامه نویس حبل ا... اثر گذاشت و این

بار بر خلاف سال قبل مسئله گروه و حزب حاد نبود، چون قرار بود شورای روحانیت مشکل را حل کند و به این بی سر و سامانی ها خاتمه دهد. تعدادی شروع کردند به این مطلب که چرا حبل ... روحانیت را میگوید، این کار حساب شده بود تعدادی از ناآگاهی توده های مظلوم هموطن که از فقر و دربدری نتوانسته اند سواد بآموزنند و امروزه با سختی های جانکاه در کوره ها و دیگر کار های شاقه مشغولند، استفاده کرده اهداف سیاسی خود را مطرح می ساختند و در بین مردم شایع می ساختند که حبل ... ضد روحانیت است، فلان روحانی و فلان سید را مرتجع گفته ...

اغلب انتقاد نویسندگان نامه در این دوره روی این محور می چرخید و روش سیاسی - اجتماعی مجله نیز به فرصت طلبان، بیشتر میدان میداد تا عدم وجود مقالات مذهبی - دینی را در مجله به توده های مظلوم و درد دیده بعنوان سندی از گفته ها و سخنرانی های شان معرفی کنند. انتقاد پشت انتقاد شروع می شد که چرا حبل ... مضمون اعتقادی دست اندرکاران متحیر بودند - و نه اذهان عمومی را بخود جلب نند و شایعات را خنثی سازند. اگر بگویند و بنویسند که چه فرقی میکند که در حبل ... مطالب اعتقادی کم باشد و یا نباشد شما میتوانید مجلات اعتقادی که از سوی حوزات علمیه منتشر می شود را مطالعه کنید. اینکار به استفاده جویان فرصت میداد که بیشتر روی مسائل سیاسی تکیه میکنند، چون همیشه مردم ما از این کانال

ضربه خورده و باید اذهان مردم روشن شود و مسائل اعتقادی را باید کسانی که واقعا آگاهی علمی دارند نشر و پخش کنند، در آنصورت شایع خواهند نمود که حبل ... منکر مسائل اعتقادی است. در این زمان پیشنهاد خیر خواهان و دوستان مجله این بوده است که باید مسائل اعتقادی مجله بیشتر گردد. این کار انجام گرفت چند مطلب اعتقادی آهسته آهسته در مجله جا باز کرد که در سال سوم بیشتر شد. ولی در عوض از مطالب سیاسی - جهانی مجله کاسته شد و مجله صرفا در محدوده افغانستان درآمد. علاوه بر آن یک سلسله مشکلات در آوارگی وجود دارد که طبعاً ایران به خاطر جا دادن بیش از دو میلیون مهاجر ما نیز به آن مواجه است و نارسائیهای وجود دارد که مهاجرین از آن رنج می برند. ولی این خیلی بی انصافی است که حبل ... در ایران باشد اما از موفقیت ها و پیروزی های رزمندگان ایرانی در جبهات جنگ و یا موفقیت های نظام اسلامی و جمهوری اسلامی حرفی به زبان نیاورد. اگر چیزی بنویسد تبلیغات استفاده گران، خوانندگان حبل ... را از مطالعه مجله باز دارند، چون در آنروز ها کفایت میکرد اگر یکی از نارسائی ها را به حبل ... نسبت میدادند، همانطور که ندادن نفت، دفترچه بسیج و نامه تردد را به برخی گروه های رقیب نسبت میدهند و شگفتی هم در این است که مردم بسیاری شان این ترفند ها را باور میکنند. حبل ... که توانائی اینگونه زور آزمائی را بخود نمی دید، همواره از این سنگ گریخت و این گریز برای دو طرف

قابل حل نبود، مهاجرین حبل ... متهم میکردند که وضع آنها را نادیده میگیرد، میزبانان میگفتند چرا از کار ها نام برده نمیشود. راستی تو خواننده عزیز اگر در شرایطی قرار بگیری که هم بر فرقت با چوب بکوبند و هم بر قلبت با سنگ بزنند کدام را ترجیح میدهی؟

ج: سال سوم و مسئله اتحاد: درین دوره بر خلاف دوره های قبل انتقاد متوجه خود مجله نیست بلکه انتقاد بر گروههاست که چرا اتحاد نمی کنند، علت درگیری شان چیست؟ جوابات مکرر مجله خوانندگان را قناعت نمیداد، همواره بر سئوالات، پیشنهادات و انتقادات خود در آن باره پافشاری میکردند. ما جهت رفع غائله و در ضمن باز شدن و باز کردن راه منطقی جهت آشنا ساختن مهاجرین به مشکلات انقلاب و عوامل درگیری ها، بخشی را در مجله انتخاب کردیم به نام نظریات و شخصیت ها و سئوالات انتخاب شده را نیز در مجله به چاپ سپردیم و هم به دفاتر احزاب ارسال نمودیم، تا از این طریق توطئه ها و دست های مرموزی که در راه انقلاب سنگ اندازی می کنند، کشف و شناسائی گردد. متأسفانه باین پیشنهاد ما ترتیب اثر داده نشد و گروه ها به آن اعتنا نکردند.

بدنبال آن چارت ترتیب شده از سوی یکی از گروهها راجع به تعداد احزاب در افغانستان از سوی حبل ... به چاپ رسید. هدف از نشر آن وادار نمودن خوانندگان به مطالعه و بررسی پیرامون مسائل افغانستان بود و در ضمن بتحرک واداشتن احزاب در دفاع از مواضع و خط

خواهران داشتیم که این خود نشان میدهد هنوز زنان افغانستان به طور فعال در مبارزات فرهنگی سهم نگرفته اند، یا شاید هنوز آن حسن نظر را در باره حبل ا...آ یافته اند.

در پایان باید به وعده‌ای که به همکاران و نویسندگان حبل ا...آ که در شهرهای دیگر بسر می‌برند داده بودیم، عمل نموده خواسته‌ها و پیشنهادات خوانندگان را جهت بهبودی وضع مجله و پر بار ساختن و مورد علاقه قرار دادن خوانندگان، به ایشان گوشزد نمایم. ولی این واقعیت تلخ را باید پذیرفت که جامعه عمل پوشاندن به خواسته‌های اغلب نامه نویسان کاری سخت دشوار و غیر قابل انجام است و آن درج واقعیت های زندگی مهاجرین صرفا در ایران است. گرچه اینگونه پیشنهادات از قلب های صاف و پاک هموطنان ما سرچشمه می‌گیرد ولی گردانندگان این گونه طرح‌ها دشمنان ما است که می‌خواهند انقلاب اسلامی را در اذهان جهانیان مخدوش سازند. بنابراین با کمی دست کاری به طرح‌ها و پیشنهادات خوانندگان عزیز. موضوعاتی که باید روی آن کار شود و از جمع‌بندی کار چند ساله و نظریات خوانندگان بیرون آمده از این قرار است:

۱- بررسی انقلاب اسلامی افغانستان

الف: چگونگی آغاز و شرایط قبل از انقلاب.

ب: وضعیت موجود، نقاط ضعف و نقاط قوت.

ج: آینده انقلاب و افشای طرح دشمنان.

۲- سیاست کشور های همسایه در قبال

انقلاب اسلامی ما.

سر انجام حبل ا...آ توانست موجودیت

خود را بعنوان يك مجله سیاسی-

اجتماعی عقیدتی در بین مهاجرین

مطرح سازد.

درج این واقعیات نقاط ضعف مجله را افشاء میکند ولی ما در نظر داریم با شناسائی نقاط ضعف در صدد اصلاح برآئیم. آمار نامه های وارده مربوط به مجله از این قرار است:

(جدول نامه ها در صفحه ۶۴)

شاید درج این فهرست برای خیلی از کسان از جمله برادران ایرانی ما، قابل حل نباشد، و اینطور تصور خواهد شد که تا کنون خواننده حبل ا...آ به این تعداد رسیده در حالیکه واقعیت چیزی دیگری است و آن اینکه مردم ما نظر به همان رفتار وحشیانه رژیم های کودتا و قبل از آن رژیم های دیکتاتوری محمد زائی، به پست و نامه نگاری توجه چندانی نشان نمیدهند. این واقعیت را وقتی میتوان درک کرد که قبول کنیم بسیاری از افغانستانی ها در طول دو سال خدمت عسکری خود حتی ۵ نامه به خانواده خود ننوشته اند اگر هم کاری پیش می‌آمد یا رخصتی می‌آمدند و یا اقوام و بستگان از نزدیک با ایشان دیدار می‌نمودند. طبیعتا این روحیه در آوارگی نیز کم و بیش به همان قوت خود باقی است، زیرا ۹۰٪ نامه ها را طلبه های حوزات و دانش آموزان نوشته اند و ۱۰٪ را هم کارگران و باقی مردم. و در طول سه سال فقط چهار نامه از

و مشی فکری و فعالیت مبارزاتی شان. متأسفانه برخلاف تصور ما احزاب تکان نخورد، فقط بر عطش خوانندگان افزوده شد و در ضمن تعدادی علیه ما اعلام جرم کردند که در مجله هم انعکاس یافته است. همچنان تعدادی دلسوزانه بر ما اعتراض کردند که با اینکار مرده ها را زنده ساخته ایم و گروهکهای که اصلا وجود ندارد بزرگ ساخته ایم، جواب ما این بود که هر کس نظریات خود را بنویسد تا بعنوان اعتراض چاپ گردد. تا امروز که چیزی به دست ما نرسیده، در آینده اگر کدام چیزی برسد!

پس از مدتی سر و صدای آن تییز خاموش شد و ماههای اخیر سال سوم فقط به این خلاصه می‌شد که خوانندگان درخواست مجله کردند و ما را در کار مان بتشویق و ترغیب می‌نمودند. فضای سکوت، ما را به این اندیشه واداشت که سرانجام حبل ا...آ توانست موجودیت خود را بعنوان يك مجله سیاسی- اجتماعی - عقیدتی در بین مهاجرین مطرح سازد ولی قرائن و شواهد موجود حاکی از آن است که این سکوت نه موفقیت حبل ا...آ است و نه باورداشت مردم نسبت به کار و روش آن، زیرا نشر و پخش آن خیلی محدود بوده و این نشانگر آن است که هنوز حبل ا...آ نتوانسته در ایران بین مهاجرین جا باز کند چه رسد به کشور های دیگر و حتی داخل کشور. فهرست زیر این نقیصه را بخوبی آشکار می‌سازد که بسیاری از مهاجرین در شهر های بزرگ ایران حتی به اسم حبل ا...آ آشنائی ندارند. چه رسد که در باره آن نظر داشته باشد. گرچه

الف: سیاست روسیه وحشی .

ب: سیاست چین کمونیست .

ج: سیاست جمهوری اسلامی ایران .

د: سیاست پاکستان .

ه: موضع گیری هند، امریکا و کشور های دیگر .

۳- بررسی وضعیت سیاسی - اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی مردم افغانستان .

الف: وضعیت مردم در داخل شهر ها و تحت نفوذ و سلطه روس .

ب: وضعیت مردم در مناطق آزاد شده و تحت کنترل مجاهدین .

ج: وضعیت مهاجرین در کشور های همجوار پاکستان و ایران .

د: وضعیت آوارگان در کشورهای غربی .

۴- بررسی زندگانی علمی - فرهنگی علمای بزرگ گذشته و حاضر افغانستان .

الف: تحقیق و بررسی نقش فرهنگی علمای اسلام در جامعه گذشته افغانستان و جهان اسلام .

ب: عوامل فراموشی شخصیت های علمی و تاریخی و چگونگی زنده سازی نام و فکر آنان .

ج: تحقیق در باره شعر و شاعری در افغانستان .

د: معرفی چهره های علمی امروز تحت عنوان گفتگو یا سنگر نشینان اسلام .

۵ - شناسائی نهضت ها و شخصیت های سیاسی - فرهنگی جهان اسلام .

الف: موشکافی نهضت اخوان المسلمین ب: بررسی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی .

ج: احزاب اسلامی امروز کشور های اسلامی .

د: عوامل شکست نهضت های اسلامی

در گذشته های دور و نزدیک .

۶- مسائل عقیدتی - اخلاقی .

الف: جمع بندی مطالب اعتقادی -

اخلاقی - تاریخی به سویه نو جوانان .

ب: جمع بندی مطالب اعتقادی -

اخلاقی - تاریخی به سویه جوانان .

۷ - مسائل سرگرم کننده و تفریحی دماغ .

الف: درج جدول . ب: فکاهیات . ج: کاریکاتور . د: مسابقات .

۸ - کمک به نو آموزان نویسنده و شعرای تازه کار .

الف: اصلاح مقالات و نبشته های ارسالی

ب: اصلاح شعر و راهنمایی شعرای تازه کار .

ج: آموزش فن نویسندگی .

د: آموزش شیوه مطالعه .

۹- مطالب گوناگون سیاسی .

الف: واژه ها و اصطلاحات سیاسی .

ب: سیاست مداران برجسته تاریخ .

ج: سیاست مداران و سیاست بازان کنونی .

د: نقش سیاست در دنیای کنونی .

۱۰- مطالب در مورد سازمان های اطلاعاتی جهان .

الف: نقش اطلاعات در جهان امروز .

ب: سازمان های جاسوسی جهان .

ج: نظریات اسلام در باره اطلاعات .

د: شیوه های فراگیری آن جهت مقابله با دشمن .

۱۱- سازمان های بین المللی جهان .

الف: نقش پیمان های بین المللی در تاریخ .

ب: سازمان های بین المللی امروز .

ج: نظر اسلام در باره اینگونه سازمانها

چیست ؟

د: بررسی اهداف سازمان ها .

در اینجا بجاست که از تمامی صاحب نظران، طراحان، نویسندگان هم وطن و سایر برادران مسلمان و دلسوز و دوست مردم مسلمان افغانستان تقاضا نمائیم که ما را در این کار یاری رسانند تا باشد به همکاری و همدردی شما برادران و خواهران همدرد و هم کیش خدمتی به ملت مظلوم و عذاب کشیده افغانستان نموده باشیم . مجله نه تنها مال قشر خاص و گروه خاصی نیست که حتی به افغانستان هم خلاصه نمی شود بیائیم جهت بر بار گردانیدن این مجله همت گماریم و درد های مسلمین را به همدیگر آشنا سازیم، به امید آروز .

در پایان با عرض پوزش از همکاران و کسانی که بعد از این با ما همکاری میکنند تذکر این نکته را لازم میدانیم که حتی الامکان مطالب در هر بخشی که باشد باید به سبک ساده و روان نگارش یابد زیرا علاوه بر اینکه نامه های ارسالی نشانگر سطح سواد و درك علاقه مندان است، واقعیت موجود نیز نشان میدهد که قشر عظیمی از جوانان و نوجوانان اعم از دختر و پسر تازه در کلاس های نهضت سواد آموزی و دوره ابتدائی و راهنمائی سواد خواندن و نوشتن آموخته اند و مراعات حال آنها ضروری است . با اینکه در نظر است حبل ... نوجوانان هم بوجود آید ولی در شرایط فعلی نظر به عدم تجارب کافی و نبود امکانات، از راه اندازی آن معذوریم ، لذا همین حبل ... را باید مطابق با سطح فکری مردم به پیش برد ، (والسلام)

وی از سال ۶۵۴هـ تا ۶۶۵هـ (۱۲۵۶-۱۲۶۷ میلادی) ادامه یافت و در دوره او اسلام انتشار وسیعی یافت مخصوصاً "در میان قبیله طلالی که از نسل جوجی بودند . برکت خان در ایمان خود بدانجا رسید که بایسر عوفیش هو لاکو به جنگ برخاست و هو لاکو باتا، شیر پذیری از جریانیهای نصرانی، کینه، شدید به اسلام داشت . برکت با سلاطین ممالک بر ضد هو لاکو و فرزندش اباقا ایستادند .

سلطه، قبیله، طلالی در روسیه امتداد یافت و حوزه رود ولگا در دوره آنان، اسلامی خالص بود. این مغولان در داخل روسیه امپراطوری اسلامی را- بنیاد کرد و بر مسکو و لهستان حکومت کردند و امیر مسکو با موافقت آنان، نصب میشدو شهر قازان در نزدیکی مسکو را ساختند که در مدارس و مساجد خود شهرت یافته بود و همچنین در شمال دریای قزوين، شهر استراخان را بنا کرد و پایتخت آنان شهر سراسر در ساحل رود ولگا بود. و از همین خاندان سلطان محمد اوزبک بود که امور این خاندان را در سال ۷۱۲ هـ بعهدہ گرفت و حکومتش تا سال ۷۴۱ هـ ادامه یافت و این بطوطه جهانگیر معروف مسلمان در مسافرت مشهور خود او را دیده و درباره وی چنین گفته است : "و این سلطان، مملکت عظیم دارد و بسیار نیرومند و با عظمت و بلند مقام و غالب بردشمنان خدا (اهل قسطنطنیه بزرگ) و در جهاد با آنان جدی و کوشا است، کشور او وسعت یافته و شهرهایش بزرگ است که از جمله آن شهرها کفاو کریمه و ماچر و اراق و سراق و خوارزم است و پایتختش سرا است . و او یکی از آسایان میانہ را بعهدہ گرفت و حکومت

اسلامی تحت اشغال روسی ملحد و اطلاع یافتن از سرنوشت بیش از ۵۰ میلیون مسلمان در روسیه، کمونیست، ترجمه نموده و در اختیار شما قرار میدهم بدان امید که بایر روزی مجاهد مردان مسلمان میهن، کاخ کرملین درهم کوفته شود و میلیونها مسلمان در بند روسیه آزاد گردند.

باترکستان اسلامی شناسیم

(قسمت ششم)

برکت خان مسیر مغول را تغییر میدهد :
برکت خان فرزند جوجی ظاهر شد تا مسیر مغولان دشمن اسلام را تغییر دهد. "برکت" همچون پدرش جوجی دوستدار مسلمانان بود و خود جوجی هم هنگامیکه دیدنیل خون، بدون مجوز و تقصیر توسط پدرش جاری شده، در مقابلش ایستاد و جانش را نیز در این راه از دست داد .
و چنین پیداست که او در تغییرات بعدی نیز نقش داشته است . همانطوری که جوزجانی میکوبد برکت را به یکی از علمای مسلمین در چند سپرد تا تربیت کند . . . برکت فرد متدین و پرهیزکار بود و برای هیچ کس در ارتش اجازه نمیداد که، گوشت خنزیر بخورد و بل همه سربازانش را مسلمان ساخت . برکت پس از برادرش "باتو" که او نیز همکار و همدرد مسلمانان بود، امور ترکستان و آسیای میانه را بعهدہ گرفت و حکومت

(پیوست به گذشته)
باپوزش از خوانندگان محترم حبل...
که نشر این سلسله مقالات ترجمه شده مدتی بتا، خیر افتاد همانطوریکه قبلاً متذکر شدیم این مقالات بخشی از کتاب (مسلمانان روسیه در مسیر تاریخ) نوشته دکتر محمد علی البار به زبان عربی است که برای استفاده، بیشتر خوانندگان و آشنائی با مناطق وسیع

کیوک و هو لاکو تحت تا، شیر ملیبیها واقع شده و حمله بر مسلمین را تشدید می بخشند :

در دوره کیوک فرزند اوکتای، هو لاکو تحت تا، شیر کیوک قرار گرفته و به حمله بر دارالخلافه، بغداد تشجیع شد . . . او خرابی و ویرانی را در سر تا سیر سرزمین خلافت گسترش داد و متوقف نشد جز در "عین جالوت" که فرمانده او "کتبغا" بدست سلطان قطز و فرمانده ظفر مندش "ظاهر بیبرس بندقدار" شکست خورد . کیوک و هو لاکو متاثر از نصرانیت بوده و هیچگاه رفت و آمد فرستاده های پاپ از دربار آندو قطع نمی شد . . . و اباقا فرزند هو لاکو نیز چنین عمل کرد . . . اما تکودار فرزند دوم هو لاکو از نصرانیت به اسلام گروید و لذا پسر برادرش "ارغون" که دشمنی شدید به اسلام داشت او را بقتل رسانید .

دنیا هستند و آنها عبارتند از :

مولای ما امیرالمؤمنین، سایه خدا در زمین و پیشوای طائفه منصوره که تا قیام قیامت پشتیبان حق هستند.

(منظوروی خلیفه عباسی است که پس از ویرانی بغداد توسط هولاکو به مصر منتقل شد و صرفاً "سمبول امت اسلامی حساب می شد) و سلطان مصر و شام (از ممالک اوسلطان عراق (ازمنولان مسلمان که ایلخانی نامیده می شدند) و همین سلطان اوزبک (ازقبیله

طلائی مغولی) و سلطان بلادترکستان و ماورالنهر (سلطان طرمشیرین که بسال ۷۲۷ ه داخل در اسلام شد) و درجه عظیمی از تقوا داشت و از نسل جغتای پسر چنگیزخان بود و همه اراضی تحت قلمرو حکومت جغتای در دوره او به اسلام تحول یافته و پرچم اسلام در زمان او تا مغولستان و چین برافراشته شد) و سلطان هند و سلطان چین.

این بطوطه توصیف دقیقی از کردار های طرمشیرین فرزند جغتای دربارا بجای گذاشته که در فصل "بخارا و دانشمندان آن" نقل کرده ایم و در این جا تکرار نمی کنیم. از آنچه گذشت روشن می کرد که چهار فرزند چنگیز و نواده گان آنان چگونه سیاستهای مختلفی درقبال اسلام و مسلمین در پیش گرفتند که به اختصار ذکر می کنیم:

جوجی پسر چنگیز خان :

قبلاً گفته شد که او دوستدار مسلمین بود تا آنجا که به فکر ترور پدرش افتاد تا جلو ویرانگری های پدرش در بلاد مسلمین را بگیرد و در این راه جانش را نیز نثار نمود چون پدرش از هدف او اطلاع پیدا کرد و اقدام به

مسموم ساختنش نمود.

جوجی حکمرانی منطقه خوارزم و غرب سبیری و دشت قباچاق و ماورالنهر را بهمه داشت. از جوجی دو پسر بنام باتو و برکت بماند. اما باتو نیز دوستدار مسلمین بوده و آنان را بخود نزدیک میداشت ولی اسلامش را اعلام نکرد. باتو قبیله طلائی را تاءسیس نمود که برخوارزم و ماورالنهر و سبیری و مناطق وسیعی از روسیه حکم رانند و او لیس کسی از این قبیله اسلام

محمد اوزبک در سال ۷۱۳ ه به تخت سلطنت نشست و تا زمان درگذشتش به سال ۷۴۱ ه در حکومت ادامه داد و او از قبیله طلائی بود.

در قرن نهم هجری و دقیقاً "در سال ۸۴۲ ه قلمرو دولت قبیله طلائی به چندین دولت کوچک ایلی و خانی تقسیم شد که عبارت بودند از :

۱- استراخان : کوچوس نواده او روس خان در سال ۸۲۲ ه حاکمیت منطقه استراخان واقع در شمال بحر قزویین را

مغولان در داخل روسیه امپراطوری را بنیاد کرد و بر مسکو و لهستان حکومت کردند و امیر مسکو با موافقت آنان نصب می شد و شهر قازان در نزدیکی مسکو را ساختند که در مدارس و مساجد خود شهرت یافته بود.

بدست گرفت و تا سال ۹۶۵ ه که ایوان چهارم معروف به ایوان مخوف. این منطقه را اشغال کرد. حکومت آن برای جانشینان و فرزندان او باقی ماند.

۲- قازان : قازان دولت خانی کردیدو الغ محمد در سال ۸۴۲ ه حاکم آن شد و در سال ۸۵۰ کشته شد و قازان که نزدیک مسکو است در دست پسران و نوادگان او باقی ماند تا سال ۹۶۰ که ایوان مخوف اشغال نمود.

۳- کریمه : حاج کرای پسر برادر الغ محمد مؤسس دولت ایلی قازان به کریمه منتقل شد و در سال ۸۵۳ ه خان آنجا شد او در سال ۸۷۰ در گذشت و حکومت جزیره کریمه برای دودمان او باقی ماند تا سال ۱۱۹۸ ه (۱۷۸۳ م) در دوره کاترین امپراطور که روسها بر آن منطقه مسلط شدند.

ادامه دارد

آورد برکت خان پسر جوجی بود که از سال ۶۵۴ تا ۶۶۵ ه امور این قبیله را بهمه گرفت و اسلام در دوره او انتشار وسیعی یافت. برکت خان مرد پرهیزکار و کاری بود و در کوچکی زیر دست یکی از علمای خجند، قرآن را آموخته و اسلام را فرا گرفته بود و این دلیل بر همدلی پدرش با مسلمانیها است که برای پسر کوچکش اجازه داد زیر دست یکی از علمای اسلام درس بخواند. از زمان اسلام آوردن برکت خان در قرن هفتم هجری اغلب عشاشر قبیله طلائی نیز اسلام آوردند و مسلمان سنی شدند و اینها نقش زیادی در نشر اسلام در منگولسی و سبیری و روسیه داشتند. این بطوطه در مسافرتش داستان دیدار خود را با سلطان محمد اوزبک بیان داشته که بر کل رود ولکا از منبع تا مصب آن و بر کریمه حکومت می کرده است. سلطان

حبل ا... و مردم

انقلاب ، انقلابی خواهیم یافت، لذا با اینکه خود جز انقلاب و دویدن درین راه آهی در بساط ندارم ولی وجدانا باز هم تصور میکنم که اصلا انقلاب و روحیه انقلابی در قلب من رسوب نکرده چون داستانهای انقلابی های صدر اسلام را مطالعه میکنم که در بدترین شرایط و در لحظات تشنگی قریب است جان مجاهدان را بگیرد باز هم مجاهد تشنه آب را بدوست خود تعارف میکند و او را از خود تشنه تر احساس میکند. و یا انقلابی های دوران امام حسین (ع) در روز عاشورا جهت رفتن به رزمگاه که میدانستند برگشت ندارد، از همدیگر پیشی می گرفتند. ولی اغلب انقلابی های امروز همه چیز را برای خود میخواهند و برای رفتن به جبهات هم هزاران توجیه و تاویل درست میکنند تا قدم به آنطرف مرز نگذارند (البته منظور انقلابی های خارج از کشور است ورنه دلیرمردان داخل کشور از رفتن به صحنه نبرد و شکار خرس های قطبی هیچ ابائی ندارند). بنا بر این تعریف ممکن است انقلابی نباشیم ولی از آنجائیکه ایمان به پیروزی دارم و مایوس نیستم، شاید به اصطلاح انقلابی باشم.

به هر حال انقلابی و یا به اصطلاح انقلابی، هر چه است یکی از این پنج میلیون آواره، دور از وطن که بخواری و ذلت روز به شب میرسانم. اما آنچه مرا واداشت تا دست به قلم برده این خامه را تحریر دارم و برای شما ارسال دارم درد های است که احساس میکنم و رنجهای است که چون نشتر بقلبم ضربه وارد میکند. قلبم از تراکم آلام و

دست اندرکاران نشر و پخش، صرفا بیان واقعیتی است که خود احساس میکنم و اینک بقیه درد ها و رنج هایم را نزد شما مسئولین مجله باز می نمایم تا اگر صلاح دیدید و مایه ذوقتان واقع شد انتشار دهید تا خوانندگان مجله نیز از این مصائب وارده بر ملت مظلوم ما آگاهی یابند. گرچه ممکن است دوران جوانمردی باشد که حرف خانه را به بیرون نشر دهیم یعنی خصوصیات ملی خود را بدیگران بنمایانیم ولی با درک این واقعیت که مسلمانان همه برادر هم اند و تمامی سرزمین های اسلامی خانه مسلمین، پس اگر دردی هم گفته شود با دوست بوده است نه دشمن با اینکه دشمن هم آنرا خواهد فهمید.

بهر حال قبل از هر چیز و هرگفته، خودم را به شما معرفی کنم تا چوب اتهام شما را نخورم که عقده ای، مایوس و فریب خورده ام قلمداد نکنید، زیرا خود از دانشجویان قدیمی وطن مظلوم هستم که با شروع انقلاب بخصوص پس از اشغال نظامی سرزمین اسلامی و آبائی مان به نحوی به انقلاب چسبیده ام و تا امروز هم به اصطلاح انقلابی ام. اینکه گفتم به اصطلاح به خاطر آنست که انقلابی شدن چندان آسان نیست و اگر خوب به مفهوم انقلاب توجه کنیم کمتر کسی را از میان این همه مدعیان

مسئولین محترم مجله حبل ا... السلام علیکم ورحمة ا... و برکاته! امیدوارم حال همگی تان خوب باشد تا بتوانید هرچه با نشاط تر و با حوصله مندی تمام، درد های ملت مظلوم خویش را به رشته تحریر درآورده به خوانندگان دوست داشتنی مجله از هر قشر و طبقه و هر نژاد و قوم و هر کیش و مذهب که باشند عرضه دارید. با اینکه ضعفها و نقایص بزرگو در خور توجه در مجله حبل ا... بچشم می خورد که شاید از عدم تجارب کافی در امر نشر و پخش و از بی تجربگی برخورد های اجتماعی - سیاسی دست اندرکاران تازه کار باشد که هرگاه این کمبود ها برطرف گردد، بهتر خواهد بود. از جمله یکی از این کاستی ها موضع تند و گاهی حتی بچگانه حبل ا... است، در حالیکه همگان بخوبی دریافته ایم که شرایط امروز هر چند ملت ما اکثرا از نعمت سواد محروم اند چه رسد به درک تجزیه و تحلیل ها ولی برای مردم جهان آنچه ارزش دارد تحلیل های موثق و گزارشات دقیق و آماري است که متأسفانه نه تنها حبل ا... که پای تمامی نشریات هموطنان در این زمینه لنگ است. ولی با آنهم هرگاه انصافا قضاوت کنیم میتوان روی مجله حبل ا... حساب کرد. غرض از این تذکر کوچک نه جلب توجه خوانندگان است و نه هم تحریک

مصائب نزدیک است بترکد و درد را با شما در میان میگذارم .

برادران دست اندرکار حبل ... !
ای تحلیل گران سر غندی خیر ! شمارا به خدا برای يك بار هم که شده از آن مرکب خیال و افکار دور از واقعیت بزیر آمده از روی درد و احساس سری به ماتم کده، گلشهر شریف بزنید و پس از آن تحلیل تان را به اساس این مشاهدات جانکاه که چهره های زرد و تکیده ـ مآدران سالخورده، پدران پیر و جوانان مایوس و سرخورده از همه چیز و همه کس، مسئولیت شما را بیش از پیش سنگین میکند، ارائه دهید نه اینکه صرفاً در گوشه های دور از مردم و فارغ از هیاهوی زمانه، با خواندن مجلات و روزنامه ها و شنیدن رادیو ها که بسیاری شان فرسنگها از واقعیت دور است، تحلیل بنویسید و طرح ارائه دهید. شما حرف از فردا میزنید و طرح های دراز مدت و کوتاه مدت پیشنهاد میکنید. بیائید غم امروز را بخورید فردا غمخواران دیگری خواهند بود .

قلم بدستان حبل ... ! ای کسانی که شعار طرفداری از توده های مظلوم و محروم را سرلوحه دفتر و دیوان تان قرار داده اید، شما را به وجدان تان قسم که یکبار از روی درد به کوچه و پس کوچه های گلشهر، مشهد قللی، علیتیمور، نیزه ... بزنید و به چهره کودکان معصوم که از فرط کمبود ویتامین های ضروری و مورد نیاز شادابی خود را از دست داده نگاه کنید و بنگرید که چگونه وسائل و اسباب بازی این جوانان آینده انقلاب لجن جویچه ها و قطی های میکروبی بیکاره و دهها

شی دور انداخته شده می باشد. بیائید بنگرید که چگونه زنان قهرمان کشور که روزگاری با عمود خیمه به جان دشمن متجاوز حمله میکرد و امروز از بی حالی دم درب منازل پاها را دراز کرده به تماشای عابرین نشسته و حتی قادر به کنترل خود و بچه های خود نیز نیستند. آری ! بیائید، اما ماشین لوکس و نمایشی تان را اگر داشته باشید با خود نیاورید، چون در آن صورت چشم شما به آدم های می افتد که سر و وضع شان خوب است . و آنگاه فخر فروشی خواهید کرد، چون که دیگران میکند و مردم بیچاره در آن صورت بر شما نفرین خواهد فرستاد. گرچه ممکن است با عبور ماشین شما مدها چشم نظاره گر باشد و دهها کله کشک صورت گیرد ولی این نگاه ها نگاه نفرت ، انزجار و دشنام است ، پس پیاده شوید تا چهره های افسرده و وارهیخته های را مشاهده کنید که از شما طلب یاری دارند، چهره های را مشاهده کنید پدر دنبال کار رفته و کار نیافته برگشته مادر بخاطر اینکه از عصبانیت پدر بگریزد، بچه ها را با خود دم درب آورده تا شاید تسکین حال غربت و بیچارگی و فقر شده باشد. اما صد افسوس که کودکان معصوم با دیدن میوه جات و خوردنی ها که بدست اطفال پولدارها است چون جزغاله آب میشوند حسرت میخورند، بر خود، خانواده و حتی زندگی نفرین میفرستند .

نمیدانم شما مزه فقر و بدبختی را چشیده اید یا نه؟ من که روزگاری کودکی و نوجوانی را در فقر پشت سر گذاشتم، معنی نگاه های کودکان فقیر را

درک میکنم هر نگاه خنجری است که بر قلم فرو میرود، گریه ام می آید اما از شرم اینکه جوانم، مردم بر من نخندند جلو گریه خود را میگیرم ، حسرت میخورم که بزرگمردان آینده، کشور ما به چنین خواری و بدبختی بزرگ شوند و قبلاً هم این چنین بزرگ شده اند و با این فلاکت باری ها و رنجها لولیدند و تا سرحد کمال رسیدند و آنگاه از سوی به اصطلاح طرفداران توده های محروم شوروی (روسیه) و مزدوران شان ، این توده ها قتل عام شدند. و اینک رهبران مجاهدین پاکستان اعلام میدارند که حاضرند با شوروی ها (روسها) مستقیماً مذاکره کنند، زیرا تصور میکنند افغانستان راه حل نظامی ندارد باید از طریق سیاسی حل شود .

باید همچنین تحلیلی ارائه دهند و چنین طرحی پیشنهاد گردد، زیرا خیلی از کسانی که روزگاری دراز در فکر اندوختن مال و منال بودند و تمامی تلاشها و سعی شان در دست آوردن قدرت و امکانات، شرایط انقلاب فرصت خوبی شد تا این استعداد های خوابیده شکوفا شود و بازار تجارت رونق گیرد، لذاست که دیگر نیازی به مبارزه مسلحانه احساس نمیکند، چون در آن صورت سرانجام مرگ و بایبیزی است ولی در مبارزه سیاسی و پارلمانی هر چند شکست ها و تحقیر های هست ولی خیلی ها گمان میکنند مرگ نباشد در حالیکه در افغانستان انقلابی وضع غیر از این است . گمان میرود در صورت شکست در مذاکرات سیاسی، انتخاباتی دیگر فرصتی برای کسب درآمد هم نخواهد بود . ما نمیگوئیم سران

احزاب و مسئولین احزاب ماشین سوار نشوند، خانه و زندگی نداشته باشند ولی باید این واقعیت را دریافت که مردم علم غیب ندارند که کار همه را درک کنند و بر فرض هم موثر دوانی ها و جوه شرعی و ضروری داشته باشد، ولی برای مردم قابل درک نیست بلکه ملت تصور میکند که این موثر دوانی ها مانور فخر فروشی و پر کردن خلاء حقارتی است که برخی بخود احساس میکند ولی خود عقیده دارم که هرگاه همین انتقادگران به این موقعیتی که سران و مسئولین احزاب رسیده، برسند وضع طور دیگری خواهد شد چون تجارب گذشته کاملاً نشان داده است که بین گفتار و عمل فاصله ها وجود دارد. شیطان بسیاری از آدمهای خوب را از راه کشیده بدام خود گرفتار ساخته است. تعدادی سران احزاب و مسئولین گروه ها را به حکام حکومت گذشتته و قریه داران زمان ظاهر خائن تشبیه میکنند، ولی این تشبیهات از نگاه بُعد زمانی نا درست است زیرا مردم در کوچکترین کار مسئولین امروزی را بباد انتقاد میگیرند و حتی مستقیماً بخود شان اعتراض میکند، در حالیکه مدیران این وضعیت وجود نداشت، شاید در برخی احزاب این شیوه، برخورد وجود داشته باشد ولی ما نمیدانیم. پس اگر تمامی بدبختی ها و افسردگی ها را به گردن مسئولین احزاب باندازیم، شاید چندان قضاوت عاقلانه نباشد، چون خود هم به اندازه توان در ایجاد بدبختی ها سهیم هستیم و گذشته از آن دستهای مرموزی هم در کار است، تا کار را از بد بدتر سازند. بنابراین نظرات انتقادی و پیشنهادی

خود را بطور تفصیلی بیان میدارم .
الف : انتقادات : دوری از مردم .
 ۱- بسیاری از مسئولین احزاب و گروهها، نظر به غروری که برای شان پیش آمده و یا خلاهای که در وجودشان قبلاً وجود داشته و تعدادی از آن استفاده نموده، باعث جدائی شان از ملت گردیده است . این جدائی ها علاوه بر اینکه بدبینی هائی از سوی ملت نسبت به مسئولین ایجاد نموده ، بلکه خود باعث آن گشته که مسئولین محترم از واقعیات ملموس جامعه بخصوص دنیای آوارگی بدور نگه داشته شوند . تحلیل ها و بررسی های خود را صرفاً به اساس گفته ها و القائات تعدادی مخصوصی ارائه دهند و این خود باعث درد سرهای فعلی و آینده خواهد بود .
عدم برنامه ریزی :

۲- عدم برنامه ریزی در دفاتر و مجمع های مجاهدین علاوه بر اینکه باعث دلسردی تعدادی از مجاهدین راستین شده، خود بخود زمینه ساز نفوذ عناصر نفوذی و فرصت طلب و اخلاک در احزاب و سازمان ها شده است زیرا در صورتیکه در کانون های مجاهدین نماز جماعت ، درس توضیح المسائل ، قرآن عقاید و اخلاق وجود نداشته باشد، ممکن است یکنفر غیر مسلمان هم ماهها و سالها در دفاتر حضور داشته باشد و کسی هم از وجود او اطلاع نیابد و حتی ممکن یک نفر بی نماز وجودش ماهها کشف نشود چون خواب صبح در تمامی جاها رواج یافته ، تعدادی که نماز نخواند، باز هم توجیه برای شان وجود دارد که بگویند قبلاً خوانده، ظهر و شام هم که توجیه برای

بیرون خواندن وجود دارد .
 ۳- عدم تشکیلات : ما منکر این نیستیم که انقلاب ما به اثر ضعف فرهنگی دچار مشکلات و گرفتاری های نیست ولی بسیاری از این مشکلات قابل جبران است ولی توجه چندانی به آن نشده . از جمله کارهای که توجه نشده و امروز گلوی احزاب اسلامی هموطن را فشار میدهد ، تشکیلات است . اگر به کسی برنخورد بدون مبالغه میتوان گفت که احزاب اسلامی ما به اندازه یک کارخانه ، کوچک و حتی یک نانوائی تشکیلات ندارد. زیرا شاگرد نانوائی در صورت تخلف مورد مواخذه قرار میگیرد ولی افراد گروهها از این قانون مستثنا اند این چیز است که نه تنها یک گروه دو گروه، بلکه تمامی احزاب اسلامی هموطن به آن مبتلا است و علت هم این است :

الف : رقابت گروهی : واضح است اگر افراد خاطی، جنایتکار و مفسد را از گروه خود دور سازند، گروه رقیب فوراً به سراغ او رفته، بیش از گذشته او را مسلح و تجهیز مینماید . تعدادی از سرشناسان این تیپ کم نیستند که چون زنان فاحشه از این حزب به آن حزب و حتی دولت سر زده اند و یکی از عوامل جنگهای داخلی هم جابجائی این مهره های تخریبگر و احياناً مزدور اند .

ب : عوامل خارجی : در انقلاب افغانستان نیز مثل فلسطین کشورها و احزاب جهانی چشم دوخته و همانطوری که در فلسطین، سوریه، لیبی، الجزایر، سعودی، مصر، اردن، مراکش، عراق و

برای خود حزب و گروهی دارند، در افغانستان هم چنین است و طبعاً کش ماکش هائی بوجود میاید و هرگروه که خوب قومانده را انجام ندهند به مشکلات می افتد .

ج : حفظ موقعیت : هر گروه سعی دارد ولو به دروغ و شایعه سازی موقعیت خود را در بین مهاجرین تحکیم بخشد . بطور مثال مشکلات کوپن ، کارت و دیگر گرفتاری های مهاجرین را در کشور های همجوار به عهده دیگری می اندازند تا شاید خود موقعیت کسب کنند در حالیکه اینقدر درک نمی کنند که دروغ آخر افشاء میشود .

د : موقعیت دادن افراد کم ظرفیت : گاهی دیده میشود کوچکترین اسراریک سازمان و گروه که چندان اهمیت ندارد در بین مردم چنان بزرگ می شود که گوئی محرمانه ترین راز فاش شده در حالیکه واقعیت چیز دیگر است . ولی عیب کار در این است که سران احزاب افراد از خود راضی و خودخواه را در کارهای خود دخیل می سازند که آنها هم برای بزرگ ساختن خود دست به افشاگری می زنند در بین مردم مطرح می سازند که چنین و چنان کرده است و همین کار باعث آبرو ریزی سران که خود این دستکی ها را پرورش داده ، میشود .

ه : تعصبات و تبعیضات : امروزه یکی از کار های بزرگ و مهم احزاب در خارج بخصوص در ایران نامه تردد است، بهترین سازمان و اسلامی ترین سازمان همان است که نامه تردد زیاد داشته باشد . با اینکه ما به این کار چندان اهمیت نمیدهیم ولی یکی از عواملی که ملت را به گروهها بدبین می سازد

همین امر است . واضح است که تعداد سهمیه احزاب کم است و متقاضیان فراوان ، و اندک ساده اندیشی اتهام و تبعیض را میرساند . اگر داستان حج هم اضافه گردد مسئله پیچیده تر میشود .

مسئله مردم :

۱- دوری از انقلاب : عوض اینکه کتاب ، روزنامه و مجله بخوانند و یا رادیو تلویزیون بشنوند و ببینند، گوش به شایعات میدهند و خود را بیخود دچار افسردگی و رنج می سازند .

۲- چسپیدن به دنیا : اگر آدم درست توجه کند در دنیای آوارگی نسبت به داخل کشور خیلی بیشتر مسئله دنیا پرستی مطرح است و روز به روز هم شدت می یابد . امروزه پول و دازائی وسیله رسیدن به هدف محسوب نمیشود بلکه خود هدف شده و این کار واقعا خطرناک است .

۳- چسپیدن به سنت های غلط : یکی از سنت های لایتغیر جامعه بشری ازدواج است، زیرا بدون ازدواج نسل آدم ها قطع میگردد . در هر جامعه ای ازدواج وجود دارد، نظر به عدم رشد و فرهنگ و ادب، ازدواج در افغانستان بشکل يك سنت کهنه مبدل شده، خرید و فروش در این مورد امر قابل قبول و پذیرفتنی است بحدی که حتی مخالفین خرید و فروش آدم محسوب نمی شوند . این سنت در آوارگی نه تنها تغییر نکرد که حتی تشدید هم شد و امروزه قلین در شهر های ایران به چند صد هزار تومان رسیده و این واقعا يك پدیده شوم و غیر انسانی است . مردم بدون اینکه توجه به خطرات این روش داشته باشند، هنوز در رواج دادن آن میکوشند و هرگاه

مؤمنی پیدا شود که دختر خود را بدون قلین به شوهر دهد، خیلی ها اورا مسخره میکنند . با اینکه در این طرح نه خریدار و نه فروشنده هیچ کدام سود نمی برد ولی باز هم کسی از راه شیطان برنمیگردد . این گرانی و مشکل تراشی باعث میشود تا جوانان اعم از دختر و پسر به فساد کشیده شوند و کم کم این مسئله یکی از مسائل حاد دوران آوارگی میگردد و آهسته آهسته در کانون جهاد و انقلاب و اعضای سازمان هانیز کشیده میشود . اگر این وضع ادامه پیدا کند و صاحب نظران در صدد اصلاح آن کمتر همت نبندند گمان میرود در دراز مدت خود مسائل ازدواج یکی از مانع بزرگ در سر راه مبارزه ایجاد خواهد کرد، زیرا با در نظر داشت گرانی و بلند بودن هزینه عروسی يك مجاهد به هیچ وجه توانائی ازدواج را نخواهد یافت، لذا مجبور هستند که کسانی که به زن نیاز دارند، صحنه جهاد را ترك گفته به دنبال پول پیدا کردن در کوره ها و پس کوره ها راه بافتند . جالب اینجاست که مجاهدین مسلمان افغانستان را بیشتر همین دربرداران تشکیل میدهد .

۴- توقعات بیش از حد : این درست است که احزاب و گروهها برای انقلاب و جهاد بوجود آمده و مردم هم جزء این انقلاب و کشور اشغال شده به حساب می آیند و باید به کار شان رسیدگی شود ولی در شرایط کنونی رسیدگی به جهاد از اهم ضروریات انقلاب اسلامی ماست . و مهاجرین ما این نکته را توجه نکرده توقعات دور از انتظاری از احزاب دارند و بدبختی هم در این احزاب با وجود اینکه اصلا قادر به انجام خواسته های

مردم نیستند و توانائی آنها ندارند ولی مردم را بصورت درست قناعت نمیدهند و این کار باعث دلسردی مردم از جریانهای سیاسی میگردد. به طور مثال در مسئله حج کل احزاب اسلامی

افغانستان ... نفر سهمیه دارند که از آن جمله ... نفر سهمیه پاسداران جهاد و ... نفر دیگر سهمیه سازمان نصر افغانستان است و ... نفر سهمیه تمامی احزاب خرد و ریز دیگر . شاید

متقاضیان هر گروه به چند صد نفر برسد در حالیکه شاید سهمیه بسیاری از احزاب به ... نفر نرسد و آنها هم با چند تن پرسنل، معلول، مجروح و خانواده شهید . ادامه دارد

بقیه از صفحه ۲۷

انجام کار و هدفی است . و انسان چون پس از خداوند برترین موجود است و نسبت به خویشتن علم حضوری دارد، نسبت به همه این روابط، نقش محوری دارد . و اساسا هدف از خلقت انسان و طبیعت، و تمامی رمز و رازها این است که انسان درین جهت ها و

روابط و کشف معضلات و مشکلات پیچیده آن، تکامل و توفیق پیدا کند . این پنج گونه روابط انسان است که در پرتو کلام معصوم که خود در ژرفای کلام خدا نیز هست بدست می آید و تا کنون از اول این بحث تا اینجا به نحوی در رابطه، با رابطه نخستین، توضیحات و مطالبی گفته آمد و امیدواریم که این چوکات تا آخر بحث ما محفوظ بماند و در پیرامون دیگر

روابط نیز مطالب لازمه به تحقیق برسد . و تذکری دیگر را نیز که نباید فراموش کنیم این است که ما با تعقیب این سلسله، خود بخود نقش درجه یک و محوری انسان و رابطه اول آن در مقابله با دیگر روابط و موجودات پی می بریم . و برای اهمیت آن باز هم جملاتی تاکیدی دیگر را از مکتب شناسی درجه یک مکتب علی (ع) می آوریم . ادامه دارد

بقیه از صفحه ۵۶

لیست نامه های که بدفتر حبل ...

ثبت شده است :

- ۱ - تهران ۲۵۸ نامه
- ۲ - مشهد ۱۴۱ نامه
- ۳ - قم ۱۳۷ نامه
- ۴ - اصفهان ۱۲۳ نامه
- ۵ - ساوه ۵۱ نامه
- ۶ - کرج ۴۲ نامه
- ۷ - محلات ۲۸ نامه
- ۸ - اراک ۱۹ نامه
- ۹ - کاشان ۱۵ نامه
- ۱۰ - کرمان ۱۳ نامه
- ۱۱ - تربت جام ۷ نامه
- ۱۲ - اهواز ۶ نامه
- ۱۳ - زاهدان ۵ نامه
- ۱۴ - شیراز ۴ نامه

۱۵ - بیرجند ۴ نامه

۱۶ - همدان ۴ نامه

۱۷ - دلیجان ۳ نامه

۱۸ - یزد ۳ نامه

۱۹ - بوشهر ۳ نامه

۲۰ - اشریفه ۳ نامه

۲۱ - کردستان ۲ نامه

۲۲ - هرمزگان ۲ نامه

۲۳ - تربت حیدریه ۲ نامه

۲۴ - گیلان ۲ نامه

۲۵ - چارمحال بختیاری ۱ نامه

۲۶ - بم ۱ نامه

۲۷ - تایباد ۱ نامه

۲۸ - رودسر ۱ نامه

۲۹ - بروجرد ۱ نامه

۳۰ - رشت ۱ نامه

۳۱ - تبریز ۱ نامه

۳۲ - زابل ۱ نامه

۳۳ - آبادان ۱ نامه

خارج از ایران :

۳۴ - پاکستان ۴۱ نامه

۳۵ - آلمان غرب ۱۹ نامه

۳۶ - اتریش ۷ نامه

۳۷ - امریکا ۵ نامه

۳۸ - کردستان عراق ۲ نامه

۳۹ - استرالیا ۲ نامه

۴۰ - کویت ۱ نامه

۴۱ - بنگلادیش ۱ نامه

۴۲ - هند ۱ نامه

سال ۱۳۶۳ جمعا " ۵۶ نامه

سال ۱۳۶۴ جمعا " ۲۵۱ نامه

سال ۱۳۶۵ جمعا " ۴۵۱ نامه

پاسخ

نامه ها

ب : حزب - عبارت است از گروه، دسته یا دسته ای از مردم دارای مسلک خاص
ج : گروه - عبارت است از دسته ای از مردم، جماعت .

بادرك معنی ها به این نتیجه میرسیم که اگر هم تفاوت در تشکیلات شان وجود داشته از نگاه کمیت و کیفیت است نه از نگاه اسم و رسم .

س ۵- احزاب شیعه مجاهدین افغانستان چند تا است نام ببرید و احزاب سنی مجاهدین افغانستان چند تا است نام ببرید و هر کدام سرکردمو رهبر شان کیست نام ببرید ؟

ج - ویژه نامه ۶ جدی یا شماره ۳۱ مجله را مطالعه کنید سؤال تان حل است .

س - ۶ - در زمان فعلی رهبران مجاهدین شیعه افغانستان شاید همه اش روحانی باشند چرا به مطیعان امرش نمی گویند و تذکر نمی دهند که جنگ داخلی نکنند آیا قدرتش نمی رسد اگر نمی رسد چرا برکنار نمیشود که جایش رایك فرد دیگر که میتواند و قدرتی دارد بنشیند ، لطفا " توضیح دهید .

ج - البته قبلا " هم تذکر دادیم که جنگ داخلی تنها مربوط به گروههای شیعه نیست بین گروههای اهل سنت هم وجود دارد منتهی رادیوهای جهان بخاطر ضدیت با انقلاب اسلامی ایران بیشتر از شیعه ها را بزرگ می سازند اما اینکه رهبران زورشان می رسد یا نمی رسد و چرا کنار نمی روند بستگی به خودشان دارد ماجرث عزل و نصب شان را نداریم .

س ۷ - چرا به اینها ئیکه پیرو دوا زده معصوم اند شیعه می گویند شیعه به چه معنی است ؟

ج - شیعه به معنی پیرو و دنباله است

میلیون ، و در هر کیلومتر مربع ۶۲ نفر زندگی می کنند .

۵ - استرالیا مساحت ۸۵۶۱۶۰۸ کیلو متر مربع، جمعیت ۲۶۰۰۰۰۰۰ میلیون و در هر کیلومتر مربع فقط ۳ نفر زندگی می کنند .

س - ۳ - آیا از نظر شرع جایز است که افراد در جنگ داخلی افغانستان بین مجاهدین کشته می شوند شهید گفته شود . در مجله ها آنها را شهید میگویند اگر جایز نیست اینها به چه دلیل آنها را شهید می گویند ؟

ج - اینکه از نگاه شرع جایز است یا نیست شما از مراجع تقلید سؤال کنید ولی دلیل که اینها کشته شدگان را شهید میگویند اینست که هر کدام خورا برحق و طرف را باطل می پندارند .

س - ۴ - سازمان ، گروه و حزب باهم از نظر تشکیلات و معنی فرق دارد یا خیر ؟
ج - برای روشن شدن ، ابتدا معنی هر کدام را ذکر می کنیم و بعدا " تفاوت شان را نام می بریم .

الف : سازمان - عبارت از مجموع دستگاهها و شعب و کارمندان يك اداره یا يك مؤسسه ، یا تشکیلات .

۱- لیاقت علی محبّی
س - فرق بین حدیث و روایت چیست ؟ ، حدیث را چه کسانی نقل کرده و روایت را چه کسانی ؟

ج - حدیث تازه ، جدید ، نو و یا بعبارۀ دیگر حدیث آنچیز است که به حضرت پیغمبر (ص) نسبت داده شود ، قولاً " فعلاً " و تقریراً " و منعناً " و یا بطور ساده تر سخن و کردار حضرت رسول (ص) را حدیث گویند . اما روایت نقل سخن و یا خبر از کسی . با این تعریف کوتاه شاید منظور برآورده شده باشد ورنه هر کدام طول و تفسیر فراوان دارد .

س - در هر قاره از این جهان چند دولت باهم اجتماع کرده است ، یعنی چند دولت را يك قاره گفته اند لطفاً نام ببرید یا بعبارۀ دیگر همه قاره ها باهم از نظر تعدد دولت ها مساوی اند یا فرق دارند ؟

ج - قاره ها به اساس دولتها دسته بندی نشده بلکه از نگاه موقعیت جغرافیائی از هم جدا شده ، لذا از نظر تعدد دولتها پنج قاره جهان باهم مساوی نیستند بلکه از نگاه نفوس و مساحت هم باهم تفاوت دارند بطور مثال :

۱- آسیا مساحت ۴۴۲۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع ، جمعیت ۲۸۰۰۰۰۰۰۰ و در هر کیلومتر مربع ۶۴ نفر زندگی می کنند .

۲ - افریقا مساحت ۳۰۰۰۰۰۰ کیلو متر مربع ، جمعیت ۳۰۰۰۰۰۰ میلیون ، و در هر کیلومتر مربع ۱۴ نفر زندگی میکنند

۳ - امریکا مساحت ۴۳۷۳۳۱۷۵ کیلو متر مربع ، جمعیت ۵۵۱۰۰۰۰۰۰ نفر و در هر کیلومتر مربع ۱۲ نفر زندگی میکنند

۴ - اروپا مساحت ۱۰۹۷۸۳۵۷ کیلو متر مربع ، جمعیت ۶۸۱۶۵۳۰۰۰

لذا کسانی که پس از حضرت زسول (ص) ولایت و جانشینی آن حضرت مربوط به علی (ع) و فرزندان او می دانند، شیعه دوازده امامی گفته می شوند.

س ۸ - خداوند (ج) چند نام دارد و باری چه معنی می دهد، دیگر در بعضی جاها خدا می گویند و در بعضی جاها خداوند، این به چه مناسبت است.

ج - باری : آفریننده ، خالق ، خدای متعال ، خدا : آفریدگار جهان ، الله ، مالك ، صاحب . خداوند : خدا ، صاحب ، مالك ، پادشاه ، الله .

از نگاه معنی فرق چندانی بین خدا و خداوند وجود ندارد .

واما نام خداوند را نمیتوان مطلقاً " به چند اسم قید زد بلکه له الاسماء الحسنی اوراست نامهای نیکو .

س ۹ - به شیعه که رافضی میگویند یعنی ترك كننده چه را ترك کرده اند .

ج - رافضی : گروهی که پیشوای خود را ترك كنند و از او بازگردند . هر فرد از پیروان زید بن علی بن حسین (ع) که سپس بیعت او را شکستند .

ولی متاء سفانه خیلی از کسان اشتباهاتمامی تشیع را رافضی می گویند .

س ۱۰ - فرق بین مارکیست و مارکسیسم امپریالیست و امپریالیزم ، صهیونیست و صهیونیسم ، کاپیتالیست و کاپیتالیزم چیست ؟

ج - اولی بر شخص اطلاق می گردد ، دومی بر مکتب .

الف : مارکسیست - پیرو مصلک مارکسیسم ب : مارکسیزم - مکتب مارکس

الف : امپریالیست - هواخواه حکومت امپراطوری

ب : امپریالیسم : سیاستی که مرام وی

بسط نفوذ و قدرت کشور خویش بر کشور دیگر است .

الف : صهیونیست : طرفدار مصلک صهیونیسم .

ب : صهیونیسم : مصلک گروهی که طرفدار سلطه و نفوذ یهودیان بر اقوام و ملل دیگرند .

الف : کاپیتالیست : سرمایه دار ، طرف دار کاپیتالیسم .

ب : کاپیتالیسم : سرمایه داری ، تفوق سرمایه داران در امور صنعتی .

س ۱۱ - در شوروی (روسیه وحشی) کلا " چند تا کشور است و چند تا کشور اشغال شده وجود دارد ، از بین آنها چند تایشان کافر و کشورهای اسلامی هر کدام شان چقدر نفوذ دارد .

ج - روسیه وحشی کلا " ۱۵ جمهوریت را تحت سلطه دارد که عبارت اند از :

۱ - جمهوری آذربایجان ، مساحت ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع ، جمعیت ۶۰۲۸۰۰۰ نفر مرکز باکو

۲ - ارمنستان مساحت ۲۹۸۰۰ کیلومتر مربع ، جمعیت ۳۰۳۱۰۰۰ نفر ، مرکز ایروان .

۳ - ازبکستان مساحت ۴۴۹۶۰۰ کیلومتر مربع ، جمعیت ۱۵۳۹۱۰۰۰ نفر ، مرکز تاشکند .

۴ - استونی مساحت ۴۵۱۰۰ کیلومتر مربع ، جمعیت ۱۴۶۶۰۰۰ نفر ، مرکز تالین .

۵ - اوکراین - مساحت ۶۰۳۷۰۰ کیلو- متر مربع ، جمعیت ۴۹۷۵۷۰۰۰ نفر ، مرکز کیف .

۶ - بیلوروسی مساحت ۲۰۷۶۰۰ کیلو- متر مربع ، جمعیت ۹۵۵۹۰۰۰ نفر ، مرکز - مینسک .

۷ - تاجیکستان - مساحت ۱۴۳۱۰۰ کیلو متر مربع ، جمعیت ۳۸۰۱۰۰۰ نفر ، مرکز - دوشنبه .

۸ - ترکمنستان - مساحت ۴۸۸۱۰۰ کیلو متر مربع ، جمعیت ۲۷۵۹۰۰۰ نفر ، مرکز - عشق آباد .

۹ - فدراتیورسیه مساحت ۱۷۰۷۵۰۰ کیلومتر مربع ، جمعیت ۱۳۷۵۵۲۰۰۰ نفر ، مرکز مسکو .

۱۰ - قرقیزستان مساحت ۱۹۸۵۰۰ کیلو متر مربع ، جمعیت ۳۵۲۹۰۰۰ نفر ، مرکز فرونزه .

۱۱ - قزاقستان مساحت ۲۷۱۵۱۰۰ کیلو- متر مربع ، جمعیت ۱۴۶۸۵۰۰۰ نفر ، مرکز آلماتا .

۱۲ - گرجستان مساحت ۶۹۷۰۰ کیلومتر- مربع ، جمعیت ۵۰۱۶۰۰۰ نفر ، مرکز تفلیس .

۱۳ - لاتوی مساحت ۶۳۷۰۰ کیلومتر- مربع . جمعیت ۲۵۲۱۰۰۰ نفر ، مرکز- ریگا .

۱۴ - لیتوانی مساحت ۶۵۲۰۰ کیلومتر- مربع ، جمعیت ۳۳۹۹۰۰۰ نفر ، مرکز- ویلنیوس .

۱۵ - مولداوی مساحت ۳۳۷۰۰ کیلومتر- مربع . جمعیت ۳۹۴۸۰۰۰ نفر ، مرکز- کیشی نف .

س ۱۲ - افغانستان از همان روزی که يك کشور درست شده تا حالا چندتارژیم حکومت کرده نام ببرید ؟

ج - ویزه نامه ۶ جدی (شماره ۳۱) را مطالعه کنید .

س ۱۳ - تعداد شیعه در افغانستان به چند میلیون می رسد ؟

ج - شیعیان در افغانستان از نگاه فیصدی ۳۰ الی ۳۵٪ کل جمعیت را تشکیل

می دهد و در حدود ۶ الی ۷ میلیون تخمین زده می شوند.

س ۱۴ - آیا مهاجرینی که از جنگ داخل به ایران هجرت کرده ، مهاجرین واقعی گفته می شود یا نه و دیگر آنهاییکه نه ، ظلم دیده است و نه ستم ، برای مادیات به ایران و یا جاهای دیگر می رود ، جهاد هم نمی کنند اینها هم مهاجر گفته می شوند یا خیر ؟

ج - راستش جواب گفتن به این سؤال مشکل است زیرا همگی خود را مهاجر حقیقی می دانند .

۲ - برادر عبدالملك " حبیبی " س ۱ - آیا شما در خارج از ایران نمایندگی دارید که مجله شما بفروش برسد اگر دارید در کدام کشور ؟

ج - برادر نمایندگی ثابت در کشور های خارج نداریم ولی تعدادی از انسان های خیردزمینه فروش باما همکاری دارند . س ۲ - شما کداميك از جریده هائیکه در ارتباط انقلاب اسلامی افغانستان منتشر می شود که برای نسل روشن مفید باشد معرفی می کنید غیر از این مجله ؟ ج - البته نمیتوان به کسی خط و نشان کشید که فلان نشریه را بخوانید و فلان نشریه را نخوانید ولی اگر منظورتیپ روشن فکر است باید تمامی نشریات که از سوی احزاب اسلامی منتشر می شود مطالعه کنند تا دریابند که کدام بهتر است .

س ۳ - از قراریکه شنیده می شود میگویند که سازمان نصر در آلمان يك مجمع فرهنگی دارد آیا واقعیت دارد یا نه اگر دارد کارشان موء ثر است ؟

ج - ما از این کار اطلاعی نداریم بفرض اگر چنین چیزی داشته باشند بدون شك

موء ثر است چون در غرب پیش از این برای نجات مهاجرین کار فرهنگی لازم است .

س ۴ - طرح چهارجانبه که درباره حل مسئله افغانستان از طرف جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد شده بود کداميك از ارگانها رد کرد ؟

ج - ما اعلامیه سازمان نصر افغانستان را دیده بودیم که آنرا رد کرده است از دیگران چیزی درباره رد آن ندیدیم بلکه تأییدات فراوان دیدیم و شنیدیم . برادر محسن داوودی !

س ۱ - قرون وسطی چگونه پایان رسید ؟ ج - آغاز قرون وسطی را معمولاً " سال - ۴۷۶ میلادی (تاریخ سقوط امپراطوری روم غربی و انتهای آن را سال ۱۴۵۳ م (تاریخ فتح قسطنطنیه امپراطوری عثمانی) ذکر می کنند .

س ۲ - در قرون وسطی چه کسی قدرت مهم را داشت ؟

ج - مشخص ساخته اید که در کدام سرزمین و در کدام سال ، امید است که در آینده روشن سازید .

س ۳ - مغولان چرا در حملات خود خشونت نشان می دادند ؟

ج - اگر درست فکر کنیم تمامی چپاول - گران و متجاوزین با مردمان مورد تجاوز به خشونت رفتار می کنند ولی اینکسه فقط خشونت مغولان به یادگار مانده ما چیزی نمیدانیم .

س ۴ - در حالیکه خداوند نیاز به عبادت انسان ندارد چرا شیطان را بر آدم مسلط نمود ؟

ج - قبل از اینکه شیطان از درگاه خداوند تمرد جوید سالهای سال عبادت و بندگی خدای نموده بود ، لذا وقتی از سجده

آدم اباورزید و مورد لعن و نفرین خداوند قرار گرفت ، پاداش عبادات گذشته از خداوند خواست و خداوند هم پاداش او را بدنیاداد که تا روز قیامت زنده باشد . لذا اواز همان کینه دیرینه خود همواره گمراه کردن نسل آدم استفاده می کند .

س ۵ - ادلف هتلر در کجا تحصیل نمود و اصلشان از کجا بود ، چند سال داشت و در کدام تاریخ به قدرت رسید ؟

ج - هتلر در سال ۱۸۸۹ در شمال اتریش در مرز آلمان غرب متولد شد ، در سال ۱۸۹۵ در شهر لینز وارد مدرسه شد ، دوره متوسطه را در شهر استیر بپایان رسانید در سال ۱۹۳۲ به صدراعظمی آلمان انتخاب شد .

۱ - برادر غلام صدیق از تهران !

الف : کسانیکه با حبیب ۰۰۰۱ سقازاده پس از خدعه نادر غدار اعدام شدند عبارت بودند از حبیب ۰۰۰۱ سقا زاده ، سید حسین وزیر دفاع ، حمید ۰۰۰ برادر سقازاده ، صاحب زاده شیرجان خان وزیر دربار ، صاحب زاده جنرال محمد صدیق خان قوماندان نظامی در پکتیا ، محمود محفوظ خان معین وزارت حرب ، ملك محمد محسن والی کابل ، سید محمد خان یاور ، غلام قادر خان چنداولی منشی دفاع و دونفر از خواهرزاده های حبیب الله سقازاده بتاريخ ۲۴ عقرب ۱۳۰۸ در پای دیوار شمالی ارگ اعدام شدند .

ب : راجع به خصوصیات زندگی عبدال خالق بیشتر از آنچه در شماره ۲۷ آمده معلومات نداریم .

ج : ظاهر خائن در سن ۱۸ سالگی پس از قتل پدر به ارکه قدرت تکیه زد .

جبل الله



● جبل الله مجله عقیدتی، سیاسی و اجتماعی

● جبل الله ۳ سال در ۳ شماره

● جبل الله بیانگر درد ها ورنج های ملت مظلوم افغانستان